

# مسجد مقدس جمکران تجلی گاه صاحب الزمان علیه السلام

سید جعفر عظیمی

مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

یا صاحب الزمان ادر کنا

مرجع عالیقدر جهان تشیع فقیه اهل بیت عصمت و طهارت حضرت آیت الله العظمی آقاي مرعشی نجفی قدس سره درباره مولف کتاب چنین می فرماید:

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجه الاسلام آقاي آقا سید جعفر عظیمی دامت برکاته از جمله فضلا در حوزه مقدسه می باشند و سالیان دراز مشغول تحصیل علوم دینی و خدمت به شرع انور داشته و دارند و عده زیادی از برادران دینی را بقرآن شریف و تفسیر آن و عقاید حقه و مسائل شرعه فرعیه آشنا نمودند امید است که مومنین بقیت وجود ایشان را مغتنم شمرده از بیانات و برکات ایشان مستفیض بوده باشند.

۱۳ رجب ۱۴۰۰ ق.

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

مسجد مقدس جمکران

جلوه گاه عنایات امام زمان علیه السلام ، تجلی گاه کرامات و معجزات حضرت مهدی علیه السلام ، میعادگاه منتظران و شیفتگان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است.

مسجد مقدس جمکران

پایگاه عشق و دلسوختگان فراق ، منزلگاه کاروانیان اشتیاق ، خلوتگاه مبتلایان درد و داغ غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام است.

مسجد مقدس جمکران

دار الشفای دردمندان ، دارالامان گمشدگان و بی پناهان ، پناهگاه بلا دیدگان و مصیبت زدگان دوران نهایی زاده زهرا علیها السلام است.

مسجد مقدس جمکران حریم امن الهی ، کعبه اهل ولایت ، عبادتگاه فناشدگان راه مهر وجه الله و بقیه الله است.

مسجد مقدس جمکران

سرچشمه جوشان نور و هدایت است.

در این مسجد می توان عطر ناب حضور حضرت مهدی علیه السلام را حس کرد.

این مسجد را می توان خانه صاحب الزمان علیه السلام شمرد.

بسیارند آنان که در این مسجد شرافت دیدار یافته اند و دست عنایت موعود را بر سر خود لمس کرده اند و به کرامت مولا به هر چه خواستنی است ، رسیده اند. علمایی که در گذر تاریخ همواره به این

مکان مقدس اهتمام ورزیده اند، ارادتمندانی که در سالیان درازی از عمر خویش هرگز از زیارت آن غافل نمانده اند، مردمانی که در هر شب چهارشنبه و جمعه راه های طولانی را به شوق جمکران درنوردیده اند به یقین از توجهات صاحب این مسجد بهره ها برده اند و کرامت ها دیده اند. آیا می شود این همه معنویت و صفا و آمادگی روحی، در زائران مسجد جمکران، بدون عنایت مولا حاصل آید؟

آیا می شود این همه شور و اشتیاق و التهاب، در جستجوگران صاحب الزمان علیه السلام بدون توجه خود آن حضرت صورت پذیرد؟

آیا می شود این همه آرامش روحی و رشد ایمانی و کمالات معنوی برای نمازگزاران مسجد جمکران، بدون امدادهای مشفقانه و دعاها و خالصانه حضرت مهدی علیه السلام تحقق یابد؟ هر چه هست از مدد رحمت اوست!

کتاب - مسجد مقدس جمکران تجلی گاه صاحب الزمان علیه السلام - با ذکر روایات معصومین علیه السلام و نقل اقوال و خاطرات علما و صالحین و بیان سرگذشت های شیرین از دیدارها و کرامات های حاصله در این سرزمین، مجموعه ای کم نظیر و پر تاثیر درباره این مسجد مقدس به شمار می آید. چاپ اول این کتاب در نیمه شعبان ۱۴۱۵ با استقبال بی نظیر عاشقان بقیه الله روبرو گردید و در طی کمتر از پنج سال بارها و بارها تجدید چاپ گردید و بیش از صد و بیست هزار نسخه از آن چاپ و منتشر و به سرعت نایاب گردیده است.

مؤلف محترم آن جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای سید جعفر میر عظیمی از ارادتمندان با اخلاص و علاقمندان ایثارگر ساحت مقدس بقیه الله الاعظم حضرت مهدی علیه السلام می باشند که در راه جمع آوری مطالب مختلف آن سعی بلیغ و تلاشی وافر داشته اند.

- واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران - برای مؤلف محترم توفیقات روز افزون و برای مطالعه کنندگان گرمی رستگاری و فوز دیدار را آرزو دارد.

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

تابستان ۱۳۷۸

پیشگویی امیر مؤمنان علیه السلام پیرامون مسجد مقدس جمکران

محمد بن محمد بن هاشم رضوی - از علمای قرن دوازدهم - در کتاب - خلاصه البدان - از کتاب - مونس الحزین - شیخ صدوق نقل کرده که امیر مؤمنان علیه السلام در یک روایت طولانی از تشریف فرمائی حضرت بقیه الله - ارواحنا فداء - به شهر قم، و تجلی آن حضرت در کنار مسجدی در نزدیکی دهی کهن به نام - جمکران - خیر داده است.

متن کامل این حدیث را صاحب - انوار المشعشعین - از کتاب - خلاصه البدان - نقل کرده است. <sup>۱-</sup>

خوانندگان گرامی می‌توانند متن آن را در بخش اول کتاب ملاحظه فرمایند.<sup>۲-</sup>

پیام حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه پیرامون مسجد مقدس جمکران

حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - خطاب به حسن بن مثله فرمود:

-به مردم بگو به این موضع -مسجد مقدس جمکران - رغبت کنند و آن را عزیز دارند...-

آنگاه نماز تحیت مسجد و نماز امام زمان علیه السلام را تعلیم دادند، سپس فرمودند:

-فمن صلیهما فکانما صلی فی البیت العتیق :-

-هر کس این دو نماز را بخواند همانند این است که در خانه کعبه نماز گزارده باشد -.<sup>۳-</sup>

نماز مسجد مقدس جمکران

حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - هنگامی که به تاسیس مسجد مقدس جمکران فرمان داد، کیفیت نماز

مسجد جمکران را به شرح زیر بیان فرمود:

- ۱ دو رکعت نماز به نیت نماز تحیت مسجد، در هر رکعت بعد از حمد، سوره قل هو الله احد هفت

مرتبه، ذکر رکوع و سجده هر کدام هفت مرتبه.

- ۲ سپس دو رکعت به نیت امام زمان علیه السلام، در هر رکعت بعد از حمد، قل هو الله احد یکمرتبه

، ذکر رکوع و سجده هر کدام هفت مرتبه.

در رکعت اول و دوم آیه ایاک نعبد و ایاک نستعین صد مرتبه تکرار می‌شود.

- ۳ بعد از نماز: لا اله الا الله یکمرتبه، سپس تسبیح حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - -الله اکبر

۳۴، الحمد لله ۳۳ و سبحان الله ۳۳ مرتبه -.

- ۴ اللهم صل علی محمد و آل محمد یکصد مرتبه در حال سجده .<sup>۴-</sup>

مقدمه

مسجد در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه ای دارد. اعتبار و اهمیتی که اسلام به مسجد داده است به هیچ

نهادی نداده و مسجد را خانه ای برای خدای لامکان معرفی کرده، خانه ای از آن خدا که برای مردم

است.

و لذا می‌بینیم پس از هجرت پیامبر خدا به مدینه، اولین بنیادی که نهاده شد، مسجد بود، و رسول

گرامی اسلام نخست در قبا و سپس در مدینه مسجدی را پایه گذاری کرد که کانونی برای انجام

عبادات و مرکزی برای تجمع مسلمانان و پایگاهی برای تصمیم گیری های مهم باشد.

داستان شورانگیز ساختن اولین مسجد در مدینه و اشتیاق مسلمانان برای انجام این کار و اینکه شخص

پیامبر در ساختن مسجد فعالیت می‌کرد، در کتب تاریخ بطور مبسوط آمده و همچنین سرودهایی که

مسلمانان در حال ساختن مسجد زمزمه می‌کردند، در این کتابها نقل شده است .

از جمله این سرود:

لئن قعدنا و النبي يعمل  
فذاك من العمل المضلل

اگر ما بنشینیم و پیامبر کار کند این عمل برای ما باعث گمراهی خواهد بود.  
با این سرود که پیامبر و مسلمانان بطور دسته جمعی می خوانند:

لا عيش الا عيش الاخره  
اللهم ارحم الانصار و المهاجره<sup>-5-</sup>

زندگی نیست مگر زندگی آخرت ، خداوندا به انصار و مهاجرین رحمت فرما.  
اهمیت ساختن مسجد و رفت و آمد و حضور در آن آنچنان زیاد است که در قرآن و حدیث  
تاکیدهای فراوانی بر آن شده است . خداوندا در قرآن کریم درباره تعمیر مسجد و حضور در آن چنین  
فرموده است:

انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الاخر<sup>-6-</sup>  
همانا مساجد خدا را کسانی تعمیر می کنند که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشند.  
لمسجد اسس علي التقوي من اول يوم احق ان تقوم فيه<sup>-7-</sup>  
مسجدهایی که از نخستین روز بر اساس تقوی ساخته شده ، سزاوار است که در آن مقیم باشی.  
همچنین در روایات از معصومین علیهم السلام سفارشهای بسیاری درباره مسجد شده است که ما به  
عنوان نمونه به چند حدیث اکتفا می کنیم:

قال رسول الله -ص:-

كونوا في الدنيا ضيفا و اتخذوا المساجد بيوتا<sup>-8-</sup>

پیامبر خدا فرمود: در دنیا میهمان باشید و مساجد را خانه خود قرار دهید.

قال رسول الله -ص:- بشر المشائين الي المساجد في ظلم الليل بنور ساطع يوم القيامة<sup>-9-</sup>

پیامبر خدا فرمود: مژده بده به کسانی که در تاریکی های شب به مساجد می روند به نوری که در روز  
قیامت می درخشد.

قال الصادق -ع:- من بني مسجدا بني الله له بيتا في الجنة<sup>-10-</sup>

امام صادق فرمود: هر کس مسجدهایی را بنا کند، خداوند برای او در بهشت خانه ای را بنا می کند.  
به خاطر همین سفارش ها و تأکیدهاست که مسلمانان در تمام بلاد اسلامی در هر محله و روستایی ،

مسجد بنا کردند و هیچ محله ای نیست مگر اینکه یک یا چند مسجد در آنجا وجود دارد. انبوهی مساجد مسلمانان، دلیل روشنی بر اهتمام فوق العاده آنان بر تاسیس مسجد است به گفته یعقوبی، در بصره هفت هزار مسجد وجود داشت. <sup>۱۱-</sup>

و نیز او می گوید: بغداد دارای سی هزار مسجد است. <sup>۱۲-</sup> در قرون اولیه اسلامی بخصوص در عهد رسول گرامی اسلام -ص- مسجد مرکز همه گونه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و حتی نظامی بشمار می رفت، و می توان گفت که مسجد قلب تپنده جامعه اسلامی بود.

از یک سو دادگاهها و محکمه های قضائی در مسجد تشکیل می شد و مسائل حقوقی و کیفری مردم در مسجد به داوری گذاشته می شد و از دیگر سو به عنوان یک مرکز نظامی در امور مربوط به جنگ و سازماندهی سپاه و طراحی نقشه های نظامی مورد استفاده قرار می گرفت و مسلمانان از طریق مسجد بسیج می شدند و از سوی دیگر مسجد مرکز دید و بازدیدها و ملاقاتها و محل تجمع مومنان و جائی برای مشورتها و تصمیم گیریها بود. همچنین مسجد جایگاهی بود برای فراگیری علوم و آموزشهای گوناگونی که جامعه اسلامی به آن نیازمند بود. در مسجد علاوه بر بیان احکام و مسائل فقهی و تفسیر قرآن، اصول عقاید اسلامی و حتی بحثهای ادبی و عقلی مورد مذاکره قرار می گرفت. مسلمانان در طول تاریخ به ساختمان مساجد نیز اهمیت خاصی داده اند و گاهی با ساختن یک مسجد شاهکار بزرگ معماری عصر را به وجود آورده اند.

در مساجد، تجلی انواع هنرهای اسلامی را می توان دید، مسجد نموداری از هنر معماری و کاشی کاری و نقاشی و خطاطی و گچ بری و آئینه کاری و منبت کاری و صنایع دستی و دیگر انواع هنرها که در قندیل ها و فرشها و پرده ها و ظرفها و شمعدانی ها بکار رفته است می باشد، و می توان گفت: مسجد گالری هنرهای اسلامی است.

بعضی از مساجد از لحاظ معنوی خصوصیتی دارند که مساجد دیگر فاقد آن هستند، مثلا خاطره مهمی را به یاد می آورند و یا به وسیله و یا دستور عزیزی و ولیی از اولیاء خدا ساخته شده اند که همین امر موجب عظمت آن مسجد و توجه ویژه مسلمانان به آن شده است مانند مسجد الحرام که پایگاه توحید و محل انجام مناسک عظیم حج است و یا مسجد پیامبر در مدینه که یادآور خاطره خطیر پیامبر بزرگوار اسلام و هم محل دفن پیکر پاک آن بزرگوار است. و همچنین مسجد الاقصی و یا مسجد کوفه و مسجد سهله و یا مسجد برائا که هر کدام دارای خاطره ها و سوابق درخشان تاریخی است. یکی از مساجدی که نام آن همواره یادآور نام گرامی حضرت بقیه الله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، مسجد مقدس -جمکران- در شش کیلومتری شهر قم می باشد که حدود یکهزار سال پیش به دستور خود آن حضرت ساخته شده و از آن زمان به بعد مطمح نظر و مورد توجه عاشقان و

دلباختگان و ارادتمندان آن حضرت قرار گرفته است.

در طول تاریخ این مسجد کرامات و معجزات بسیاری در آنجا دیده شده و شیعیان و علاقمندان حضرت مهدی -ع- از هر سو بار سفر بسته و برای خواندن نماز در این مسجد مسافرت می کنند و این مسجد همواره از احترام و قداست خاصی برخوردار است. از بعضی از علماء و مراجع تقلید و بزرگان، معجزات و عنایاتی درباره این مسجد نقل شده که نشان می دهد آنان چگونه به این محل مقدس احترام می گذاشتند، از جمله آنها مرحوم آیه الله العظمی حائری موسس حوزه علمیه قم، و مرحوم آیه الله العظمی حجت کوه کمری، آیه الله العظمی امام خمینی، مرحوم آیه الله العظمی سید محمد تقی خوانساری و مرحوم آیه الله العظمی بروجردی، و مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی، و مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی، مرحوم آیه الله العظمی اراکی و غیر آنها را می توان نام برد. عنایت و علاقه مقام معظم رهبری به این مسجد مقدس جمکران آنقدر زیاد است که طبق گفته مسئولین محترم بارها به این مسجد شریف جمکران تشریف آورده اند، نظر آنان را درباره مسجد جمکران در همین کتاب نقل خواهیم کرد.

همچنین از علماء و اساتید حوزه علمیه و مراجع فعلی نیز که در حال حیات هستند نمونه هایی در ذکر معجزات و کرامات این مسجد خواهیم آورد.

ما در این کتاب تاریخچه احداث مسجد مقدس جمکران را با تکیه بر منابع فراوانی از کتب علماء گذشته ذکر خواهیم کرد و آنگاه نظرات علماء و اساتید و مراجع را خواهیم آورد و نمونه های اندکی از معجزات بسیاری که در این مکان شریف به وقوع پیوسته است نقل خواهیم کرد، و در پایان مطالب مختصری در پیرامون حضرت مهدی ارواحنا فداه خواهیم آورد.

این کتاب ارمغانی است برای شیفتگان امام زمان و عاشقان مسجد مقدس جمکران که همواره و بخصوص در شبهای چهارشنبه از اطراف و اکناف و دور و نزدیک آهنگ سفر به مسجد جمکران می کنند و در گوشه ای از آن با خدای خود با راز و نیاز مشغول می شوند، و پس از ادای نماز مخصوص مسجد، به دنبال گمشده خود هستند و آن دردانه یکتا و عزیز سفر کرده را می خوانند و راز دل خود را با او در میان می گذارند.

تا تو ز کسی روی نهان کرده ای

خون به دل پیر و جوان کرده ای

در آخرین فراز از این پیشگفتار توجه خوانندگان گرامی را به این نکته جلب می نمایم که فرمان لازم الاطاعه حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - به شیخ حسن به مثله جمکرانی در بیداری بوده، چنانچه از متن داستان و تاکید مرحوم آیت الله حائری به روشنی ثابت می شود، و بنای فعلی مسجد مقدس

جمکران نیز به فرمان آن حضرت است ، چنانچه در منابع و مآخذ بر آن تاکید شده است .  
بر شیفتگان حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که این مکان مقدس را قدر  
بدانند و در هر فرصتی به این مکان مقدس بشتابند و مشکلات خود را با آن امام روف در میان  
بگذارند، و خدای را به نام او بخوانند و سریع الاجابه بیابند، ما نیز عاجزانه از شیفتگان کویش تقاضا  
می کنیم که به هنگام تشرف نخست برای تعجیل در امر فرج دعا کنند و حوائج آن حضرت را بر  
حوائج خویش مقدم بدانند .

ای عاشقان امام زمان و علاقمندان مسجد مقدس جمکران ، قدر خودتان را بیشتر بدانید که خداوند این  
توفیق را به شما داده است ، در این مکان مقدس -مسجد جمکران - مشغول عبادت و راز و نیاز باشید،  
مسجدي که به امر مبارک حضرت ولي عصر امام زمان -ع- بنا گردیده .  
امام زمان فرموده : من صلي فيه كمن صلي في البيت العتيق .  
مسجدي که آیات عظام و علماء اعلام پیاده به آن مکان مقدس مشرف می شدند .  
مسجدي که رفت و آمد حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان -ع- به آن می باشد، که در این مدت عده  
ای زیاد محضر آن بزرگوار رسیده و از برکات آن حضرت به فیض رسیده اند .

اگر کسی دارد به میل درد و فغان

بایدش رو آورد بر جمکران

جمکران دارالشفای مومن است

چون طیب آن بود صاحب زمان

در خاتمه:

امیدوارم که این اثر ناچیز مورد عنایت حضرت رب الارباب و ارواح طیبه حضرات معصومین علیه  
السلام قرار گیرد و خوانندگان محترم را مفید فایده و مثمر ثمر باشد و برایم باقیات الصالحات باشد،  
برای یوم لا ینفع مال و لابنون ، والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا و خیر اقلا .  
در اینجا فرصت را مغتنم شمرده ، از آیات عظام و علماء اعلام و حجج اسلام و بزرگان و دوستان  
عزیزی که از تالیفات قبلی اینجانب استقبال کردند و مرا مورد تشویق قرار دادند صمیمانه سپاسگزاری  
می کنم و ثوابی از آن به ارواح مقدسه علماء و شهداء و صالحین از مومنین و بانیان خیر و اموات  
دوستانی که ما را در چاپ این کتاب پر ارزش مسجد جمکران تجلی گاه صاحب الزمان -ع- یاری  
نمودند و والدین اینجانب و اخوی محترم مرحوم مغفور آیت الله حاج سید قادر میر عظیمی قرار دهد،  
آمین یا رب العالمین بحق محمد و آله الطاهیرین .  
حوزه علمیه قم - سید جعفر میر عظیمی

## بخش اول : پیشگوئی امیر مؤمنان علی علیه السلام از مسجد مقدس جمکران

امیر مؤمنان علی علیه السلام از مسجد مقدس جمکران خبر می دهد  
محمد بن محمد بن هاشم حسینی رضوی قمی به تقاضای مولی محمد صالح قمی به سال ۱۱۷۹ هـ در  
پیرامون فضیلت شهر قم و بیان تاریخچه تاسیس مسجد مقدس جمکران به فرمان حضرت صاحب  
الزمان - عجل الله تعالی فرجه - کتاب ارزشمندی تالیف کرده و آن را - خلاصه البلدان - نام نهاده  
است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی این کتاب را مشاهده کرده و انگیزه نگارش آن را بیان فرموده است .<sup>۱۳-</sup>  
صاحب کتاب -انوار المشعشعین - فراهائی از این کتاب را در کتاب خود آورده است.  
وی در نور مشعشع سوم حدیثی را از وجود مقدس امیر مؤمنان علی علیه السلام در رابطه با مسجد مقدس  
جمکران خطاب به فرزند یمانی آورده است که متن کامل آن حدیث شریف را در اینجا می آوریم:  
در خلاصه البلدان این حدیث مذکور است از کتاب مونس الحزین از تالیفات شیخ صدوق ، با اسناد  
صحیح و معتبر از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که فرمود:

-ای پسر یمانی در اول ظهور خروج نماید قائم آل محمد از شهری که آن را قم می گویند و مردم را  
دعوت کند به حق و همه خلائق از شرق و غرب به آن شهر قصد کنند و اسلام تازه گردد و هر که از  
خوف اعداء پوشیده و مخفی باشد بیرون آید و حوش و طیور در مساکن و اوطان خود ایمن بخواهد و  
چشمه آب حیات از آن شهر ظاهر شود و آبی که هر کس بخورد نمیرد و از آب چشمه ها منفجر شود  
و از آن موضع رایت حق ظاهر شود و میراث جمله انبیاء بر پشت زمین به آن باشد، ای پسر یمانی این  
زمین مقدسه است که پاک است از تمام لوئها و از خدای تعالی درخواستی که بهترین خلق خود را  
ساکن او گرداند و دعایش مستجاب شده و حشر و نشر مردم در این زمین باشد و بر این زمین اساس و  
بنیاد قصری عظیم نمایند، بعد از اینکه بنای قصر مجوس بوده باشد و آن قصر از صاحب شهرت ملک  
روم باشد و از این زمین گوسفند ابراهیم خلیل را آورند و قربان کنند و بر این زمین هزار صنم و بت از  
اصنام اهل روم بشکنند و بر این زمین اثر نور حق ساطع شود و از این زمین رائحه و بوی مشک شنوند،  
حق تعالی بیت العتیق را به این شهر فرستد و بناها و آسیابها بر این زمین شود و منازل و مواضع زمینهای  
اینجا عالی و گرانبها گردد که چندان زمین که پوست گاوی باشد و رایت وی بر این کوه سفید بزنند،  
به نزد دهی کهن که در جنب مسجد است و قصری کهن که قصر مجوس است و آن را جمکران  
خوانند از زیر یک مناره آن مسجد بیرون آید نزدیک آنجا که آتسخانه گبران بوده و حضرت امام  
سفطی از زر بسته باشد و بر براق سوار شده و با ملائکه مقرب و حاملان عرش گردش نماید و منطق  
آدم با او باشد و حلم خلیل الله و حکمت حضرت داود و عصای موسی و خاتم حضرت سلیمان و تاج  
طالوت و بر سر آن نوشته است نام هر پیغمبری و وصی و نام هر مومنی و موحدی.

توضیح و بیان: حضرت امیر-ع - می فرماید در این حدیث شریف که چشمه آب حیات در شهر قم ظاهر می شود که هر کس بنوشد نمیرد شاید مراد آن باشد که دلش نمیرد و همیشه منور باشد به نور ایمان یا آنکه کنایه باشد از طول عمر که روایت است که در زمان ظهور حضرت حجت در زمان رجعت ائمه مردم زیاد عمر می کنند و احتمال اولی انطباق است.

و ایضا حضرت امیر علیه السلام خبر از این مسجد جمکران داده و فرموده که کوه سفید به نزدیک دهی کهن در جنب مسجد است و الحال همین طریق است که جمکران نزدیک مسجد است و قصری کهن که قصر معجوس است که در زمان صاحب تاریخ قم قصر موجود بوده، همین بس است که در فضیلت این مسجد که حضرت امیر-ع - خبر داده از او و حال آنکه در آن زمان آثار مسجد نبوده. و ایضا حضرت امیر-ع - در اول این حدیث فرمودند: ای پسر یمانی اول ظهور خروج نماید از شهری که آن را قم گویند و در آخر همین حدیث تعیین می کند حضرت امیر-ع - که از کدام قطعه زمین قم بیرون آید قائم آل محمد-ص - می فرماید از زیر یک مناره آن مسجد که مراد مسجد جمکران باشد. الحاصل آنکه از این حدیث چنین مستفاد می شود که حضرت حجه از قم ظهور نماید یا از زیر یک مناره آن مسجد یا آنکه بگوئیم از نزدیک مناره آن مسجد بیرون آید، هر سه را احتمال می رود لکن روایتی وارد شده از حضرت رسول-ص - که ابتدای ظهورش از کرعه می باشد هم چنانی که در نجم الثاقب مذکور است و در روایات معتبره وارد شده که از مکه ظهور خواهد نمود، لکن جمع مابین این روایات سهل و آسان است بعد از اینکه ابتدا بر سه قسم می باشد ابتدای حقیقی و اضافی و عرفی می توان گفت حضرت این شهر را بقدم خود منور می سازد.

همچنانی که کلام فرزندش حضرت حجت دال بر همین مطلب است که فرمودند: به حسن بن مثله که به حسن بن مسلم بگو این زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را برگزیده از زمینهای دیگر و شریفش نموده پس آنچه مستفاد می شود از کلام حضرت آن است که این زمین را خدا محترماً خلق نموده و برگزیده از سایر زمینها که جایز نیست تصرف و حیات او به خلاف و خداوند عالم زمین را خلق نمود از برای نبی نوع انسانی که جایز است تصرف و حیات نماید یا که تصرف مالکانه نماید بلکه او را محترماً و شریفش خلق کرد و خانه خود را بر روی او قرار داد که بندگانش بروند در آن موضع شریف عبادت کنند او را و اگر مثل سایر زمینها بود هر آینه حضرت حجت نمی فرمود که چرا حسن بن مسلم این زمین را تصرف گرفته و زراعت می کنند پس معلوم می شود که این قطعه زمین به مثل کعبه و بیت الله الحرام می باشد که شریک است با موضع کعبه و مسجد الحرام در این شرافت و فضیلت که ابتداء خلقتشان مسجد و محترماً خلق نموده که این از برای احدی جایز نبوده و نخواهد بود حیات و تصرف مالکانه نمودن هم چنانی که موضع کعبه و مسجد الحرام امتیاز دارد بر سایر مساجدی

که مخلوق آن را مسجد می نامند، این مسجد جمکران هم امتیاز دارد از سایر مساجد به جهت آنکه این موضع را خدا مسجد خلقش کرده پس امتیاز دارد از مساجدی که آن را مخلوق مسجد نمایند.<sup>۱۴-</sup>

اگر چه کعبه حریم خدای لم یزلی است

بناء مسجد صاحب زمان به قم ازلی است

بناء کعبه حریم خدای سبحان است

نگر که مژده مسجد روایتش ز علی است<sup>۱۵-</sup>

صاحب الزمان -ع- مسجد جمکران

اماکنی که به قدوم مبارک حضرت صاحب الزمان -ع- زینت یافته اند و دعا برای تعجیل فرج آقا امام زمان -ع- در آنجاها تاکید شده است از جمله: مسجد الحرام، عرفات، سرداب مبارک در شهر سامره، حرم حضرت سد الشهداء -ع-، حرم مولایمان حضرت رضا -ع-، حرم عسکرین علیهما السلام، حرم هر یک از امامان علیهم السلام، مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه و مسجد مقدس جمکران قم و غیر اینها از مواضعی که بعضی از علماء اعلام و مراجع عالیقدر و صلحا آن حضرت را در آنجاها دیده اند یا در روایات آمده که آن جناب در آنجا توقف دارد مانند مسجد الحرام و تعظیم و احترام سایر چیزهایی که به آن حضرت اختصاص دارد.<sup>۱۶-</sup>

## بخش دوم: تاریخچه مسجد مقدس جمکران

مسجد مقدس جمکران

مسجد صاحب الزمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- در ۶ کیلومتری شهر مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد. این مکان مقدس، تحت توجهات و عنایات خاصه حضرت بقیه الله قرار دارد و خود آقا از شیعیانشان خواسته اند که به این مکان مقدس روی آورند، زیرا این مکان مقدس دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است. لذا سزاوار است که زائرین عزیز از برکات این مکان مقدس، حداکثر استفاده را ببرند و مراقب باشند که مسائل فرعی توجهشان را به خود جلب نکند و خود را در برابر حضرت مهدی -ارواحنا فداه- حاضر ببینند و از انجام اعمالی که قلب مبارک آن حضرت را آزرده می سازد خودداری کنند. متذکر می گردد که علماء و شیفتگان آقا استفاده های فراوان از این مسجد مقدس برده اند. سعی کنید در این مکان مقدس، لحظاتی را با آقای خود خلوت کرده و خالصانه برای ظهور مقدس حضرتش دعا کنید. زیرا بهبود همه چیز، تنها در سایه قیام شکوهمند آقا امکان پذیر است. فراموش نکنیم که حق امام زمان ما غصب شده و آقا در نهایت غریبی زندگی می کند و حقیقتا دل آقا

خون است. آقا شاهد تمام مصیبت هائی است که بر شیعیانش وارد می شود. پس ظهور آقا را از درگاه احدیت سبحانه و تعالی بخواهید و چه مکانی بهتر از مسجد شریف جمکران برای دعا کردن جهت ظهور آقا امام زمان علیه السلام.

تاریخچه مسجد صاحب الزمان علیه السلام

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ قمری در خانه خود خوابیده بودم ناگهان، جماعتی از مردم به در خانه آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند برخیز و طلب امام مهدی علیه السلام را اجابت کن که تو را می خواند.

آنها مرا به محلی که اکنون مسجد -جمکران- است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیری هم پیش او نشسته است، آن پیر حضرت خضر علیه السلام بود. پس آن پیر مرا بنشانند.

حضرت مهدی علیه السلام مرا به نام خود خواند و فرمود: برو به حسن مسلم، که در این زمین کشاورزی می کرد، بگو که این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کنند.

حسن بن مثله گفت: یا سیدی و مولای، لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم و الا مردم حرف مرا قبول نمی کنند، آقا فرمود: تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما خودمان نشانه هائی برای آن قرار می دهیم و پیش سید ابوالحسن برو و به او بگو حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین بدست آورده است وصول کند و با آن پول مسجد را بنا کند.

نماز امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران

امام زمان علیه السلام به حسن بن مثله جمکرانی فرمود: و به مرد بگو: بدین مکان رغبت کنند و آنرا عزیز دارند. و چهار رکعت نماز در آن گذارند. دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسجد است که در هر رکعت آن یک حمد و هفت قل هو الله احد خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند. دو رکعت دوم به نیت نماز صاحب الزمان علیه السلام خوانده می شود، بدین صورت که سوره حمد را شروع می کنیم و چون به آیه ایاک نعبد و ایاک نستعین می رسیم این آیه شریفه را صد مرتبه تکرار می کنیم و بعد از آن بقیه سوره حمد را می خوانیم، بعد از پایان حمد سوره قل هو الله احد را فقط یکبار می خوانیم و به رکوع می رویم و ذکر سبحان ربی العظیم و بحمده را هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می کنیم و ذکر هر کدام از سجده ها نیز، هفت مرتبه است. رکعت دوم نیز به همین گونه است. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود، یکبار گفته می شود: لاله الا الله و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا علیهما السلام خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد.

## فضیلت خواندن نماز در مسجد جمکران

آنگاه امام مهدی -ع- فرمودند: هر کس این دو رکعت نماز -نماز امام صاحب الزمان- را در این مکان -مسجد مقدس جمکران- بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد. حسن بن مثله می گوید: چون من پاره ای را آمدم، دوباره مرا بازخواندند و فرمودند: بزنی در گله جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین موضع آور و آن را بکش و بر بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد.

وی می گوید: من سپس به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم تا اینکه نماز صبح خوانده و سپس سراغ علی المنذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان موضع شب گذشته رفتم. وقتی رسیدیم، زنجیرهائی را دیدیم که طبق فرموده امام علیه السلام حدود بنای مسجد را نشان می داد، سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتم و چون به در خانه او رسیدیم، خادمان او گفتند که سید از سحر در انتظار تست و تو از جمکران هستی، به او گفتم: بلی، به درون خانه رفتم و سید مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بن مثله، من در خواب بودم که شخصی به من گفت که حسن بن مثله نام از جمکران پیش تو می آید، هر چه گوید تصدیق کن و بر قول او اعتماد کن که سخن او سخن ماست، و قول او را رد نکن و از هنگام بیدار شدن از خواب تا این ساعت منتظر تو بودم و آنگاه بود که ماجرای شب گذشته را بر وی تعریف کرد.

سید بلافاصله فرمود تا اسبها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدند. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدند گله جعفر کاشانی را دیدند، حسن بن مثله به میان گله رفت و آن بز که از پس همه گوسفندان می آمد پیش حسن به مثله دوید، جعفر سوگند یاد کرد این بز در گله من نبوده و تاکنون آن را ندیده بودم، به هر حال آن بز را به مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورد با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیه الله -ارواحنا فداه- شفا یافت. حسن مسلم را احضار کرده و منافع زمین را از او گرفتند و مسجد جمکران را با چوب و دیوار پوشاندند، سید زنجیرها و میخها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت، هر بیمار و دردمندی که خود را بدان زنجیر می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود. ولی پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها پنهان گشته و دیگر کسی آن را ندید.

این بود مختصری از مسجد مقدس جمکران و چگونگی بنای آن و نماز حضرت صاحب الزمان علیه السلام.

مشروح فرمان مقدس حضرت بقیه الله -ارواحنا فداه- برای تاسیس مسجد مقدس جمکران را علامه نوری در کتاب شریف نجم ثاقب، صفحه ۲۹۴ و جنه الماوی، صفحه ۲۳۰ از کتاب گرانقدر -مونس الحزین- تألیف شیخ صدوق نقل کرده است.

در این رابطه در منابع فراوانی به اجمال و تفصیل سخن رفته است که از آن جمله است:

معجزاتی از تاسیس مسجد جمکران

بعضی آیات و معجزات و کراماتی که از این مسجد مقدس جمکران قم واقع شده که چه بسیار فوائد و آیات که به واسطه این موضع شریف جمکران به ظهور رسیده که باعث حیرت می باشد، هم چنانی که خانه کعبه آیتی از آیات الهی می باشد این موضع مسجد هم همین گونه است زیرا تاسیس این مسجد بر اساس معجزاتی است.

اول آنکه حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام خبر داده بود به پسر یمانی به مسجد بودن این زمین.

دوم آنکه در زمان حضرت حجه علیه السلام شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید من شب سه شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان خفته بودم در سرای خود که ناگاه جماعتی مردم به در سرای من آمدند و گفتند برخیز و طلب امام مهدی علیه السلام را اجابت کن که ترا می طلبد، آنگاه خواست سراویل بپوشد، او را گفتند از بیرون خانه که از آن تو نیست این سراویل از خود را بپوش.

سوم: تمام اینها در بیداری بوده است چون شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید من خواب بودم بیدارم کردند.

چهارم آنکه خواست پیراهن بپوشد آواز رسید از بیرون خانه که این پیراهن از تو نیست از خود را بپوش.

پنجم آنکه از پی کلید در خانه می گشت، به او گفتند در خانه باز است.

ششم آنکه از خانه بیرون آمد به او گفتند که امام صاحب الزمان علیه السلام ترا می طلبد و او را بردند در این مسجد جمکران.

هفتم آنکه دید زیاده از شصت نفر مرد در این زمین گرد آمده اند و نماز می کردند، بعضی جامه های سبز داشتند و بعضی سفید.

هشتم آنکه دید حضرت حجه علیه السلام را که به روی تخت نشسته و بر بالها تکیه داده.

نهم آنکه حضرت خضر علیه السلام را دید که نزد حضرت حجه علیه السلام نشسته و کتابی در دست دارد و از برای حضرت می خواند.

دهم هلاک دو جوان حسن به مسلم به واسطه کشت و زرع این موضع مسجد مقدس جمکران.

یازدهم خبر دادن حضرت از زراعت حسن به مسلم در مدت پنج سال.

دوازدهم خبر دادن حضرت به حسن به مثله که علامتی از برای تو قرار خواهیم داد فردا که آمدی حسن بن مثله دید که زنجیری به حدود مسجد کشیده شده.

سیزدهم خواب دیدن سید ابوالحسن رضا که به او گفتند فردا حسن بن مثله هر چه می گوید تصدیق

کن که قول او قول ما می باشد.

چهاردهم خبر دادن حضرت که فردا بزی هست در گله جعفر شعبان کاشی به این نشان و علامت. پانزدهم آمدن خود بز در نزد حسن بن مثله جمکرانی بدون آنکه کسی او را بیاورد. شانزدهم معلوم نبود که آن بز از کجا آمده بود، احتمال دارد که بهشتی بوده. هفدهم شفا بودن گوشت آن بز برای هر مریض به همان طریقی که امام زمان علیه السلام فرموده بود. هیجدهم آن زنجیری که از برای تعیین حدود مسجد کشیده بود هر صاحب علتی که بر بدن خود مالید شفا می یافت.

نوزدهم آن زنجیر در میان صندوق بوده در خانه سید ابوالحسن الرضاء، لکن بعد از فوت او مفقود شد یکی از اولادهای او مریض شد رفتند بر سر صندوق نیافتند آن زنجیر را.

این آیات و معجزات و فوایدی بوده که در آن زمان در مقام ظهور و بروز رسیده،<sup>۱۷-</sup> اما کرامات دیگر هم زیاد دیده و شنیده شده است، ما در اینجا مختصری از آن معجزات و کرامات که از آیات عظام و علماء اعلام و مراجع بزرگوار شیعه و مومنین و علاقمندان حضرت صاحب الزمان علیه السلام دیده و یا شنیده اند نقل می کنیم.

بخش سوم: اهمیت مسجد مقدس جمکران از دیدگاه فقهایی اسلام و علماء اعلام و آیات عظام

آیه الله العظمی آقای شیخ عبدالکریم حائری

مرحوم حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی طاب ثراه در نماز جمعه قم فرمودند چند روز به اول ماه مانده عالم ربانی آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی محضر مبارک آیه الله العظمی آقای شیخ عبدالکریم حائری متوفای ۱۳۵۵ هق می رسیدند جهت شهریه طلاب حوزه، سوال می کردند وضع شهریه چطور است؟ مرحوم حائری می فرمودند جز سرمایه توکل چیزی در دست نیست، ایشان - آقای بافقی - راهی مسجد مقدس جمکران می شدند، از توجهات صاحب الزمان - ع - مشکل شهریه حل می شد.<sup>۱۸-</sup>

آیت الله العظمی خوانساری پیاده به مسجد جمکران می رود

آیه الله احمدی میانجی فرمودند: از جمله بزرگان که به مسجد مقدس جمکران خیلی علاقه داشتند حضرت آیه الله العظمی آقای سید محمد تقی خوانساری رحمه الله علیه متوفای ۱۳۷۲ هق که با مرحوم حضرت آیه الله العظمی آقای اراکی متوفای ۱۴۱۵ هق پیاده به مسجد شریف جمکران می رفتند.

آیه الله آقای حاج شیخ مرتضی حائری و مسجد جمکران

ایشان می نویسند: مسجد جمکران یکی از آیات باهرات عنایت آن حضرت است، و توضیح این مطلب در ضمن چند جهت - که شاید خیلی ها از آن غافل باشند - مذکور می شود:

- ۱- داستان مسجد جمکران که در بیداری واقع شده، در کتاب تاریخ قم که کتاب معتبری است، از

صدوق علیه الرحمه نقل شده است.

مرحوم آقاي بروجردي که مرد دقيق و ملائي بود، مي فرمود: اين داستان در زمان صدوق علیه الرحمه واقع شده ، و او نقل کرده است ، دلالت بر کمال صحت آن دارد.

- ۲- داستان مشتمل بر جرياني است که مربوط به يک نفر نيست ، براي اين که صبح که مردم بيدار مي شوند مي بينند با زنجير علامت گذاشته شده است که مردم باور کنند. و اين زنجير مدتي در منزل سيد محترمي ظاهرا به نام سيد ابوالحسن الرضا بوده است ، و مردم استشفاء به آن مي نموده اند. و بعدا بدون هيچ جهت طبيعي مفقود مي شود.

- ۳- جاي دور از شهر و در وسط يبابان جائي نيست که مورد جعل يک فرد جمکراني بشود، آن هم دست تنها در يک شب ماه رمضان.

- ۴- نوعا مردم عادي به واسطه ي خواب يک امامزاده را معين مي کنند، و مسجد از تصور مردم عادي دور است.

- ۵- اگر پيدایش اين مسجد روي احساسات مذهبي و علاقه مفرط به حضرت صاحب الامر-ع- بود، مي بايست سراسر توسل به آن بزرگوار باشد، چنانکه در اين عصر مردم بيشتر زيارت حضرتش در آن مسجد مي خوانند و متوسل به آن حضرت مي شوند، در صورتي که در اين دستور معنوي اصلا اسمي از آن حضرت نيست ، حتي تا به حال هم بيشتر معروف به مسجد جمکران است ، نه مسجد صاحب الزمان.

- ۶- متن دو داستان که نقل شد، مشهود و يا مثل مشهود خودم بود، و هر داستاني ديگري هست که فعلا تمام خصوصيات آن را در نظر ندارم ، بعدا انشاء الله تحقيق نموده در اين دفتر - باذنه تعالي - ذکر مي کنم.

- ۸- در آن موقع که زمين اين قدر بي ارزش بوده است ، فقط يک مساحت کوچکي را مورد اين دستور قرار داده اند، که ظاهرا حدود سه چشمه از مسجد فعلي است ، که در زمان ما خيلي بزرگ شده است - ظاهرا آن چشمه اي که در آن محراب هست ، و دو چشمه طرفين باشد-.

نگارنده که خالي از وسوسه نيستم ، و خيلي به نقليات مردم خوش بين نيستم ، از اين امارات به صحت اين مسجد مبارک قطع دارم ، و الحمدلله علي ذلک ، و علي غيره من النعم التي لا تحصي .<sup>۱۹-</sup>

آيه الله حجت و مسجد جمکران

آيه الله العظمي آقا سيد محمد حجت کوه کمري قدس سره متوفي ۱۳۷۲ هجري قمري چهل نفر از فضلا حوزه علميه قم را انتخاب نمودند و دستور فرمودند به مسجد مقدس جمکران بروند و در آنجا بعد از نماز صاحب الزمان زيارت عاشورا بخواند و دعا کنند که از عنايت حضرت ولي عصر خداوند متعال باران بفرستد.

طلاب محترم صبح پیاده عازم مسجد جمکران شدند و بعد از نماز و زیارت عاشورا و دعا جهت باران که مدتی بود باران نیامده بود از مسجد مقدس جمکران بیرون آمدند به طرف شهر مذهبی قم وسط راه باران چنان گرفت که قابل تحمل نبود وقتی وارد منزل شدند جهت نماز که خود آقا دستور داده بود که گوسفندی بکشند و آنگوشت درست کنند تمام لباسهای آقایان خیس شده بود به طوری که فشار می دادند و از لباس و عمامه ها آب جاری می شد.

از برکات مسجد مقدس جمکران و عنایت حضرت صاحب الزمان نسبت به سربازان خود در آن روز بارندگی مفصلی شد .<sup>۲۰-</sup>

#### آیت الله العظمی آقاي حجت در مسجد مقدس جمکران

حضرت آیت الله العظمی آقاي حجت رحمت الله علیه که برای طلاب حوزه علمیه شهریه می دادند روز آخر ماه بود برای فردا که اول ماه باشد زمینه برای شهریه نداشتند، به خادم می فرماید مرکب را آماده کن تا بروم به مسجد مقدس جمکران معظم له عازم مسجد می شوند بعد از نماز صاحب الزمان - ع - و دعا عرض می کنند آقا امام زمان علیه السلام این حوزه علمیه مال شما است این طلبه ها سربازان حضرت تعالی هستند آبروی ما مربوط به شما است راجع به شهریه حوزه عنایتی فرمائید وقتی به منزل تشریف می آورند خادم عرض می کند آقا بعد از شما دو نفر آمدند و منتظر شما هستند معلوم می شود جهت دادن وجوه شرعی آمده اند و مبلغی پول خدمت آیت الله العظمی آقاي حجت می دهند وقتی می شمارند می بینند به اندازه شهریه همین ماه است .<sup>۲۱-</sup>

#### نظریه آیه الله العظمی بروجردی درباره مسجد مقدس جمکران

حضرت آیه الله العظمی آقاي بروجردی - قدس سره الشریف - متوفی ۱۳۸۰ هجری قمری فرمودند: اگر موفق بشوم در قم دو کار انجام خواهم داد، یکی راه مسجد مقدس جمکران را باز خواهم کرد دومی بیمارستانی در شهر قم بنا خواهم نمود .<sup>۲۲-</sup>

#### سخنان حضرت آیه الله العظمی آقاي بروجردی

متن نامه حضرت حجه الاسلام واعظ شهیر آقاي حاج سید صادق شمس الدینی - معروف به شمس - حجه الاسلام جناب آقاي عظیمی زید توفیقانه ، پس از عرض سلام حسب الامر دو خاطر جهت کتاب ارزشمندی که در تعظیم مسجد مقدس جمکران در دست تالیف دارید تقدیم می گردد اول اینکه اینجانب شاهد تشریف مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی طباطبائی رحمه الله علیه بودم که چون محل پدری ما نزدیک به دروازه کاشان قم بود و راه نزدیک جمکران از آنجا می گذشت آن مرجع جهانی به وسیله درشکه تشریف به مسجد مقدس جمکران پیدا کردند و اهالی محل بخصوص ائمه جماعات اطراف آن محل آماده شدند که در مراجعت آن مرحوم نماز مغرب و عشاء را به امامت آن مرجع در مسجد کیهانی برقرار سازند حقیر هم که حدود ۱۸ سال داشتم یعنی حدودا سال ۱۳۳۰

بود حضور داشتم و دیدم که بعد از نماز مغرب به عالمی امر کردند که به مردم توصیه نمایند که به مسجد مقدس جمکران رغبت نمایند و فرمودند اگر برای من مقدور بود نمازهای واجب روزانه را در مسجد مقدس جمکران ادا می کردم . -۲۳-

حضرت امام خمینی قدس سره الشریف در مسجد مقدس جمکران حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای شیخ علی اصغر احمدی خمینی فرمودند: اینجانب از زمانی که وارد حوزه علمیه قم شدم و روزهای جمعه به مسجد مقدس جمکران می آمدم و نمازهای این مسجد را انجام می دادم و می دیدم زوار بسیار در این مسجد می آمدند و طلب حاجت می کردند حتی در اوائل هم یک روز اهالی جمکران از امام دعوت کردند و ایشان هم قبول کردند و من هم با آقایان دیگر در خدمتشان به جمکران رفتیم و در آن مسجد مقدس جمکران نماز بجا آوردند امید است مومنین این مکان را بیشتر مورد توجه قرار دهند.

آیه الله العظمی گلپایگانی به مسجد مقدس جمکران مشرف می شوند علماء و مراجع بزرگوار ما در مواقع حساس و بحرانهایی شدید با نوشتن عریضه و توسل به ساحت مقدس حضرت صاحب الزمان روحی له الفداء از آن حضرت کمک گرفته و می گیرند. از جمله حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره متوفی ۱۴۱۴ هجری قمری که در گرفتاریهای مهم عریضه نوشته و در گل نهاده و به طرف مسجد مقدس جمکران قم روان می شدند و عنایت خاصی به مسجد مقدس جمکران داشتند و از این راه از حضرت ولی عصر امام زمان -ع- کمک می گرفتند.

حجه الاسلام و المسلمین آقای ابطحی فرمودند: در اواخر سال جنگ تحمیلی بین ایران و عراق در حالی که مرتب آتش و بمب بر سر مردم می بارید و مردم بی پناه به اطراف و دهات به سر می بردند و جمعی نیز به مسجد مقدس جمکران و اطراف آن پناه برده بودند حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی با جمعی از علماء و نزدیکان مشرف به مسجد مقدس جمکران شدند تا با توسل و عرض ادب به ساحت مقدس صاحب الزمان علیه السلام و دعا برای رفع گرفتاری مسلمانان مخصوصاً ایران اسلامی حقیر هم افتخار نصیب شد لذا معظم له عریضه نوشته بودند برای آن حضرت به اینجانب دادند که طبق دستور رسیده گل بگیرم و با دعای مخصوص خدمت حضرت حسین بن روح میان آب بیندازم حقیر طبق دستور انجام دادم و عرض کردم آقا جان امام زمان این نامه از طرف مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی است و مردم در حالی که اطراف آقا را گرفته بودند می گفتند یا صاحب الزمان حاجت آقا را امشب بر آورده فرما و همه گریه می کردند و دعا می کردند فردا صبح شخص مومن و صالح و عالم منزل آمد و فرمود من خوابی دیدم ولی مفهوم او را ندانستم تصمیم گرفتم پیش شما بیایم و جواب بگیرم فرمود در عالم رویا دیدم

شخصی فرمود به آقا بگویند جواب شما را حضرت سه روز دیگر می دهند.  
من از خوشحالی گریه می کردم همانطور که نامه و عریضه آن مرجع بزرگ به وسیله من بود حضرت فرموده بودند پیش حقیر آمدند تا من به آقا عرض کنم حضرت فرموده جواب عریضه سه روز دیگر داده می شود و منتظر نتیجه بودیم که روز سوم از طرف عراق اعلان آتش بس یک طرفه شد و جنگ تخفیف پیدا کرد و سرانجام جنگ تمام شد.

حجه الاسلام و المسلمین آقای ابطحی فرمودند یکی از علما وارسته و متدین به منزل حقیر آمدند و فرمودند چه خبر دیروز بعد از ظهر منزل آقا بود که شخصی حرفی و مطلبی را دو روز قبل می زد و پیش بینی می نمود؟

حقیر عرض کردم مرحوم آیه الله امامی از اصفهان وجهی سهم مبارک امام علیه السلام فرستاده بود، رفتم خدمت آقا بدهم جمعی از علما محضر مبارک آقا بودند معظم له صدا زدند باقر - حجه الاسلام آقای حاج سید محمد باقر آیه الله زاده گلپایگانی - معلوم شد آقا نجم الثاقب را می خواهند و خودشان بنا دارند عریضه بنویسند بنده کتاب نجم الثاقب را آوردم و جلو معظم له گذاشتم فوراً حرکت فرمودند و به افرادی که در خدمتشان بودند فرمودند فردا بیائید بلند شدند به طرف اطاق مخصوص خود نزدیک درب اطاق عرض کردم آقای امامی این مبلغ را فرستاده اند تا خدمت شما بدهم فرمودند بماند برای افطاری ائمه جماعات اصفهان جهت ماه مبارک رمضان درب اطاق را بستند گویا مشغول نوشتن عریضه خدمت حضرت حجه علیه السلام شدند تا بعداً مشرف به مسجد مقدس جمکران شوند اول غروب دکتر طالقانی تلفن زدند که به اتفاق آیه الله آقای حاج سید مرتضی قصد زیارت آقا را دارند عرض کردم آقا مشرف شدند به مسجد مقدس جمکران و پس از مراجعت که به طول هم کشید تا ساعت ۱۰ شب بود که موفق به زیارت و دیدار آقا گردیدند و جای شما خالی چه حالی آقا داشتند و آن چند نفر که در مجلس حضور داشتند عالمی بنا کرد کلمه لا اله الا الله را تکرار کردن و گفتند دو روز قبل آن عالم وارسته چه فرمودند؟ گفتند فرمودند من تا به حال منزل آیه الله العظمی آقای گلپایگانی و شخص ایشان را ندیدم لکن چه خبر است مشاهده می کنم فردا بعد از ظهر منزل ایشان و ساعتی چه نوری و چه حالی و چه رابطه ای و چه عنایتی به به و مرتب تکرار می کرد و غبطه می خورد و در شکفت می بودند.

معلوم می شود این نوشتن عریضه و مشرف شدن به مسجد مقدس جمکران مورد قبول حضرت حق و عنایت امام زمان علیه السلام قرار گرفته است.

پیدایش مسجد مقدس جمکران از دیدگاه مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی مسجد جمکران از اوایل غیبت صغرای حضرت بقیه الله روحی له الفداء است.  
و در نوشتجات قدیمه سه اسم دارد:

۱- مسجد جمکران

۲- مسجد حسن بن مثله

۳- مسجد صاحب الزمان

و هر کدام از این سه اسم به مناسبتی گفته شده.

مسجد جمکران می گویند! چون متصل است به قریه جمکران که یکی از قراء شهر مذهبی قم است. مسجد شیخ حسن بن مثله می گویند! نظر به اینکه در زمان او و به همت او این مسجد ساخته شده است

مسجد صاحب الزمان می گویند! نظر به اینکه وجود مبارک امام زمان در آنجا مکرر دیده شده. و این مسجد شریف مورد احترام کافه شیعه بوده است از غیبت صغراء - از شب سه شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ که امام زمان دستور تاسیس آن را به شیخ حسن بن مثله داده - تا به امروز که حدود یکهزار و بیست و دو سال می شود و همینطور که شیخ بزرگوار محدث عالیمقدار مرحوم آیه الله صدوق رحمه الله علیه کتابی به نام مونس الحزین دارند که حقیر آن نسخه را ندیده ام ولی مرحوم آقای حاج میرزا حسین نوری استاد، استاد حقیر از آن کتاب نقل می فرماید و در آن کتاب مفصلاً قضیه این مسجد جمکران و تاریخ حدوث آن را نقل نموده و بالجمله این مسجد مقدس جمکران مورد احترام علماء اعلام و محدثین کرام شیعه بوده و کرامات متعدد از این مسجد جمکران دیده شده است

و نیز چند مرتبه تعمیر و بنا شده ، بنا اول در زمان حسن بن مثله بوده ، بنا دوم او در زمان شیخ صدوق ، سپس در زمان صفویه هم چند مرتبه تعمیراتی صورت گرفته ، و در زمان ریاست مرحوم آیت الله حائری مرحوم حجه الاسلام آقای شیخ محمد تقی یزدی بافقی هم تعمیراتی کرده اند و بعد از او آقای حاج آقا محمد معروف به آقازاده که از تجار محترم قم هستند و هنوز در قید حیاتند، ایشان نیز تعمیراتی انجام داده اند.

در این مسجد شریف مکرر کراماتی دیده شده است که مرحوم شیخ محمد علی کجوثی معروف به قمی در کتاب تاریخ قم در جلد اول و دوم اشاره کرده به کراماتی که در آنجا اتفاق افتاده است و اشخاصی که شرفیاب حضور مبارک حضرت ولی عصر-ع- شده اند.

خلاصه این جای تردیدی نیست که مورد اهمیت و مورد احترام شیعه بوده است و نمازی هم در آن جا نقل شده است ، البته بهتر این است که آن نماز را به قصد رجاء بجا بیاورند و این مسجد موقوفاتی هم داشته ، اراضی متعدده در اطراف داشته و در خود شهر مقدس قم رقباتی وقف این مسجد داشته که اکثر اینها از حال وقفیت بیرون رفته و ملک شده است و راجع به این مسجد کتابچه های مختصری نوشته شده ، ولی آنچه که باید و شاید در خصوصیات او نقل نشده.

چهل شب بیتوته در مسجد مقدس جمکران

حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی - قدس سره الشریف - فرمودند: حقیر خودم مکرر کراماتی در آن جا - مسجد جمکران - مشاهده کرده ام ، چهل شب چهارشنبه مکرر موفق شدم که در آن مسجد بیتوته کنم و جای تردید نیست که از امکانه ای که مورد توجه و منزلت برکات الهی می باشد و بعد از مسجد سهله که از مساجدی است که منتسب به وجود مبارک ولی عصر می باشد که شبهای چهارشنبه اهالی نجف اشرف آنجا مشرف می شوند، بعد از مسجد سهله این بهترین مقام و بهترین جائی است که منتسب به حضرت ولی عصر می باشد.

این مسجد محترم - مسجد جمکران - ، اصل مسجد، مسجد کوچکی است بعد از او مقداری افزوده کرده اند و بر او اخیراً در این دو سال باز پیش از آن مقدار افزوده شده ، به استدعاء حقیر از بنیان خیر آن قطعه که از مسجد اصلی است موزائیک زمین او رنگش فرق دارد.

با زیادهائی که بعداً افزوده شده برای اینکه اگر کسی خواست در مسجد اصلی عبادت کند و نمازی بخواند و در رک فیض کند این علامت مشخصه را حقیر گذارده ام در آنجا و امیدوارم انشاء الله به برکت صاحب نیمه شعبان وجود مبارک امام عصر - ع - که تمام عالم انتظار قدم شریف ایشان دارند، تنها یک اشتباهاتی بین خودشان دارند، یکی می گوید آینده عیسی ، دیگر می گوید عزیز است ، یکی می گوید زرتشت است ، ولی در اینکه شخصی بیاید که اصلاح کند عالم را در این عقاید این عالم تمام ملین عالم است.

مولف گوید: این قسمت از فرمایشات مرحوم آیه الله العظمی آقای نجفی مرعشی قدس سره است که خود از عاشقان حضرت ولی عصر امام زمان - ع - بودند و مکرر کراماتی از مسجد مقدس جمکران دیده است از روی نوار پیاده شده و صدای معظم - نوار - در واحد فرهنگی کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل - ع - موجود می باشد.

آیه الله شیخ محمد تقی بافقی در مسجد جمکران

عالم ربانی حضرت آیه الله حاج شیخ محمد تقی بافقی که بارها خدمت امام زمان - ع - مشرف شدند و سهم بسزائی در رونق دادن به مسجد مقدس جمکران قم دادند.

یکی از علماء حوزه از حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی نقل کرد که ایشان فرمودند: در عصر آیه الله العظمی مرحوم شیخ عبدالکریم حائری که عده محصلین حوزه علمیه قم به چهارصد نفر رسیده بود، در زمستانی طلاب از حاج شیخ محمد تقی بافقی که مقسم شهریه مرحوم حاج شیخ بود عبا زمستانی خواستند و ایشان از مرحوم حائری خواستند آیه الله حائری فرمودند چهارصد عبا از کجا بیاورم ، گفت از حضرت صاحب الزمان - ع - بگیر.

فرمود: من راهی ندارم ، گفت: پس من انشاء الله می گیرم و شب جمعه به مسجد مقدس جمکران رفته و روز جمعه به مرحوم حاج شیخ حائری گفت: آقا صاحب الزمان - ع - وعده فرمودند فردا که

شنبه است چهارصد عبا را مرحمت کنند.

و روز شنبه به وسیله مردی از تجار عبا رسید و بین طلاب تقسیم کردند.<sup>-۲۴-</sup>

سخنان حضرت آیه الله فاضل لنکرانی درباره مسجد جمکران

حضرت آیه الله فاضل فرمودند -مرحوم والد به مسجد جمکران خیلی معتقد بود- فرمودند: من قبل از آمدن آیه الله بروجردی به قم خواب دیدم که در مسجد جمکران هستم.

آن موقع مسجد جمکران یک حیاطی داشت و در وسط آن حیاط یک انباری بود که سقف آن یک متر مرتفع تر از حیاط مسجد بود، روی همین سقف آب انبار، منبری گذاشته اند و شیخ طوسی رحمه الله علیه روی آن نشسته و تمام روی آن سقف و کف حیاط مملو از طلبه است.

پدرم فرمود: تعبیرم از این خواب این بود که شخصیتی به قم خواهد آمد و طلاب گرد او جمع خواهند

شد و حوزه رونق خواهد گرفت، طولی نکشید که آیت الله بروجردی به قم آمدند. این که چرا شیخ

طوسی را خواب دیده و آن هم مسجد جمکران؟ تعبیر آن بعدها مشخص شد، زیرا مرحوم آیه الله

بروجردی به شیخ طوسی و آثار او بسیار اهمیت می داد، وقتی عبارات شیخ را از کتاب خلاف یا

مبسوط می خواند مثل این که روایتی از امام معصوم -ع- دارد می خواند با احترام و دقت در جزئیات

کلمات آن همانند کلمات معصومین -ع-، مسجد جمکران هم شاید کاشف از این باشد که اصل

آمدن ایشان به قم و رسیدن به مقام مرجعیت مطلقه با عنایت امام زمان -ع- بوده است.<sup>-۲۵-</sup>

یک قربانی به مسجد جمکران بفرستید

حضرت آیه الله آقای فاضل لنکرانی فرمودند: هر وقت برای حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی

مشکلی پیش می آمد مرحوم پدرم که خود از عاشقان امام زمان و علاقه زیادی به مسجد مقدس

جمکران داشت به محضر آقا عرض می کردند یک قربانی برای مسجد جمکران بفرستید تا رفع مشکل

شود.

بیشتر از پانصد مرتبه به مسجد شریف جمکران مشرف شدم

حضرت آیت الله فاضل فرمودند: در دوران طلبگی من خیلی به مسجد جمکران می رفتم، شاید بیشتر

از پانصد مرتبه باشد و کرامات زیاد در این مسجد مقدس جمکران دیده و شنیده ام و در پایان

فرمودند: امیدوارم از توجهات امام زمان -ع- شما هم در تالیف این کتاب موفق باشید.

روحانیت مسجد جمکران

سخنان حضرت آیت الله مکارم شیرازی

در روایتی آمده است که هر جا مسجدی ساخته شده در آنجا خون شهیدی به خاک ریخته است، از

این روایت پر معنی به خوبی استفاده می شود که هر زمینی شایستگی مسجد شدن ندارد، بلکه باید قبلا

بر اثر خون شهدا و ایثارگران راه خدا قداست و ارزشی پیدا کند و بعد قرای بنای مسجد آماده شود.

و چنین است که از آغاز، مساجد با خون شهیدان گره خورده و در ادامه راه نیز حفظ و نگهداری آن با خون شهیدان پیوند دارد.

از سوی دیگر مسجد از دیدگاه اسلام تنها مرکز سجود نیست، هر چند به خاطر این عبادت بزرگ به این نام نامیده شده است و نیز تنها مرکز عبادت نیست، هر چند معبدش می نامند، مسجد پایگاهی است برای خودسازی و تهذیب نفس، دانشگاهی است برای تحصیل معارف اسلامی، ستاد ارتشی است برای جهاد اصغر و اکبر و مبارزه با دشمن داخل و خارج، و در یک کلمه مسجد و محراب، میدان جنگ با شیطان بزرگ و کوچک و شیاطین انس و جن است.

و اگر تاریخ اسلام را دقیقاً مشاهده کنیم می بینیم آن روز که نخستین مسجد در سرزمین مدینه به دست توانای پیامبر و در ظاهر بسیار ساده و ابتدائی و در باطن بسیار عمیق و ریشه دار بیان شد، مسجد تمام این مفاهیم را در خود جای داده بود.

از سوی سوم مساجد هر چند همه خانه خداست ولی در میان این که خانه ها تفاوت بسیار است از مسجد الحرام گرفته تا مساجد کوچک و بزرگ که در تمام اطراف جهان پراکنده اند و با انگیزه های مختلف و نیت متفاوت ساخته شده است و مخصوصاً نقش انگیزه ها و نیتها تاثیر کلي در آن دارد و نیز اینکه به دستور چه کسی ساخته شده است.

مسجد جمکران مطابق روایت موجود به فرمان حضرت مهدی مولانا صاحب العصر و زمان برای هدف بزرگی در این منطقه خاص از شهر تاریخی، مذهبی قم ساخته شده و حسن بن مثله جمکرانی که مردی پاکدل و پاک سرشت بود، در بیداری - نه در خواب - این دستور را دریافت کرده و با تشریفات خاصی این مسجد را بنا نمود.

به همین دلیل هر کس در فضای ملکوتی آن قرار می گیرد احساس روحانیتی عجیب و جاذبه معنوی فوق العاده می کند.

این جاذبه نیرومند معنوی به اضافه قضاء حوائج و حل مشکلات فراوانی که مردم از عبادت در آن و توسل به حضرت مهدی ارواحنا فداه دیده اند، سبب شده که روز به روز بر شکوه دامنه آن افزوده شود و خیل مشتاقان مختلف به سوی آن بشتابند و از این چشمه کوثر و منبع خیر و برکت هر کدام به مقدار استعداد خود بهره گیرند.

علمای بزرگ همواره برای مسجد احترام خاصی قائل بوده اند و در آن راز و نیاز فراوان داشته اند و هم اکنون نیز مورد توجه علما و فضلا و مراجع بزرگ است.

در اینجا مناسب است به چند سوال درباره این مسجد پاسخ داده شود:

چند سوال ضروری درباره مسجد جمکران و اعمال آن :

- آیا دستوری که از طرف حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - طبق بعضی روایات اسلامی - درباره

ساختن این مسجد صادر شده در خواب بوده است یا بیداری؟

جواب: ظاهر روایت - آن گونه که قبلاً نیز اشاره شده - این است که این تشریف در حال بیداری واقع شده و این دستور نیز در حال بیداری بوده است

۲- آیا اضافات مسجد جمکران حکم آن را دارد، یا باید اعمال مسجد در همان مسجد قدیم انجام گردد؟

جواب: ظاهر این است که آنچه در مسجد توسعه داده شده و می شود جزء مسجد است و اعمال مزبور را در تمام مسجد می توان انجام داد، همان گونه که توسعه مسجد الحرام و مسجد النبی -ص- و مسجد کوفه نیز در حکم این مسجد است.

۳- آیا اعمال مسجد که در روایات وارد شده برای مسافر و غیر مسافر یکسان است؟

جواب: آری، درباره همه یکسان است.

۴- کسانی که نتوانند تمام اعمال آن را بجا آورند آیا می توانند فقط نماز امام زمان -سلام الله علیه- را انجام داده و نماز تحیت را ترک کنند؟ و یا صلوات را به جای اینکه در سجده بجا آورند در اثناء راه بفرستند؟

جواب: مانعی ندارد ولی در این گونه موارد اعمال را به قصد قربت مطلقه انجام دهند، بلکه در موارد اختیار که اعمال به طور کامل انجام می شود احتیاط آن است که قصد قربت مطلقه شود.

۵- کسانی که قصد اقامت ده روز در قم کرده اند آیا می توانند به مسجد جمکران رفته و اعمال را به جای آورند و باز گردند؟

جواب: اگر نماز چهار رکعتی خوانده باشند ضرری به قصد اقامه آنها نمی زند، ولی اگر از اول چنین قصدی داشته باشند مشکل است، و بهتر آن است که چنین افرادی که از اول قصد تشریف داشته باشند مشکل است، و بهتر آن است که چنین افرادی که از اول قصد تشریف به مسجد را دارند قصد اقامه ده روز نکنند و نمازهای خود را شکسته انجام دهند.

۶- کسانی که همه هفته برای گرفتن حاجتی یا برای عرض ارادت به محضر مبارک آن حضرت -ع- مشرف می شوند کثیر السفر محسوب می شوند یا نه؟

جواب: ظاهر این است که این افراد به حکم کثیرالسفر نیستند و باید نماز خود را شکسته بخوانند.

۷- آیا ایام هفته و شبهای آن تفاوتی در اعمال مسجد دارد و آیا شب چهارشنبه خصوصیتی دارد؟

جواب: ظاهر این است که تفاوتی میان ایام هفته نیست، ولی از آنجا که شب و روز جمعه ذاتاً دارای اهمیت فوق العاده ای نسبت به سایر ایام است هر عمل خیری در آن انجام داده شود ارزش بیشتری خواهد داشت، ولی شبهای چهارشنبه با سایر شبهای هفته مساوی است.

خداوند همه را موفق به استفاده از معنویت های این مسجد و توسل به ذیل عنایت حضرت بقیه الله مهدی ارواحنا فداه بدارد.

سخنان حضرت آیه الله حاج شیخ محمد تقی بهجت

حجه الاسلام و المسلمین سید صادق شمس فرمودند: روزی در محضر آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت دامت برکاته بودم ، حدود سال ۱۳۶۲ فرمودند طلبه مبتدی به نام سید حسین یزدی در مسجد جمکران توفیق زیارت حضرت حجت ارواحنا فداه را پیدا کردند که حضرت مطالبی فرمودند بهتر است از حضرت آیت الله العظمی بهجت سوال فرمائید از جمله اینکه خانه ای می خواستند حضرت به او مرحمت کردند و اینکه سفارش فرمودند در مجلس دعای ندبه ای که آن سید طلبه می رفتند بروند و ترک نمایند.

و باز امر فرمودند مصائب عمه بزرگوارم حضرت زینب سلام الله علیها را هم در آن مجلس و جای دیگر تذکر دهید.

نظر حضرت آیه الله صافی درباره مسجد جمکران

اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعه و فی کل ساعه ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا .

حقیر از طفولیت که در خدمت مرحوم آیه الله والد اعلی الله مقامه مشرف به قم می شدم به سعادت تشریف به مسجد مقدس جمکران نایل می گشتم ، آن مرحوم که ارادت و چاکری به آستان ملائک پاسبان حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفدا مشار بالبنان بودند و مصدر خدماتی به آن حضرت شده بودند و توجهاتی مشاهده کرده بودند اصرار داشتند که مهما ممکن پیاده به مسجد مشرف شوند و به فیض نماز و عبادت در آن مکان مبارک نائل می گشتند.

از اشعار بسیار ایشان در عرض اشتیاق و مدح آن قطب عالم امکان این چند شعر را که تضمینی از شعر حافظ است در اینجا یادآور می شوم.

ای زیب دو عالم مجموعه زیبائی

سر حلقه جن و انس سر دفتر دانائی

در پرده غیبت چند ای مهر جان باقی

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آئی

امید وصال تو ای دوست جوانم کرد

عشق تو مرا فارغ از هر دو جهانم کرد

باز آ که فراق تو بی تاب و توانم کرد  
مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد  
کز دست بخواهد شد پایان شکیبائی

از جمله بزرگانی که حسن عقیده خود را به مسجد جمکران اظهار می فرمودند در اینجا به نام نامی بزرگ فقیه عالم اسلام مرحوم آیه الله العظمی استاد اعظم آقای بروجردی و مرحوم مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس الله سرهما اشاره می نمایم . امید است که خداوند متعال ما را از فیض تشریف به این مسجد تا حیاتی باقی است محروم نفرماید. -۲۶-

سخنان حضرت آیه الله حاج شیخ حسین نوری درباره مسجد جمکران کرامات بسیاری از مسجد جمکران مشاهده و برای آن نقل شده است که دو نمونه از آنها را ذکر می کنیم:

- یکی از دوستان بنده که اهل گرگان است و آدرس و شماره تلفن او را دارم و مرد بسیار متدین است و از لحاظ علاقه و عشق به عبادت ممتاز است که گاهی چهل شب متوالی اصلاً نمی خوابد و به احیای آن شبها و تهجد می پردازد و روزهایش را نیز روزه می گیرد و همیشه خیلی با حال نماز می خواند، چند سال پیش درد پای شدیدی او را عارض شد، بطوری که از چند قدم راه رفتن عاجز شده بود و بعضی از اطباء گفته بودند باید برای مداوا و معالجه عمل جراحی روی پای او انجام بگیرد و تازه معلوم نیست عمل جراحی هم نتیجه بخش باشد، ایشان در حالی که با زحمت زیاد حرکت می کرد روزی عصر سه شنبه به منزل بنده به قصد اینکه شب چهارشنبه به مسجد جمکران برود آمد و پس از توقف مختصری به مسجد جمکران رفت .

هنگام صبح در حالی که خوشحال بود و پاهایش کاملاً خوب شده بود مراجعت کرد و در رابطه با شفا یافتن خود بطور خلاصه اینطور می گفت:

من در داخل مسجد مشغول نماز و عبادت بودم که پس از نصف شب چند نفر را با قیافه های نورانی دیدم که وارد مسجد شدند و آمدند در نقطه ای در نزدیکی من مشغول نماز و دعا خواندن شدند و من به آنها نزدیکتر شدم ، به من اظهار لطف نمودند، نزدیک اذان صبح هنگامی که خواستند از مسجد خارج شوند جاذبه اخلاق و معنویت آنها مرا هم به دنبال آنها می کشید که در این بین یکی از آنها با دست خود به طرف پای من اشاره کرد و گفت : پاهای تو خوب شد، من از آن لحظه دیگر در پاهای خود ناراحتی ندیدم ، و از مسجد جمکران حرکت کرده به محضر مبارک آیه الله العظمی آقای مرعشی نجفی - رضوان الله علیه - مشرف شدم و جریان را برای ایشان شرح دادم ، آن مرحوم از نقل تفضیل قضیه مرا منع کردند .

این مرد وارسته و متدین پس از آن تاریخ مکرراً از گرگان به قصد تشریف به آستان مقدس حضرت

معصومه علیهاالسلام و رفتن به مسجد جمکران شب چهارشنبه به قم می آید و به منزل بنده وارد می شود.

- ۲ بنده که در اواخر سال ۱۳۶۲ قمری به حوزه مقدسه قم آمدم، پس از چند روزی سخت مریض شدم و چون در مزیقه اقتصادی بودم از مراجعه به طبیب هم ناتوان بودم، با زحمت زیاد به مسجد جمکران به قصد استشفاء رفتم، پس از انجام اعمال مسجد و توسل به حضرت ولی عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء از مسجد خارج شدم و چند دقیقه ای - چون آن روز غیر از یک مسجد کوچک با چند اطاقی که در جوار مسجد بود چیز دیگری نبود - نشستم که خوابم گرفت، و چون بیدار شدم اثری از آن بیماری در خود ندیدم. -۲۷-

نظر حضرت آیه الله سید محمد علی علوی گرگانی درباره مسجد جمکران بهتر آن است که مقداری درباره مسجد جمکران توضیح داده شود تا مومنین اهمیت بیشتری بدهند، لذا رقیمه را متبرک می سازم به حدیث نبوی -ص- قال: احب البقاع الی الله المساجد، محبوبترین زمین نزد خدا مسجد است -۲۸- به ویژه مسجدی که خبر گرفتن حاجات و رفع مشکلات در آن مکان به حد تواتر رسیده چرا چنین نباشد، در صورتی که مرحوم صدوق المحدثین در کتاب مونس الحزین به سند معتبر از امیرالمومنین علیه صلوات المصلین از جمکران و مسجد آن خبر داده و فرموده که این زمین از زمینهای دیگر خداست و مقدس می باشد. -۲۹-

چه گویم در حق مسجدی که حضرت بقیه الله ارواح من سواه فداه بر حسب نقل محدث نوری و غیره درباره اش چنین فرمودند: من صلی فیہ کمن صلی فی البیت العتیق. یعنی خواندن نماز در این مسجد همانند خواندن نماز در کعبه است.

و چه مناسبت خوبی است بین مسجد جمکران در کنار حرم اهل البیت و عش آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین که شیعیان شبهای چهارشنبه در آنجا جمع شوند و مشغول به ذکر و دعا و نماز برای آن حضرت باشند، و بین مسجد سهله در کنار حرم امیرالمومنین -ع- و کوفه که شیعیان آنجا هم نیز در شبهای چهارشنبه مشغول به زیارت هستند گر چه بسیاری از مردم از عظمت و فضیلت این مکان مقدس غافلند و به آن توجهی که باید داشته باشند ندارند، و در پیام حضرت حجت -عج- آمده است که به مردم بگوئید قدر این مسجد را بدانند و در همین راستا است که مراجع بزرگ و آیات عظام مانند آیه الله حائری موسس حوزه علمیه قم و بروجردی و حجت و گلپایگانی و مرعشی نجفی و شیخ مرتضی حائری قدس الله اسرارهم به این مسجد اهمیت زیادی قائل بودند و به دوستان توصیه می کردند فضائل و ناقب و برکات این مسجد بیش از این است که بتوان در این مختصر گنجاند.

در پایان از مومنین و متدینین محترم می خواهم از رفتن به مسجد جمکران و خواندن نماز و زیارت در آن مکان مقدس غفلت نکنند و این جانب را یاد نمایند و از همه التماس دعا دارم. و السلام علی من

نظر آیه الله محسنی ملایری درباره مسجد مقدس جمکران  
مسجد مقدس جمکران که بیش از یک هزار سال تأسیس آن می گذرد، همواره مورد توجه بزرگان بود،  
و در شادان به آن مکان مقدس پناه می بردند و حل مشکل خود را از پیشگاه حضرت ولی عصر  
ارواحنا فدا می خواستند و نتیجه می یافتند، اینجانب در دوران جوانی مکرر به این مسجد مقدس  
شرفیاب می شدم، و یکبار عهد کردم که ده روز پیاده به آن مسجد مقدس مشرف شوم، و انجام دادم

یکبار هم به درد پای بسیار شدیدی مبتلا شدم به مسجد مقدس جمکران شرفیاب شده به حضرت بقیه  
الله - ارواحنا فدا - متوسل شدم و از عنایات بیکران آن حضرت به هنگام مراجعت کلا درد پا برطرف  
شده بود. و این چیزی است که خودم دیدم و به اصطلاح درایت است و اما آنچه از دیگران روایت  
شده بسیار فراوان است، بزرگانی مانند مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و مرحوم آیه الله  
بروجردی و مرحوم آیه الله حجت و مرحوم آیه الله گلپایگانی توجه خاصی به مسجد مقدس جمکران  
داشتند، و همواره در مشکلات حوزه به آن مکان مقدس ملتجی می شدند و حل مشکل خود را می  
یافتند.

و اما بنای فعلی مسجد به طوری که مباحثین توسعه و تجدید بنای مسجد مقدس جمکران شخصا به  
این جانب بیان کردند به امر حضرت بقیه الله - ارواحنا فدا - می باشد و انشاء الله مورد توجه آن  
حضرت بوده و خواهد بود.

امید است مومنین از هر فرصتی برای تشریف به این مسجد و تقرب به حضرت ولی عصر - ارواحنا فدا  
- استفاده کنند و قدر موقف را بدانند. -۳۱-

سخنان آیت الله مجتهدی تهرانی

مسجد شریف جمکران که از یک هزار سال پیش به دستور امام زمان ع - به وسیله شیخ حسن بن مثله  
جمکرانی ساخته شده از اول تأسیس مسجد تا به امروز معجزات و کرامات زیادی دیده و شنیده شده،  
همینطوری که مرحوم نوری در نجم الثاقب نوشته علماء اعلام و آیات عظام چه در زمان گذشته و چه  
در زمان ما علاقه زیادی به این مسجد داشته و دارند، حقیر هم بارها پیاده با رفقا و دوستان مشرف شده  
ام که یک بار هم ۱۸ نفر از طلاب علوم دینی و سربازان امام زمان ع - ۲۵ - رجب بود شب تا صبح با  
چراغ زیتونی مشغول دعا بودیم.

مابین قم و مسجد جمکران تمام چمنزار است

آیه الله سید محمد باقر ابطحی اصفهانی فرمودند: شبی در عالم رویا دیدم فضای مابین قم و مسجد  
جمکران گویا تمام چمنزار است و دارای درختهای سبز که مهتاب بر آن می تابید و نهرهای آب در  
آن جریان داشت، درختی را دیدم که دارای شاخه های بسیار جذاب و سر سبز و صدای روح بخشی

از میان آن به گوش می رسید که به ذهنم خطور کرد صدای حضرت داود است و در وسط آن درخت جایگاهی بود که در آنجا آقائی نشسته و به نظرم آمد آقا حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان -ع- است ، صحبتی را به میان آوردم که از ذکر آن معذورم ، زیرا اشاره به عهد و پیمانی بود و سپس عرض کردم : -چه کنم که به شما قرب پیدا کنم؟- به زبان فارسی فرمود :-عملت را عمل امام زمان قرار بده .- من به خاطر این معنی رسید یعنی آنچه را به ذهنت می آید اگر امام زمان بود عمل می کرد تو هم همان را عمل کن . به عربی به حضرت عرض کردم : و هو الامل ، یعنی این آرزوی من است . گفتم : چه کنم که در این امر موفق باشم ؟ به عربی فرمود :-الاخلاص في العمل - از خواب بیدار شدم ، چراغ خاموش بود، قلم و دفتر حاضر کردم و آن دو جمله سوال و جواب را نوشتم ، فردا درباره این دو جمله سوال و جواب او فکر کردم ، به نظرم آمد در جمله اول حقیقت تشیع و در جمله دوم راه موفقیت را که همان توحید ذاتی و عملی باشد یافتم ، این دو جمله توصیه حضرت بود.<sup>۳۲-</sup>

سخنان آیت الله حاج میرزا علی احمدی میانجی

شخصی به نام مشهدی سبز علی نزد من آمدند که گرفتاری و مشکلاتی داشتند، عرض کردم برو به مسجد جمکران ، ایشان گفتند : حکایتی از مسجد جمکران دارم که از عنایات امام زمان علیه السلام و مسجد جمکران مریض ما خوب شد. نقل کردند: پسر مبتلا به سل شده بود، من پول نداشتم که وی را به دکتر ببرم ، به پسر گفتم خودت یک عریضه بنویس با هم به مسجد جمکران برویم ، ایشان نوشتند، با هم می رفتیم ، یک نفر آمد گفت اجل دو قسم است : حتمی و غیر حتمی ، گفت مریض شما اجلش حتمی نیست ، خلاصه مسجد جمکران رسیدیم نماز و دعا خواندیم و برگشتیم ، دو روز بعد به تهران جهت معاینه دکتر رفتیم ، وقتی دکتر معاینه کرد گفت بچه ات را برای چه آورده اید، گفتم : آقا ایشان سل دارد، گفت : نه ایشان سالم است ، من فهمیدم از برکت امام زمان و مسجد جمکران پسر الحمدلله خوب شده است.

حضرات آیات پیاده به مسجد مقدس جمکران می روند

آیت الله پایانی فرمودند اعضاء تفسیر که عبارتند از آیات عظام آقا سید مهدی روحانی و آقا سید ابوالفضل میر محمدی و آقای احمدی میانجی و آقای حاج میر آقا موسوی زنجانی و رفقای دیگر که با هم پیاده به مسجد مقدس جمکران می رفتیم ، آیت الله سید ابوالفضل میر محمدی گفت : من حاجتی دارم از امام زمان علیه السلام که عنایت فرماید پدرم مریض است حال ایشان خوب شد، آیت الله موسوی زنجانی فرمودند من هم خانه ندارم ، حضرت یک خانه به ما مرحمت فرماید، چند روز نگذشت که پدر آقای میر محمدی با یک قرص که دکتر نوشته بود خوب شد و در مدت کوتاه آقای موسوی نیز صاحب خانه شد.

سخنان آیه الله بنی فضل

حضور جناب مستطاب حجه الاسلام آقاي حاج سيد جعفر مير عظيمي دامت افاضاته با اهداء سلام و ابراز علاقه طبق اظهارات جنابعالي در نظر داريد راجع به مسجد مقدس جمکران کتابي تاليف نمائيد و کراماتي که براي مومنين و شيعيان از مسجد مزبور حاصل شده ذکر کنيد، از باب يادآوري در پيوست همين نامه حاجتي که در سي و دو سال قبل از آن مسجد گرفته ام متذکر مي شوم ، از خداوند سبحان توفيقات روز افزون جنابعالي را خواهانم .  
و السلام عليكم و رحمه الله - مرتضي بني فضل

۲۰ جمادي الثانيه ۱۴۱۵

در سال ۱۳۴۰ شمسي يك حاجت مهم شرعي داشتم که يکي از علماء محترم تبريز رابط بود بين من و شخصي که برآورده شدن حاجتم در ظاهر به دست او بود چندين بار آن عالم بزرگوار اصرار و تاکيد نمود تا آن شخص در آن مطلب مهم اقدام نمايد، بالاخره بعد للتي و التي دست رد به سينه آن عالم جليل القدر زده شد و من در صد درصد از او قطع اميد نمودم و متوجه شدم که در رسيدن به مقصد راه را اشتباه رفته ام ، تا اينکه يک شب بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء در حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله عليها با يکي از دوستان در انتهاي صفائيه از کنار خط راه آهن پياده به طرف مسجد جمکران رهسپار شدم و توجه نداشتم که از حرم تا مسجد جمکران از طريق صفائيه حدود ده كيلومتر راه است ، بعد از آنکه حدود سه كيلومتر راه رفته بوديم خسته شديد ، چند دقيقه اي نشستيم و رفع خستگي نموديم ، تازه راه افتاده بوديم از پشت سر ما صدای ماشين آمد، در کنار جاده خاكي ايستاديم ماشين رد شد، بلافاصله ترمز کرد، راننده ماشين مرا با نامم صدا کرد، جلو رفتم ديدم صاحب عكاسي مهتاب -واقع در خيابان آيت الله نجفي مرعشي -ارم سابق - به من گفت کجا مي رويد، گفتم : به مسجد جمکران ، گفت بفرمائيد، سوار شويم ، جالب اينجا است که عكاس به من گفت آقاي بني فضل من و رفيقم از اراک داشتيم مي آمديم ، سر اين جاده که رسيديم به رفيقم گفتم برويم به جمکران سري بزنيم ، رفيقم در جواب گفت اولاً ما کاري در جمکران نداريم ، و ثانياً امشب شب جمکران نيست - البته شبهاي متداول جمکران شبهاي چهارشنبه و جمعه است - خلاصه بعد از کشمکش ماشين را وارد اين جاده کردم و معلوم مي شود که ما ماموريت داريم تا شما را برسانيم به مسجد جمکران ، بالاخره ما را رساندند و در جلو مسجد پياده کردند و خودشان برگشتند، آن شب مسجد جمکران خيلي خلوت بود،

غير از ما، دو نفر ديگري در آنجا بودند، يکي از آن دو نفر را خيلي با حال ديدم ، بعد از اقامه نماز مسجد و استغاثه از حضرت نصف شب گذشته بود رفتم پيش آن شخص با حال ، سلام کردم ، جواب سلام گفتم ، بعد از احوالپرسی سوال کردم اهل کجا هستيد؟ خود را معرفي نمود، گفتم من به اينجا و کوه خضر مي آيم ، او تا صبح مشغول نماز و ذکر بود، و اول صبح با صدای بسيار دلنشين اذان گفتم ،

خلاصه اینکه ما آن شب را بیتوته نمودیم ، بعد از نماز صبح راهی قم شدیم و منتظر برآورده شدن حاجت بودم که سه روز بعد همان شخص که حل مشکل ما به دست او بود می رود پیش آن عالم محترم ، ابتدا از ایشان عذرخواهی می کند و بعد با امتنان و اقدام جدی مشکل مهم را حل می نماید، و حل آن مشکل عنایت خداوند سبحان و توجه حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه بود، جعلنا الله من اعوانه و انصاره بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين و لعنه الله علي اعدائهم و منكري فضائلهم الي يوم الدين . -۳۳-

نظر آیت الله حاج شیخ علی پناه الاشتهاردی

بعد الحمد و الصلاه علي النبي و آله : در مجلسی حضور سلاله السادات و المسلمین آقاي حاج سید جعفر میرعظیمی دامت برکاته بود نوشتجات متفرقه ارائه دادند به قصد تالیف کتابی به نام -کتاب صاحب الزمان -عج - و مسجد جمکران - و چون این عالم بزرگوار غالباً تلاشش در ترویج امور دینی و جهات مذهبی است حقیر هم خواستم از این فیض عظیم بی بهره نباشم ، لذا چند جمله عرضه بدارم:

-این مسجد- مبارک -مسجد جمکران - که در بیش از یک فرسخی شهرستان قم واقع شده ، از اول تاسیس مورد توجه علاقمندان به حضرت بقیه الله -روحی له الفداء- بوده و هست انشاء الله و از آنجا بعضی کراماتی هم مشاهده شده بالخصوص از زمانی که تاسیس حوزه در این بلده طیبه -قم - با همت موسس آن -مرحوم آیه الله العظمی الحاج الشیخ عبدالکریم الحائری الیزدی -قدس سره - شده از آن جمله :

نقل شده : یک ماهی شهریه طلاب در اوائل تاسیس آن -که بعد از ۱۳۴۰ هجری قمری بوده برای مرحوم موسس -ره - نرسیده بود و مجموع شهریه هفتصد و پنجاه تومان بیش نبوده . -۳۴-

مرحوم آشیخ محمد تقی بافقی یزدی رحمه الله علیه که از حواریین موسس رضوان الله علیه بود شب جمعه به مسجد مقدس جمکران -با وضع بناء قدیمی که داشت - می رود بعد از نماز معروف مسجد جمکران خطاب به حضرت -روحی له الفداء- عرضه می دارد: یا صاحب الزمان مگر اینها شاگردان شما نیستند چرا نمی فرستی ؟ بین الطلوعین همان روز کسی درب خانه موسس را می زند، خود موسس می آید دم درب می بیند یکی از اهل بازار تهران است عرضه می دارد: این وجه را آوردم خدمت شما باز می کند می بیند همان هفتصد و پنجاه تومان است .

چند مطلب از این داستان استفاده می شود که ذکرش به طول می انجامد .

به هر حال از زمان ساخت این مسجد شریف بالخصوص از زمان تاسیس حوزه مقدسه در بلده طیبه قم مورد توجه علماء بزرگ از آن جمله خود موسس -قدس سره - بوده ، و بعد از رحلت موسس محترم مرحوم آیه الله العظمی السید محمد کوه کمري حجت -قدس سره - که بناء مدرسه حجّتیّه از آثار

ایشان است - بوده تا زمان مرحوم آیه الله العظمی بروجردی آن مرجع عظیم الشان جهانی قدس سره در اوائل ورودشان به قم به آن مسجد شریف عزیمت می نمودند و مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا مهدی بروجردی که از معاونین حوزه و مقدسه موسس بود کرارا آمد و شد داشتند و بعد از رحلت مرجع عالیقدر آیه الله العظمی بروجردی - رحمت الله علیه - مرحوم آیه الله العظمی نجفی موعشی کرارا می رفت ، حتی آیه الله نجفی داستانی دارد که ذکرش به طول می انجامد .  
و همچنین مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی توجه خاصی به آن مسجد شریف داشت و کرارا حوادث غیر مترقبه که پیش می آمد حقیر به بیت آیه الله گلپایگانی می رفتم ، می گفتند آقا جمکران رفته که متوسل به حضرت شود .

و یکی از طلاب محترم اصفهانی - که فعلا قم نیست - نقل می کرد : حادثه ای برای مرحوم آیه الله نجفی رخ داده بود با عده ای از اهل علم در جمکران بودیم ، دیدیم آیه الله نجفی با حال اندوه بلکه گریه وارد مجلس ما شد ، پرسیدیم این موقع چرا به اینجا تشریف آوردید؟ جواب داد برای توسل به حضرت و خود حقیر هم زمان تجرد و اقامت در مدرسه مبارکه فیضیه توفیق تشریف به مسجد جمکران یکسال شبهای جمعه پیدا کردم ، الحمدلله و منه نتیجه جای شبهه و تردید نیست که ذهاب الی هذا المسجد الشریف له خواص و آثار .

تا بنامش چیزی مردم نگویند چیزها  
و ایضا یکی از شواهد بر این مدعا کثرت توجهات عامه علاقمندان به حضرت ولی عصر - ع - به آن مکان شریف است و توسعه عظیمی که از حیث بنا و ساختمان پیدا کرده است و به نظر می رسد بیش از انتظار هست و الله العالم .

و باید مسئولین محترم حفاظت این مسجد مقدس از آلودگیهای تفریحی - که موجب نارضایتی حضرت می گردد - و لازم است خدای نکرده تفریح گاه ملی نشود و باید برنامه ریزی های آن مسجد طوری باشد که غیر از عبادت و توسل به آن حضرت عنوان دیگری به خود نگیرد .<sup>-۳۵-</sup>

بخش چهارم : کراماتی چند از مسجد مقدس جمکران

امام زمان - ع - در مسجد مقدس جمکران

آقای سید مرتضی حسینی که یکی از سادات متدین قم بوده است می گوید: شبهای پنجشنبه در خدمت مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی به مسجد جمکران می رفتم .  
در یکی از شبهای زمستان برف سنگینی آمده بود من در منزل نشسته بودم ، ناگهان به یادم آمد که شب پنجشنبه است ، ممکن است آیه الله بافقی به مسجد بروند ولی از طرفی چون آن وقتها مسجد جمکران راه ماشین رو نداشت و مردم مجبور بودند آن راه را پیاده بروند و به قدری برف روی زمین نشسته بود که ممکن نبود کسی بتواند آن راه را راحت پیماید ، با خود فکر می کردم که معظم له به مسجد نمی

روند.

به هر حال دلم طاقت نیاورد، از منزل بیرون آمدم، بیشتر می خواستم آیه الله بافقی را پیدا کنم و نگذارم به مسجد جمکران بروند.

به منزلشان رفتم، در منزل نبودند، به هر طرف سراسیمه سراغ ایشان را می گرفتم تا آنکه به میدان میر که سر راه جمکران است رسیدم، در آنجا دوست نانوائی داشتم که وقتی دید من این طرف، آن طرف نگاه می کنم از من پرسید چرا مضطرب و چه می خواهی؟

گفتم: نمی دانم که آیا آیه الله بافقی به مسجد جمکران رفته اند یا امشب در قم مانده اند؟

نانوا گفت: من او را با چند نفر طلاب دیدم که به طرف مسجد جمکران می رفتند.

با شنیدن این جمله خواستم پشت سر آنها بروم که آن دوست نانوائی گفت: آنها خیلی وقت است رفته اند، شاید الان نزدیک مسجد جمکران باشند.

از شنیدن این جمله بیشتر پریشان شدم و ناراحت بودم که مبادا در این برف و کولاک آنها به خطر بیافتند، به هر حال چاره ای نداشتم، به منزل برگشتم ولی فوق العاده پریشان و مضطرب بودم، خواب نمی برد.

تا آن که نزدیک صبح مرا مختصر خوابی ربود، در عالم رویا حضرت ولی عصر-ع- را دیدم که وارد منزل ما شدند و به من فرمودند: سید مرتضی چرا ناراحتی؟ گفتم: ای مولای من ناراحتیم برای آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی است. زیرا او امشب به مسجد رفته و نمی دانم به سر او چه آمده است؟ فرمود: سید مرتضی گمان می کنی ما از حاج شیخ دوریم، همین الان به مسجد رفته بودم و وسائل استراحت او و همراهانش را فراهم کردم، از خواب بیدار شدم، به اهل منزل این بشارت را دادم و گفتم در خواب دیده ام که حضرت ولی عصر-ع- و وسائل راحتی آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی را فراهم کرده اند.

اهل بیت هم چون به همین خاطر مضطرب بود خوشحال شد و من فردای آن شب که از منزل بیرون رفتم به یکی از همراهان آیه الله بافقی برخوردم، گفتم: دیشب بر شما چه گذشت؟ گفت: جای خالی بود، دیشب اول شب آیه الله بافقی ما را به طرف مسجد جمکران برد، ما یا به خاطر شوقی که در دلمان بود و یا کرامتی شد مثل آنکه ابداً برفی نیامده و زمین خشک است به طرف مسجد جمکران رفتیم و خیلی زود هم به مسجد رسیدیم ولی وقتی به آنجا رسیدیم و در آنجا کسی را ندیدیم و سرما به ما فشار آورده بود متحیر بودیم که چه باید بکنیم.

-آخر آن زمانها مسجد جمکران ساختمانی نداشت و فقط یک مسجد بسیار غریبی بود که در وسط بیابان افتاده بود، و تنها خواص به آن مسجد می رفتند و از بهره های معنوی آن استفاده می کردند.- ناگهان دیدیم سیدی وارد مسجد شد و به حاج شیخ گفت می خواهید برای شما لحاف و کرسی و

آتش بیاورم. آیه الله بافقی با کمال ادب گفتند اختیار با شما است، آن سید از مسجد بیرون رفت، پس از چند دقیقه لحاف و کرسی و منقل و آتش آورد و با آنکه در آن نزدیکی ما کسی نبود وسائل راحتی ما را فراهم فرمود.

وقتی می خواست از ما جدا شود یکی از همراهان به او گفت ما باید صبح زود به قم برگردیم، این وسائل را به که بسپاریم، آن سید فرمود: هر کسی آورده خودش می برد و او رفت، ما در فکر رفته بودیم که این آقا این وسائل را از کجا به این زودی آورده، زیرا آن اطراف کسی زندگی نمی کند و اگر می خواست آنها را از ده جمکران بیاورد اولاً در آن شب سرد و کولاک برف کار مشکلی بود و ثانیاً مدتی طول می کشید.

بالاخره شب را با راحتی به سر بردیم و صبح هم که از آنجا بیرون آمدیم آن وسائل را همانجا گذاشتیم

من به او جریان خوابم را گفتم و معلوم شد که حضرت بقیه الله روحی فداه هیچگاه دوستانش را و نمی گذارد و به آنها کمک می کند و برای مرحوم آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی جریانات دیگری هم از این قبیل اتفاق افتاده است که در بین دوستانش معروف است. -۳۶-

او با امام زمان روحی له الفداء به مسجد جمکران می رفت

سابقاً راه قم به مسجد جمکران از طرف مرقد حضرت علی بن جعفر علیها السلام بود.

در خارج شهر آسیایی بود که اطرافش چند درخت وجود داشت و جای نسبتاً با صفایی بود، آنجا میعادگاه عشاق حضرت بقیه الله علیه السلام بود، صبح پنجشنبه هر هفته جمعی از دوستان مرحوم حاج ملا آقا جان در آنجا جمع می شدند تا به اتفاق به مسجد جمکران بروند.

یک روز صبح پنجشنبه اول کسی که به میعادگاه می رسد مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای میرزا تقی تبریزی زرگری است، می بیند که حال توجه خوبی دارد، با خود می گوید اگر بمانم تا رفقا برسند شاید نتوانم حال توجهم را حفظ کنم، لذا تنها به طرف مسجد حرکت می کند و آنقدر توجه و حالش خوب بوده که جمعی از طلاب، پس از زیارت مسجد جمکران که به قم بر می گشتند با او برخورد می کنند ولی او متوجه نمی شود.

رفقای ایشان که بعد سر آسیا می آیند گمان می کنند که آقای میرزا تقی نیامده، از طلائی که از مسجد جمکران مراجعت می کنند می پرسند شما آقای میرزا تقی را ندیدید؟ می گویند: چرا او را با یک سید بزرگوار می به طرف مسجد جمکران می رفت و آنها آنچنان گرم صحبت بودند که به ما توجه نکردند.

رفقای ایشان به طرف مسجد جمکران می روند، وقتی وارد مسجد می شوند می بینند او در مقابل محراب افتاده و بیهوش است، او را به هوش می آورند و از او سوال می کنند چرا بیهوش افتاده بودی

؟ آن سیدی که همراهت بود چه شد؟ می گوید: من وقتی به آسیا رسیدم ، دیدم حال خوشی دارم ،  
تنها با حضرت بقیه الله ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء صحبت می کردم ، با آن حضرت مناجات  
می نمودم ، تا رسیدم به مقابل محراب ، این اشعار را می خواندم و اشک می ریختم .

با خداجویان بی حاصل مها تا کی نشینم  
باش یکساعت خد را تا خدا را با تو بینم

تا اینجا رسیدم که:

ای نسیم کوی جانان بر سر خاکم گذر کن  
آب چشم اشکبارم بین و آه آتشینم

ناگهان صدائی از طرف محراب بلند شد و پاسخ مرا داد، من طاقت نیاوردم و از هوش رفتم . معلوم شد  
که تمام راه را در خدمت حضرت بقیه الله -ع- بوده ، ولی کسی که صدای آن حضرت را می شنود از  
هوش می رود چگونه طاقت دارد که خود آن حضرت را ببیند، لذا مردمی که آقا را نمی شناختند  
حضرت را در راه می دیدند.

ولی خود او تنها از لذت مناجات با حضرت حجه بن الحسن علیهما السلام برخوردار بود.<sup>۳۷-</sup>

نتیجه توسل به امام زمان -ع- در مسجد جمکران

حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسن ابطحی فرمودند:

آن وقتها در قم وقتی طلبه ای ازدواج می کرد، دیگر به او در مدرسه جا نمی دادند و طبعا می خواست  
برای خود و همسرش خانه ای تهیه کند که هم در آن زندگی نماید و هم یک اتاق لاقفل برای مطالعه  
و پذیرایی و کتابخانه داشته باشد.

ما که از نظر مادی و وضعمان خوب نبود، مجبور بودیم که با یکی از دوستان که نسبتی هم با ما داشت  
یک خانه سه اتاقه در بست ، اجاره کنیم و یک اتاق آن برای پذیرایی و مطالعه و کتابخانه قرار دهیم و  
هر کدام یک اتاق هم برای زندگی داشته باشیم.

یک روز جمعه ای من در اتاق کتابخانه نشسته بودم و مطالعه می کردم ، دیدم صاحبخانه - که زنی  
بود- در زد و وارد منزل شد و از اهل بیت ما ایرادهائی موزیانه که به بهانه گیری بیشتر شبیه بود گرفت  
و زیاد او را اذیت کرد.

من دلم شکست . همان ساعت حرکت کردم و از قم پیاده با دوستم به مسجد جمکران برای توسل به  
حضرت بقیه الله ارواحنا فداه رفتیم تا نزدیک غروب به مسجد متوسل بودیم ، ناگهان حالتی به من  
دست داد که نمی توانم کیفیتش را وصف کنم در آن حال حضرت بقیه الله علیه السلام به من فرمودند:

به منزل که بروید آن کسی که باید برای شما منزل بخرد در اطاق پذیرایی تان نشسته است. من این مطلب را به دوستم گفتم و با هم حرکت کردیم و به قم آمدیم و یکسره به منزل رفتیم، وقتی در منزل را باز کردند دیدم چراغ اطاق پذیرایی روشن است.

سوال کردم که آیا مهمان داریم؟

اهل بیت گفتند: بله فلانی است -ایشان یکی از دوستان بازاری تهرانمان بود که هر وقت به قم می آمد وارد منزل ما می شد و در آن زمان او زیاد ثروتمند نبود که بتواند یک منزل برای ما از پول خودش بخرد.

به هر حال وارد اطاق شدیم و سفره شام را پهن کردیم، وقتی مشغول شام خوردن شدیم میهمانمان گفت: من شنیده ام در قم مقبره هایی می سازند و می فروشند و من هم امروز آمده ام تا برای فامیل خودمان در قبرستان یک مقبره بخرم.

من گفتم: مانعی ندارد و دیگر موضوع به سکوت گذشت.

ولی آن شب به حضرت بقیه الله علیه السلام متوسل شدم و عرض کردم: معلوم می شود که عمر ما تمام شده که ایشان قصد مقبره خریدن دارد و طبعاً چون ما با او رفیق هستیم حتماً ما را هم در آن دفن خواهد کرد.

ولی صبح که برای میهمانمان صبحانه آوردیم دیدیم رایش تغییر کرده و می گوید: انسان هر کجا دفن شود باید عملش صالح باشد تا عالم برزخ را راحت بگذرانند، حالا می خواهد بالای قبرش ساختمان داشته باشد یا نداشته باشد. ما هم چیزی نگفتیم.

سپس بدون آنکه ما قضیه را برای او بگوییم خود او اضافه کرد و گفت: به شما در این منزل سخت می گذرد من فکر کرده ام که یک خانه در قم بخرم که لااقل چهار اطاق داشته باشد دو اطاق آن برای شما و دو اطاق دیگر برای من که هر وقت خودم یا دوستانم به قم آمدیم در آن سکونت کنیم.

من به ایشان گفتم: شما خانه را بخرید ولی ما در آنجا نخواهیم ماند - و علت این نحوه پاسخ به آن میهمان این بود که معمولاً بعضی از اهالی تهران در قم منزل می خریدند و در حقیقت وقتی به دست یک طلبه می سپردند، عملاً از او توقع داشتند هر موقع از شبانه روز در بزنند و وارد شوند آن روحانی از آنها پذیرایی کند و این برنامه تقریباً همه روزه در دوره هفته ادامه داشت.

به هر حال میهمانمان سفارش کرد که ما برای او منزلی بخریم و گفت: هر زمان خانه خوبی تهیه شد، در تهران به من اطلاع دهید تا من بیایم و او به تهران رفت.

چند روز از این جریان گذشت. من فوق العاده ناراحت بودم چون به خیال خودم به من وعده منزل داده بودند و حالا اول اسم مقبره را می برند، بعد هم که منزل حواله می شود، به عنوان سرایداری و به

نام دیگر می خواهد خریداری شود و سخت از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه گله مند بودم ، تا آنکه در این بین شبی در خواب دیدم که شخصی به لباس تجار که عرقچین بر سر دارد و عبائی بر دوش انداخته با ما ملاقات کرد و گفت:

بیائید برویم منزل را ببینید اگر پسندیدید برایتان بخریم ما با او رفتیم منزلی بود شش اتاق داشت و یکی از پایه هایش شکستی خورده بود و من آنرا پسندیدم و او آن منزل را از طرف میهمان فوق الذکرمان برای ما خرید.

من وقتی از خواب بیدار شدم به دست هم منزلم جریان خواب را گفتم : او هم تعبیر کرد که انشاء الله ما صاحب منزل خواهیم شد.

ولی همان روز، نامه ای از طرف آن میهمان از تهران آمد که فلانی با این آدرس منزلی سراغ دارد. شما بروید اگر منزل را پسندیدید بگوئید ایشان به من خبر دهد تا من به قم بیایم و آن را بخرم. ما با آن آدرس به منزل همان کس که معرفی شده بود رفتیم . با کمال تعجب دیدم این همان کسی است که من او را شب گذشته در خواب دیده بودم ، حتی همان عرقچین را بسر و همان عبا را به دوش دارد؟

من به دوستم گفتم : اگر منزل هم همان منزلی باشد که من در خواب دیده ام ، منزل برای ما خریداری می شود.

اتفاقاً وقتی آقای معرفی شده ما را به منزل مورد نظرش برد با کمال تعجب آن منزل شش اتاق داشت و یکی از پایه هایش شکست خورده بود ولی صاحب منزل قیمت را بالا گفت و ما را رد کرد. شخص معرفی شده گفت : این منزل آن ارزش را ندارد و من برای شما منزل دیگری تهیه می کنم. من به دوستم گفتم : این منزل را ما می خریم و به ما هم تعلق پیدا می کند، حال چگونه انجام می شود خدا بهتر می داند.

فردای آن روز صاحب منزل مرا در صحن حضرت معصومه علیهاالسلام دید و گفت : من از صبح دنبال شما می گردم ، عیالم خواب دیده که چرا ما شما را از در منزلمان رد کرده ایم و خلاصه اگر مایل باشید حاضریم به هر قیمتی که شما بخواهید منزل را تقدیم کنیم.

من به او گفتم : ایشان منزل را برای ما نمی خواهد بلکه برای یکی از محترمین تهران می خردند و چون او با ما رفیق است ، به ایشان سفارش کرده که با نظارت ما خریداری شود.

صاحب منزل گفت : اگر این طور است من منزل را به او نمی دهم چون عیالم گفته در خواب به من گفتند: چرا آن سیدها را از خانه ات برگردانیده ای ؟

خلاصه من به منزل شخص معرفی شده رفتم و جریان گفتگویم را با صاحب خانه برای او شرح دادم ، شخص معرفی شده گفت : این طور نیست دوست مشترک تهرانیمان می خواهد منزل را برای شما

بخرد.

فورا نامه اي براي او نوشت و او به قم آمد و خانه را براي ما خريدند و چون من عفت نفس عجيبی داشتم و نمي خواستم پول منزل را از او قبول کنم ، به من گفتم : اين را بدان که پول منزل را من نمي دهم و کسي که داده شما او را نمي شناسيد و او هم شما را نمي شناسد!  
بنا بر اين زيربار منت کسي نيسيد و تنها از امام زمان عليه السلام تشکر کنيد من وقتي دوباره به مسجد جمکران شايد هم براي تشکر رفتم باز همان حالت مخصوص به من دست داده از آقا سوال کردم که چرا همان شب اول به وسيله فلاني براي ما خريداري نشد؟ يعني اول اسم مقبره و سپس منزل براي ديگري برده شد و پس از دو ماه سرگرداني به وعده وفا فرموديد و به ما منزلي عنایت کرديد؟ فرمودند: که اگر همان روز اول داده مي شد قدرش را نمي دانستيد و خوشحالي زيادي پيدا مي کرديد.

سخنان آيت الله بدلا درباره مسجد جمکران :

روزي با اتوبوس عازم مسجد جمکران شدم ، عده زيادي از جوانها در ماشين بودند، با هم به مسجد جمکران مي رفتيم ، بعد از نماز و دعا موقع برگشتن باز هم بوديم ، يکي از جوانها که از نظر اخلاق و ادب و لباس خوب نبود به جوان ديگر گفتم : من چهل شب چهارشنبه آمدم چيزي نديدم .  
من خيلي ناراحت شده ، گريه ام گرفت ، گفتم : يا صاحب الزمان ، به من کمک کن يک حرفي بزوم که به دل اين جوان اثر کند، يک مرتبه اين شعر به دلم افتاد و به آن جوان گفتم :

پاک کن دیده و آنگاه سوي آن پاک نگر

چشم ناپاک کجا دیدن آن پاک کجا

بعد از مدتي آن جوان آمد و گفتم : چشمم را پاک کردم و آن عادت را ترک نمودم ، باز به مسجد جمکران چهل شب چهارشنبه رفتم و نتيجه نگرفتم .  
سوال کردم .

براي رفتن مسجد يک حاجت مبتدلي ذکر کرد، گفتم : دلت را پاک کن و اخلاص داشته باش تا نتيجه بگيري .

بعد از مدتي دوباره آمد و گفتم : چهل شب ديگر رفتم ، همانطور که فرموده بوديد عمل کردم ، با قلب پاک و اخلاص عمل ، الحمدلله از مسجد مقدس جمکران و عنایت آقا امام زمان -ع- حاجتم را گرفتم .  
-۳۸-

نياز به عمل نشد

آيه الله ديباجي فرمودند:

هر وقت براي خودم يا يکي از دوستان مشکلي پيش آمد تند راهي مسجد مقدس جمکران مي شوم .

بارها از این مسجد شریف جمکران کراماتی دیده و شنیده ام ، یک جریان راجع به خودم است و چندی پیش مریض شدم بسیار ناراحت و نگران بودم ، خدمت دکتر فیض رفتم ، ایشان دستوراتی دادند و فرمودند چند روز دیگر بیایید اگر بر طرف نشد باید عمل کنیم ، من رفتم مسجد جمکران نماز صاحب الزمان علیه السلام را خواندم و دعا کردم ، از حضرت خواستم که عنایت فرماید حالم بهتر شود و نیاز به عمل نداشته باشم ، چند روز گذشت ، خدمت دکتر فیض رسیدم ، ایشان آن دستگاه را برداشتند الحمدلله تا به امروز احتیاج به عمل نشدم ، این از برکات مسجد جمکران و عنایت حضرت صاحب الزمان علیه السلام بود .

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای فاضلی سرپرست سازمان اوقاف قم در مسجد جمکران شب چهارشنبه در حضور حضرت حجه الاسلام و المسلمین استاد گرانقدر آقای حاج سید مختار میر عظیمی نقل فرمودند .

برو به مسجد جمکران

آیت الله دیباجی فرمودند: یکی از دوستان از اصفهان به منزل ما آمده بود، گرفتاری داشت ، وقتی به بنده گفتند حقیر عرض کردم : از دست من خارج است ، من نمی توانم برای رفع مشکل شما قدم بردارم ، ایشان به من گفتند: پس من چه کنم ؟ کجا بروم ، یک مرتبه عرض کردم : برو به مسجد جمکران ، ایشان گفتند: حضرت تعالی هم تشریف بیاورید با هم برویم ، من هم قبول کردم با هم به مسجد جمکران رفتیم نماز امام زمان علیه السلام را خواندیم ، بعد از نماز بنده به حضرت عرض کردم آقا جان ایشان مهمان من است از راه دور آمده و به جز در خانه خدا و شما پناه ندارد بحق مادرت حضرت زهراء سلام الله علیها در حق او احسان بفرمائید، آن دوست ما رفت اصفهان ، بعد از چند روز تلفن کرد و گفت حاج آقا از کرامت امام زمان و مسجد جمکران و دعای شما در آن مسجد الحمدلله گرفتاری ما حل شد . -۳۹-

دیدار با امام زمان - ع -

بنا به تقاضای مولف عظیم الشان و بزرگوار کتاب مسجد جمکران ، تجلیگاه صاحب الزمان -عج -، یک تشریفی که در جمکران رخ داده است به رشته تحریر در می آورم .  
قبل از بیان واقعه تشریف به خدمت ولی زمان و قطب عالم امکان و لنگر زمین و زمان آیه الله الکبری و حجه الله العظمی حضرت حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف ، خوب است که مقداری درباره کسی که تشریف حاصل نموده است بحث شود .

شخصی که تشریف حاصل نمود، جوانی است در حدود سی و دو ساله از محصلین حوزه علمیه قم ، این جوان عزیز بسیار متقی و پارسا و با احتیاط بود، در سال ۱۳۶۹ با وی ملاقاتی به عمل آمد و از نزدیک تا اندازه ای او را شناختم ، نام شریفش شیخ محمد و فامیلی او کمال فر بود، از اهل یزد و لهجه

یزدی سخن می گفت ،

این جوان به قدری احتیاط کار بود، در عین بی بضاعتی و تنگدستی به هیچ وجه حاضر نمی شد که از سهم مبارک امام علیه السلام تصرف نماید، در هفته دو روز پنجشنبه و جمعه را کار می کرد - گچکاری - و با مزد این دو روز مابقی روزها را مشغول به تحصیل شده و امرار معاش می نمود، عیالوار هم بود، خیلی به سختی زندگی می کرد، در خانه اجاره ای سکونت داشت ، صاحبخانه به او زیاد زور می گفت ، گاهی در فصل زمستان به او می گفت باید خانه را خالی کنی ، گاهی می گفت شما آبریزی داری ، گاهی می گفت : چرا دو تا فرزند داری و امثال اینگونه زور گوئی ها.

در اولین ملاقاتی که با او داشتم ، چنین اظهار داشت که در مدت چند سال پیش در قم به خدمت یکی از اولیاء خدا رسیدم و با جان و دل حاضر شدم که خریدهای خانه اش را انجام دهم ، از قبیل خرید نان و گوشت و چیزهای دیگر، به امید اینکه او دستوری به من بدهد تا به وسیله آن به خدمت آقا امام زمان روحی له الفداء نائل شوم.

پس از گذشت سالیانی چند، دستور که نداد به جای خود، از وی تخلفی سر زد که باعث تنفر اینجانب گردید و بطور کلی او را ترک نمودم ، ولی باز در جستجوی شخصی بودم که از او دستوری بگیرم ، یکسال هم به این طور گذشت تا اینکه مبتلا به درد گوش شدید شدم ، به دکترهای متخصص قم مراجعه نمودم ، اثر بخش نشد، شخصی به من گفت : طبیعی است گیاهی در قم ، خیابان نیروگاه ، نرسیده به میدان توحید به نام علی آقا حکیم زاده ، او با داروهای گیاهی شما را درمان خواهد کرد، به وی مراجعه نمودم ، با داروهای گیاهی درد گوشم به طور کلی مرتفع گردیده ، سالم شدم ، به همین وسیله با آقای حکیم زاده مراوده ما زیاد شد، و از دوستان صمیمی همدیگر شدیم ، یک روز به او گفتم : آیا شخصی را می توانی به من معرفی کنی تا به وسیله او دستوری گرفته به خدمت آقا ولی عصر - عج - مشرف شوم ؟ آقای حکیم زاده شما را به من معرفی نمود - یعنی اینجانب سید محمد مهدی لنگرودی را معرفی نمود-. اکنون از شما تقاضا می شود دستوری بدهید که به خدمت آقای امام زمان روحی له الفداء مشرف شوم.

اینجانب دستوری چهل روزه به او دادم و توصیه نمودم که این دستور باید در مکانی شریف و مقدس مانند مسجد جمکران انجام شود.

وی چهل روز به مسجد جمکران رفت ، پس از اعمال مسجد، به دستور اینجانب عمل نمود، روز چهل و یکم به نزد اینجانب آمده ، با روئی باز و خوشحال و بشاش ، و اظهار داشت که تشرف حاصل نموده است ، از وی خواستم که اصل جریان واقعه را برایم تعریف نماید، از بیان واقعه خودداری می نمود.

به او گفتم : رسیدن به خدمت مولی الكونین امام العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از نعمتهای بزرگ الهی است و خدا در قرآن مجیدش می فرماید: و اما بنعمه ربك فحدث . وی همین

که این مطلب را از من شنید فوراً اصل جریان واقعه را برایم نقل نمود:

جریان تشریف شیخ محمد کمال فر یزدی به خدمت امام زمان عج -

آقای کمال فر جریان واقعه را چنین نقل نمود:

روز چهارم پس از اعمال مسجد جمکران و انجام دستور، ظهر شد، موذن اذان گفت، نماز جماعت بر پا شد، پس از ادای نماز ظهر و عصر، شخصی به نزد من آمد و گفت: آیا نمی خواهی امام زمان خود را زیارت کنی؟

در جواب گفتم: تمام ایده و آرزوی من دیدن جمال مبارک آقا امام زمان روحی له الفداء است، آمدنم در این مکان برای رسیدن به خدمت آقا حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی گفت: پس بیا با هم برویم، به دنبال آن شخص رفتیم، از مسجد خارج شدیم، وارد بیابان شدیم، ولی دیدم آن بیابان، بیابان جمکران نیست، بیابان دیگری است، در یک طرف بیابان خیمه هایی زده شده است، آن شخص مرا به یکی از خیمه ها راهنمایی نمود، وارد خیمه شدم، دیدم سفره غذا گسترده است و در آن انواع اغذیه چیده شده و اشخاصی دور سفره نشسته اند، و شخصی با چهره جذاب و نورانی و زیبا و در عین حال هیبت انگیز، در یک طرف سفره نشسته اند، سلام کردم، جواب شنیدم، آن آقای بزرگوار فرمودند: بیا بر سر سفره بنشین، ولی من از خود بیخود شده، مات و مبهوت جمال دل آرای آن شخص نورانی شدم، چشم از او بر نمی داشتم، به قدری هیبت او مرا به خودش جذب کرده بود که همه چیز از یادم رفت، حتی نمی دانستم برای چه در این خیمه وارد شدم، با تبسمی ملیحانه فرمودند: غذا بخور.

من به امر او سر به زیر انداخته مشغول غذا خوردن شدم، ولی گاهی به آن جمال دل آرا نظر می افکندم، دیدم آقا یک خیار و مقداری نان برداشته اند و می خواهند میل نمایند، عرض کردم: آقا رسم ما ایرانیان این است که میوه را یا جلوی غذا و یا بعد از غذا به نحو استقلال مصرف می نمایم. شما چرا از این اغذیه، چیزی مصرف نمی نمائید؟

آقا در جواب فرمودند: ما تفکّه نمی کنیم، هر میوه ای که باشد آن را خورشت قرار داده با نان مصرف می کنیم، هرگز به استقلال میوه ای را نمی خوریم، شما کاری به ما نداشته باشید به رسم خود عمل کنید.

پس از صرف غذا و بر چیدن سفره، آقای بزرگوار فرمودند: آقای محمد یزدی شما باید به اهواز بروید، ما دستور داده ایم برای شما خانه ای مناسب تهیه نموده اند و کار شما در آنجا بالا می گیرد، در آنجا با سران قوم ملاقات خواهید کرد. با شما کاری را می خواهند انجام دهند، در آن کار بدون مشورت و صلاحدید آن کسی که به شما دستور داده که به نزد ما توانستید بیایید - یعنی اینجانب لنگرودی - وارد نشوید، اگر او صلاح دید مانعی ندارد.

یک مرتبه آقا خیمه و آن افراد و آن مکان از نظرم ناپدید شد، خود را در بیابان جمکران دیدم. آقای کمال فر پس از چند روز طبق فرمایش آقا به اهواز رفت، و پس از مدتی به قم آمد و با بنده ملاقات نمود و راجع به انجام کاری از من صلاحدید کرد، من صلاح ندیدم، وی زیاد پافشاری کرد و گفت: خطری ندارد، در جواب گفتم: به نظر من خطر بزرگی در این کار هست، اگر می گویی خطری نیست و واقعا اطمینان داری مانعی ندارد.

وی باز به اهواز رفت، پس از یک سال به قم آمد، ولی هراسان بود و گفت: حرف شما صحیح بود، در خطر عظیمی قرار گرفتم، ولی امید است که به یاری خدا و خواست امام زمان روحی له الفداء بر طرف شود. و من برای اطمینان خواطر شما فردا ساعت ده به منزل شما می آیم، ولی رفت و دیگر بازنگشت. و اکنون چندین سال است که او را ملاقات نکرده ام، اما از گوشه و کنار شنیده شده است که او در یک گوشه ایران زندگی می کند. و هو العالم. -<sup>۴۰</sup>-

عنایت صاحب الزمان - ع -

خطیب توانا حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا سعید اشراقی فرمودند:

در چند سال قبل خاطرات فراموش نشدنی ملاقات با یکی از روحانیون بنام که اهل شمال بود در صحن مطهر حضرت معصومه علیها سلام شد، در ضمن مذاکرات سخن از مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ ابوالقاسم قمی که یکی از بزرگان و علماء قم بود به میان آمد، عالم جلیل شمالی به حقیر گفت: قدر این عالم را بدانید، گفتم: نزد ما بسیار محترم است، گفت: پدرم با آیه الله شیخ ابوالقاسم قمی دوست بود وقتی به قم آمد به خانه معظم له می رفت، گفتند: آقا به مسجد جمکران رفته است، پدرم رفت برای مسجد جمکران. وقتی به مسجد رسید آنجا مقداری برای استراحت نزدیک مسجد توقف کرد، ناگهان دیده بود آقای بسیار معظم و مکرم از مسجد جمکران بیرون آمد، مرحوم آیه الله شیخ ابوالقاسم قمی در معیت آن آقا بود مثل یک خدمتگزار، چند قدمی تشریف بردند فوراً در نظر پنهان شدند، پدرم سوال کرده بود این آقا که بود، ایشان اظهار کرده بودند چه کار دارید، اصرار زیاد شده بود، مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی گفتند بودند آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند که خدمتشان شرفیاب بودم.

آفرین و مرحبا به توفیقاتشان که چنین سعادت نصیبشان می شد. -<sup>۴۱</sup>-

امام زمان - ع - کمک کرد

آقای مهندس سید حسین حسینی که در حال حاضر از مدیران عالی رتبه سازمان تحقیق، آموزش و ترویج - تات - وزارت کشاورزی است در دوران تحصیل، دانشجوی دانشکده کشاورزی کرج بود، او که خاله زاده اینجانب است و بدین جهت شناخت کاملی از اعتقادات مذهبی و تعهد نسبت به اسلام و گرایشهای شدید اسلامی او دارم، در دانشکده مواجه بود با سیل تبلیغات بهائی ها که با عناوین

مختلف جوانان دانشجو را به مسلک ساختگی خود جذب و آنان را به گمراهی می کشانیدند. او برای مقابله با این تهاجم، روزهای تعطیل هفته که قم می آمد کتابهای رد بهائی ها را از گوشه و کنار تهیه و بین دانشجویان پخش می کرد. در یکی از هفته ها که قم آمده بود بیش از حد غمگین و افسرده بود و اظهار داشت: فشار تبلیغات و سمپاشی های بهائی ها از حد گذشته و موج گمراهی، بچه های دانشجو را تهدید می کند و من هر چه فکر می کنم راه چاره ای به نظرم نمی رسد، بالاخره پس از گفتگوهای زیاد بنابراین شد که به مسجد جمکران رفته و بحضرت ولی عصر ارواحنا فداه توسل جوید و از آن حضرت استمداد نماید. نتیجه توسل به آن حضرت و دعا و نماز در مسجد شریف جمکران خیلی زودتر از آنچه تصور می رفت به نتیجه رسید و در جریان همان ساعات، وسیله یکی از روحانیون قم با هیئتی از جوانان مومن تهرانی آشنائی حاصل شد و آنها اظهار داشتند که کار ما همین است که به مجامع و مجالس بهائی ها می رویم و با آنها بحث و گفتگو می کنیم و با نقل مطالبی از کتابهای خودشان جلو انحراف جوانان را می گیریم.

آدرس دانشکده را یادداشت کردند و هفته بعد به دانشکده آمدند و فعالیتهای خود را که بسیار دقیق و حسابشده بود آغاز کردند. هنوز چند هفته ای از فعالیت آنها نگذشته بود که خط تبلیغات بهائی ها در دانشکده کرج کور شد و جوانان دانشجویی مسلمان از خطر انحراف و گمراهی نجات یافتند. این ماجرا یکی از صدها برکاتی بود که از مسجد جمکران قم و توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بدست آمد.

از خداوند متعال مسئلت داریم که توفیق استفاده از این مکان مقدس و بهره مند شدن از وجود مبارک امام عصر ارواحنا فداه را به همه ما عطا فرماید. -۴۲-

حجه الاسلام و المسلمین واعظ شهیر آقای نظری نقل کردند:

در رابطه با مسجد مقدس جمکران قم از نوشته های مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری چند مورد بود که عیناً برای اینکه حتی تصرف در عبارات ایشان نشده باشد نقل کردیم.

شیخ عبدالله مهرجردی در زمان رضاشاه پهلوی در این اواخر که وضع اهل علم سخت بود و مطالبه جواز عمامه می کردند به مرحوم حاج شیخ حسنعلی مراجعه می نماید که چه کنم؟ حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که به راهنمایی معنوی مشهور بودند، ایشان پس از اعمال قدرت خاص به ایشان می گوید باید قم بروی و به مسجد یا حیاط آن هستند، خادمه ای با ایشان می گوید حضرت در همین مجاورت مسجد تشریف دارند، حاج شیخ مزبور را دلالت می کند، خدمت امام -ع- می رسد و سلام می کند، می گوید در همان حالت خواب مسئله شرب توتون و حلیت آن را طرح کردیم، حضرت

توجهی نکرد فقط فرمود: ما آن را درست کردیم.

از خواب بیدار شدم یک معافیت یک ساله مریضی داشتم، در هر موقع نیاز می افتاد همان را نشان می دادم و رفع گرفتاریها می شد، این اعجاز است چون برگه ها که مامورین می دیدند تاریخ داشت ولی نمی فهمیدند.

مسجد جمکران

در زمستان با آقای سید حسین قاضی عصر بود در ماه رمضان مشرف به مسجد مذکور شدیم، در مسجد بوی عطر مخصوص به مشام خورد، مثل اینکه کسی سابقا در محل بوده و رفته و بوی آن هنوز باقی است، آن سنخ عطر هنوز یاد ندارم حس کرده باشم، موقعی که برگشتم و رفتم به مسجد امام برای نماز مغرب در اول وقت در موقع مراجعه به خانه همان بو را در دکان مرد قدیمی کنار بازار کفاشها دریافت و حس کردم، این کاسب مرد عجیبی است، غرض جریان یک سنخ بودن بوی جا خالی مسجد جمکران و جا خالی این دکان را برایش گفتم، و گفتم معلوم می شود ما بیگانه نیستیم، مطلب را به من بگو، گفت انشاء الله خیر است، گفتم آقا اینجا تشریف می آورند؟ گفت: ممکن است بعضی از اصحاب ایشان اینجا تشریف بیاورند، دیگر نه من به او مراجعه کردم و نه او از این آشنایی استقبال کرد و فعلا این مرد مشغول کار است و صورت مقدسی هم ندارد، بعدا دیدم که بعضی اشخاص ناشناس که در مسجد جمکران دیده بودم در دکان او می آیند، من خیلی دنبال مردم خوب یا بد نمی روم، مرحوم آقای فکور که اهل معنی بود جریان را به او گفتم رفته بود و در حالش دقت کرده بود، می گفت: خیلی مخفی و غیر معلوم مشغول ذکر است، اسم آن آقا میرزا علی اصغر می باشد. -۴۳-

اگر شفائی هست در مسجد مقدس جمکران است

شخصی که در اثر عمل لال شده بود و دکترها جواب کرده بودند آقای علوی فرمودند: چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران بروی، اگر شفائی هست در آنجاست.

تصمیم جدی می گیرد برای چهل هفته بلیط هواپیما از مشهد مقدس به طرف تهران گرفته و شب چهارشنبه به مسجد مقدس جمکران قم می آید، در هفته سی و هشتم در حال سجده برای صلوات یک وقت می فهمد که همه جا نورانی شده است و یک آقایی وارد و مردم به دنبالش می گویند حضرت حجت -ع- است، خیلی ناراحت که نمی تواند سلام بدهد، لذا کناره گرفته ولی حضرت نزدیک او می آید و می فرماید: سلام کن.

اشاره به زبان می کند که من لالم و الابی ادب نیستم.

حضرت بار دوم با تشریح می فرماید سلام کن، بلافاصله زبانش باز می شود و سلام می گوید و از برکات مسجد جمکران حضرت صاحب الزمان -ع- شفا می دهد. -۴۴-

از مسجد مقدس جمکران نتیجه گرفتم

آقای حاج حبیب الله بیگدلی فرمودند: در ۵۰ سال قبل روزی از روزها محضر مرحوم حاج شیخ مرتضی محدث اخوی محترم مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ عباس محدث انتظار درس حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رحمت الله علیه را داشتیم، آقای حاج شیخ مرتضی فرمودند: سکنه بزرگ شده بود، مادرش به من اصرار می کرد جهیزیه برای ایشان تهیه کنم، گفتم خانم به من خیلی اصرار نکن، موقع اش که شد به من بگو، ما با رفتن به مسجد جمکران نتیجه می گیرم.

روزی از روزها به من گفتند موقع ازدواج سکنه است، من هم همان شب به مسجد مقدس جمکران رفتم و نماز و دعاء صاحب الزمان خواندم و صبح برگشتم تا وارد خانه شدم، دیدم مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج صدرالدین در منزل با یک آقای شیخ نشسته اند، فرمودند آقای حاج شیخ کجا هستید، صبح تا به حال صدرالدین منتظر شماست.

گفتم در مسجد جمکران بودم، فرمودند: شب در مسجد بودی، صبح تا به حال کجا بودی؟ عرض کردم رفتم باغ توت بخورم. فرمودند: من این آقا شیخ را آورده ام دختر شما را به عقد ایشان در بیاورم، اجازه می دهید عقد بخوانم؟ هفته آینده هم می برند، و هر چه خرج دارد به عهده اینجانب باشد و ایشان هم قبول کردند.

توسل به صاحب الزمان در مسجد مقدس جمکران قم

آقای علی اکبر رضا بابائی خاوه ای نقل کرد: حدود سال ۱۳۵۷ شمسی یکشب از خواب بیدار شدم و احساس درد زیاد در پهلو نمودم، به نحوی که از فشار درد پهلویم نزدیک بود تلف شوم، به وسیله همسایگان به دکتر مراجعه کردم، چون مربوط به ناراحتی کلیه تشخیص دادند به طبیب متخصص آقای دکتر چهارسن - میدان سعیدی - مراجعه نمودم، پس از معاینه ها گفتند کلیه شما محتاج عمل جراحی است، الان مبلغ ۲۰ هزار تومان بدهید تا نوبت بزنم ۹ دیگر عملت نمایم و تا این مدت هم تحت کنترل خودم هستی، ناراحت مباش و چاره ای نیست جز عمل.

از مطب ایشان بیرون آمدم و چون درد اذیت می کرد نزد سایر دکترها رفتم و هر کدام نسخه و دارو می دادند ولی نتیجه نگرفتم، مایوس از اطباء به مسجد جمکران رفتم و با دلی شکسته خیلی ساده به آقا امام زمان -ع- عرض کردم: آقا دکترها که کارم نکردند من هم نمی خواهم عمل کنم و از این طرف بچه های من به من احتیاج دارند که زحمت بکشم و نانی تهیه کنم، خودت از خدا شفای مرا بگیر. من هم پنج نماز در این مسجد جمکران می آیم و می خوانم، بعد از توسل روز به روز حالم بهتر و رو به بهبودی تا رفع مریضی ام شد. -۴۵-

آیه الله العظمی آقای بروجردی و مسجد جمکران

آقای سید حبیب الله حسینی قمی که اهل منبر قم است و آقای حسن بقال که فعلا در تهران است با هم

قرار می‌گذارند که یک سال شبهای جمعه به مسجد مقدس جمکران بروند و حوائج خود را از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بگیرند، این عمل را یکسال انجام می‌دهند و تشریفی برایشان حاصل نمی‌شود.

شب جمعه ای که بعد از یکسال بوده، آقا حسن به آقای سید حبیب الله می‌گوید بیا با هم امشب به مسجد مقدس جمکران برویم.

آقای سید حبیب الله می‌گویند که چون من یکسال به مسجد مقدس جمکران رفته‌ام و چیزی ندیده‌ام دیگر به آنجا نمی‌روم.

آقا حسن زیاد اصرار می‌کند که امشب را هم هر طور هست بیا با هم برویم، شاید نتیجه‌ای داشته باشد.

بالاخره حرکت می‌کنند و پیاده به طرف مسجد مقدس جمکران می‌روند، در بین راه سید مجللی را می‌بینند که مانند کشاورزان - سه شاخ خرمن - روی شانه گرفته و از دور می‌رود، آنها مطمئن می‌شوند که او حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است.

آقای سید حبیب الله می‌گوید من وقتی چشمم به آن حضرت افتاد قضیه سید رشتی که در مفاتیح نقل شده به یادم آمد.

به آقا حسن گفتم برو و از آن حضرت چیزی بخواه.

آقا حسن جلو رفت و سلام کرد و گفت: آقا خواهش دارم با دست مبارک خودتان دشتی به من بدهید.

حضرت به او سکه ای می‌دهند، سپس رو کردند به من و فرمودند حاجت تو هم نزد آقای بروجردی است، وقتی به قم رفتی نزد آقای بروجردی برو و بگو چرا از حال فلان کس که در مصر است غافلیم، و چند جمله دیگر که سری بود به من فرمودند که به آیه الله بروجردی بگویم و بعد آن حضرت تشریف بردند.

آقا حسن وقتی به سکه نگاه کرد دید تنها روی آن خطی ضربدر زده اند و چیزی بر آن نوشته نشده است.

بالاخره وقتی به مسجد مقدس جمکران رفتیم و قضیه را برای مردم نقل کردیم آنها سکه را در میان آب انداختند و از آن آب به قصد استشفاء آشامیدند و به سر و صورت خود مالیدند، من هم پس از آنکه از مسجد جمکران به قم برگشتم به منزل آیه الله بروجردی رفتم ولی تا سه روز موفق به ملاقات حضرت آیه الله بروجردی در جلسه خصوصی نشدم.

روز سوم که خدمت آن مرحوم رسیدم بدون مقدمه فرمودند سه روز است که من منتظر تو هستم کجائی؟

عرض کردم: آقا موانعی بود که موفق به ملاقات خصوصی نمی شدم.

آیه الله بروجردی فرمودند حاجت تو این است که می خواهی به کربلا بروی، لذا مبلغی پول به من دادند و من مطالبی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه فرموده بودند به آیه الله بروجردی عرض کردم و آیه الله بروجردی به آقا حسن گفتند چرا آن سکه را به افراد معصیت کار و ناپاک نشان می دهی؟ ضمناً من به آقای بروجردی عرض کردم که آقا شما چیزی بنویسید که من گذرنامه بگیرم و به کربلا بروم.

آیه الله بروجردی فرمودند تو گذرنامه نمی خواهی، فلان دعا را بخوان و از مرز عبور کن و به کربلا برو.

من هم همان روزها حرکت کردم و به طرف عراق رفتم، وقتی به مرز عراق رسیدم با آنکه همراهان من همه گذرنامه داشتند بیشتر از من که گذرنامه نداشتم معطل شدند و احدی از من مطالبه گذرنامه نکرد.

امام زمان -ع- در مسجد مقدس جمکران

حضرت آیه الله آقای لطف الله صافی در کتاب پاسخ به ده پرسش پیرامون امامت و خصایص حضرت مهدی -ع- حکایت ذیل را راجع به مسجد امام حسن مجتبی -ع- آورده است که شخصاً این داستان را از کسی که مربوط به او بوده جناب آقای عسکری کرمانشاهی نقل می کند که ایشان فرمود: حدود هفده سال پیش بود، مشغول تعقیب نماز صبح بودم، در زدند، دیدم سه نفر از شاگردان جلسه ای من که شغل هر سه آنها مکانیکی بود با ماشین آمدند، گفتند: تقاضا داریم با ما به مسجد مقدس جمکران مشرف شوید، در آنجا دعا کنیم حاجتی شرعی داریم، موافقت کردم و به سوی قم حرکت نمودیم در جاده تهران -نزدیک قم- چند قدم بالاتر از همین جا که فعلاً حاج آقا رجیبان مسجدی به نام مسجد امام حسن مجتبی -ع- بنا کرده است ماشین خاموش شد.

رفقا هر سه مشغول تعمیر ماشین شدند، من برای قضای حاجت خواستم بروم توی زمینهای مسجد فعلی، دیدم سیدی زیبا و سفید و ابروهایش کشیده و دندانهایش سفید و خالی بر صورت مبارکش بود، ایستاده و با نيزه بلندی زمین را خط کشی می نماید، رفتم برای قضای حاجت نشستم، صدا زد آقای عسکری آنجا ننشین، اینجا را من خط کشیده ام، مسجد است، من متوجه نشدم که از کجا مرا می شناسد، مانند بچه ای که از بزرگتر اطاعت کند گفتم چشم. فرمود: یکی از عزیزان حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در اینجا بر زمین افتاده و شهید شده است، من مربع مستطیل خط کشیده ام، اینجا اینجا می شود محراب، اینجا که می بینی قطرات خون است که مومنین می ایستند اینجا که می بینی مستراح می شود و اینجا دشمنان خدا و رسول خدا به زمین افتاده اند؟ همانطور که ایستاده بود برگشت و مرا هم برگرداند، فرمود: اینجا می شود حسینیه و اشک از چشمانش جاری شد و من هم بی اختیار

گریه کردم. فرمود: پشت اینجا می شود کتابخانه، تو کتابهایش را می دهی، گفتم: اینجا را کی می سازد؟

فرمود: -یدالله فوق ایدیهم -

بعد من آمدم سر جاده، دیدم ماشین راه افتاده، گفتند: با کی حرف می زدی؟ گفتم: من با آن سید حرف می زد، گفتند: کدام سید؟ خودم برگشتم دیدم سید نیست و زمین مثل کف دست صاف بود، و هیچ کس هم نبود، من یک تکانی خوردم، به راه افتادیم به حرم حضرت معصومه -ع- مشرف شدیم، بعد به مسجد مقدس جمکران آمدم، نماز مسجد مقدس جمکران را خواندم، هنگامی که می خواستم به سجده روم و صلوات بخوانم دیدم سید بزرگوار می که بوی عطر می داد فرمود: آقای عسکری، سلام علیکم، نشست پهلوی من، تن صدایش همان تن صدای صبحی بود، رفتم به سجده، ذکر صلوات را گفتم، چون سرم را بلند کردم دیدم آقا تشریف بردند. از پیرمرد و جوانی که در اطراف من بودند پرسیدم این آقا کجا رفت، گفتند ندیدند، یک دفعه مثل اینکه زمین لرزه شود تکان خوردم و فهمیدم که امام زمان -ع- بوده است. به تهران برگشتیم، جریان را برای مرحوم شیخ جواد خراسانی تعریف کردم، خصوصیات را از من پرسید، گفت خود حضرت بوده است.

حالا صبر کن اگر آنجا را مسجد ساختند درست است.

پس از مدتی روزی یکی از دوستان فوت کرده بود، به اتفاق رفقا او را برای دفن به قم آوردیم، به همان محل که رسیدیم دیدم دو پایه از مسجد بالا رفته است. پرسیدم این مسجد را چه کسی می سازد؟ گفتند: این مسجدی است به نام امام حسن مجتبی -ع-، پسرهای حاج حسین آقا سوهانی می سازند.

رفتم سوهان فروشی پسرهای حاج حسین آقا گفتم: شما مسجد امام حسن مجتبی -ع- را می سازید؟ گفتند: نه حاج یدالله رجبیان می سازد، تا گفت: یدالله قلبم به ضربان افتاد با خود گفتم یدالله فوق ایدیهم و فهمیدم حاج یدالله است. من بعدا چهارصد جلد کتاب خریداری کردم و وقف آن مسجد مبارک نمودم. -۴۶-

توضیح اینکه آقای حاج محمد شجاعی فرد داماد محترم آقای رجبیان که در خدمتشان بودیم فرمودند: ایشان آمدند نزد من، گفتند می خواهیم حاج یدالله را ببینم، تلفن کردم و ایشان را فرستادم منزل حاج آقا نهار هم در منزل مرحوم رجبیان بودیم، گفتار ایشان را در نوار ضبط کردیم و آقای عسکری این قضایا را محضر مبارک آیه الله العظمی گلپایگانی نقل کردند. -۴۷-

چهار سال است شبهای چهارشنبه به مسجد جمکران مشرف می شوم

احمد پهلوانی -ساکن حضرت عبدالعظیم -ع- فرمودند: من چهار سال است شبهای چهارشنبه به

مسجد مقدس جمکران مشرف می شوم ، در یکی از سالها شب چهارشنبه ای بود که به واسطه مجلس عروسی یکی از بستگان نزدیک در تهران نتوانستم به مسجد مشرف شوم ، به منزل رفته ، خوابیدم ، نیمه شب از خواب بیدار شدم ، تشنه بودم ، خواستم برخیزم ، دیدم پایم قدرت حرکت ندارد، هر چه تلاش کردم پایم را حرکت بدهم نتوانستم ، دکتری حاضر نمودند، دکتر پس از معاینه در غیاب من به رفیقم گفته بود خوب نمی شود سکنه کرده است ، ساعت ۹ صبح بود متوسل به حضرت -ع- شده عرض کردم : ای امام زمان من هر شب چهارشنبه در مسجد مقدس جمکران قم خدمت شما می رسیدم ولی دیشب نتوانستم بیایم و گناهی نکرده ام توجهی بفرمائید، گریه ام گرفت و در آن حال خوابیدم . در عالم رویا دیدم آقایی آمدند، عصایی به دستم دادند. دستم را گرفتند و از جا حرکت دادند، در این اثنا از خواب برخاستم ، دیدم می توانم پایم را حرکت دهم .<sup>-۴۸-</sup> آقا راه مسجد مقدس جمکران را به ما نشان دادند

حجه الاسلام و المسلمین آقای شریفی مقسم شهریه مرحوم حضرت آیه الله العظمی آقای اراکی طاب ثراه فرمودند: مادرم نقل می کرد که حدود هفت ساله بودم ، با عده ای از خانمها جهت زیارت مسجد مقدس جمکران می رفتیم ، راه را گم کردیم -چون آن زمان مسجد مقدس جمکران راه ماشین رو نداشت ، عاشقان امام زمان پیاده به مسجد می رفتند -

در حال وحشت بودیم و می ترسیدیم ، یک وقت دیدم آقایی به من فرمود راه جمکران از این طرف است ، من هم به خانمها گفتم آقا می فرماید راه مسجد مقدس جمکران از این طرف است ، آنها نگاه کردند ولی آقا را ندیدند، من دوباره نگاه کردم دیدم آقا بار دوم فرمودند از اینطرف به مسجد مقدس جمکران می روید، با دست مبارک اشاره به مسجد نمودند .

به حاج رضا بگوئید خداوند به ایشان بچه خواهد داد

در سال ۱۳۶۲ بود برای دیدن آقای حاج رضا شفائی که از مکه معظمه آمده بودند با دوست محترم آقای ملا حسینی رفتیم ، بعد از صرف نهار که جمعیت هم زیاد بودند آقای ملا حسینی پیشنهاد کردند که دعا کنیم ، بلکه خداوند به ایشان بچه عنایت فرماید -ایشان حدود ۷ سال بود ازدواج کرده بودند، ولی بچه دار نمی شدند- حقیر سر سفره دعا کردم و آقایان محترم آمین گفتند .

بعد از ظهر همین روز به مسجد مقدس جمکران رفتم ، نماز آقا امام زمان علیه السلام خواندم ، آقا را به حق مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیها قسم دادم که عنایت فرماید تا خداوند بچه ای به این دوست محترم عطا فرماید، همین شب در خواب دیدم سید بزرگواری وارد خانه شد، حضرت فرمودند به حاج رضا بگوئید نگران نباشد، امسال خداوند به ایشان بچه خواهد داد و آن بچه دختر است ، از برکات مسجد مقدس جمکران و عنایت صاحب الزمان همینطور هم شد، فعلا ایشان سه تا دختر دارد .

سفارشات امام زمان -ع- در مسجد مقدس جمکران

حجه الاسلام واعظ شهير، مرحوم كافي رحمت الله عليه نقل كردند:

يك نفر از رفقا از يزد نامه اي به من نوشته ، آدم ديني خوبي است ، از عاشقان امام زمان ع - است ، از رفقاي من است ، در نامه نوشته كه مرا چند روز است منقلب كرده ، گر چه اين پيغام خيلي به علماء رسيد ، - به مرحوم مجلسي گفته ، به شيخ مرتضي انصاري گفته ، به مرحوم شيخ عبدالكريم حائري گفته ، به مرحوم آقا سيد ابوالحسن اصفهاني گفته ، به بعضي از اوتاد ديگر گفته - اين بنده خدا نوشته من چهل شب چهارشنبه از يزد مي آمدم مسجد مقدس جمكران ، توسلي و حاجتي داشتم ، نوشته شب چهارشنبه چهلمي دو هفته قبل بود ، در مسجد مقدس جمكران خسته بودم ، گفتم ساعتی اول شب بخوابم ، سحر بلند شوم برنامه ام را انجام بدهم . صحن حياط هوا گرم بود ، خوابيده بودم يك وقت ديدم از در مسجد مقدس جمكران يك مشت طلبه ها ريختند تو ، گفتم : چه خبر است ؟ گفتند: آقا آمده ، گفت من خوشحال دويدم رفتم جلو ، آقا را ديدم ، اما نتوانستم جلو بروم ، گفتم آقا آمده اند كه آمده باشند ، خودش فرمودند برو به مردم بگو دعا كنند خدا فرجم را نزديك كند . به خدا قسم آي مردم دعاها تان اثر دارد . ناله ها تان اثر دارد ، خود آقا به مرحوم مجلسي فرموده ، مجلسي به شيعه ها بگو برام دعا كنند ، هي پيغام مي دهد ، به خدا دلش خون است ، آقا مصلحت در اين است كه فعلا پسر فاطمه در پس پرده غيبت باشد با كي ؟ نمي دانم ؟ حالا مي خواهم دعا كنم ، الهي به پهلوي شكسته زهرا ، خدايا به صورت سيلبي خورده زهرا ، الهي به جگر پاره پاره امام حسن ، الهي به سر بريده حسين ، قسمت مي دهيم كه ديگه فرجش را نزديك كن .<sup>۴۹-</sup>

بار الها رهبر اسلاميان كي خواهد آمد  
 شيعيان را غمگسار مهربان كي خواهد آمد  
 انتظار مصلحي دارد جهان ، اما نداند  
 مصلح كل رهنماي انس و جان كي خواهد آمد

شاعر ديگر در جواب مي گويد:

خستگان عشق را ايام درمان خواهد آمد  
 غم مخور آخر طبيب دردمندان خواهد آمد  
 آنقدر از كردگار خويشتن اميدوارم  
 كه شفا بخش دل اميدواران خواهد آمد  
 دردمندان ، مستمندان ، بي پناهان را بگوئيد

منجي عالم ، پناه بي پناهان خواهد آمد  
صبر کن يا فاطمه ، اي بانوي پهلو شکسته  
مهدیت با شیشه دارو و درمان خواهد آمد

مرحوم آیه الله قاضي در مسجد مقدس جمکران

آقاي حاج جواد رحيمي نقل کردند :مرحوم آیه الله آقاي حاج سيد حسين قاضي رحمت الله عليه فرمودند: شب تولد حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها يعني شب بيستم جمادي الثاني سال ۱۳۴۸ در مسجد جمکران بودم ، ناگهان مشاهده شد که انواري از آسمان به زمين و بخصوص روي آسمان مسجد مقدس جمکران فرو مي ريزند -در اينجا آقاي رحيمي فرمودند من هم اتفاقا آن شب در مسجد مقدس جمکران بودم و آن انوار را ديدم ، بلکه همه مردم آنها را مي ديدند، در همان شب شخصي که مورد وثوق آقاي قاضي بود براي ايشان نقل کرده بود که من در مسگر آباد تهران بودم ، يکي از اولياء خدا مرا با طي الارض به مسجد مقدس جمکران آورد با او در مسجد مقدس جمکران به مجلس روضه ئي که در گوشه اي تشکيل شده بود رفتيم ، از همان اول مجلس حضرت بقيه الله ارواحنا فداه در روضه شرکت فرمودند، روضه خوان اشعاري از کتاب گلزار آل طه که مرحوم آیه الله حاج سيد علي رضوي سروده است مي خواند و حضرت ولي عصر-ع - گوش مي دادند و گريه مي کردند، پس از خاتمه مجلس حضرت حجه بن الحسن -ع - دعا کردند و از مجلس برخاستند و تشریف بردند، جمعي که در مجلس بودند به شخصي که از ديگران به حضرت ولي عصر-ع - نزديکتر بود اصرار مي کردند که شما هم دعائي بکنيد، او مي گفت حضرت ولي عصر-ع - دعا فرمودند، بالاخره با اصرار زياد او را به دعا کردند، او هم چند جمله درباره فرج کرد و مجلس خاتمه يافت.

-احتمالا دعا کننده خود مرحوم قاضي بوده ولي نمي خواست اسمش را ببرد-<sup>۵۰۰</sup>  
از کدام راه به مسجد مقدس جمکران مي آئي

حاج علي محمد فرزند مرحوم حاج ابوالقاسم پاينده قمي چنين بيان کردند: مرحوم والد گفتند من نذر کرده بودم چهل شب جمعه يا چهارشنبه -ترديد از گوينده - به خاطر جنبه اقتصادي و آفاتي که به زراعت رسیده بود و... مسجد مقدس جمکران مشرف شوم ، سي و نه شب رفتم ، شب جمعه يا چهارشنبه آخر بود که به مسجد رفتم و اعمال مسجد و نماز ولي عصر-ع - را خوانده بودم ، هوس چائي کردم ، گشتم تا آشنائي پيدا کنم و يک چائي بخورم ، برخورد کردم به عده اي از آشنائيان که اسباب چائي داشتند، لکن آب نداشتند، ظرف آب را گرفتم تا بروم از آب انبار نزديک مسجد و آب بياورم . نصف پله ها را رفتم ، وسط آنجا چراغ نفتي نصب کرده بودند، يک وقت متوجه شدم آقائي دارد بالا مي آيد، سلام کردم با محبت جواب داد و از من احوالپرسی کرد مثل کسي که سالهاست با

من رفیق و آشناست ، فرمودند: مسجد آمدی ؟ گفتم : آری ، پرسید چند هفته است ؟ گفتم : هفته  
چهلیم است ، پرسید حاجتی داری ؟ گفتم : آری ، گفتم : برآورده شده ؟ گفتم : نه . فرمود از کدام راه  
می آئی ؟ عرض کردم از جاده قدیم - آسیاب لتون - فرمود بین باغ آقا و آسیاب دو سه پل است شما  
وقتی از پل اول که بالا می روی شیخ محمد تقی بافقی را می بینی که می آید در حالی که عبایش را  
زیر بغل گذاشته و سنگها را از جاده به کنار می ریزد، این برخورد را به او بگو و سلام مرا به او برسان و  
بگو از آنچه ما نزد تو داریم یک مقدار به تو بدهد .

وقت بازگشت من از همان راه که بر می گشتم در همان مکان برخورد به شیخ محمد تقی بافقی یزدی  
نمودم که عبا زیر بغل گذاشته ، خم می شد سنگها را از جاده به کناری می ریخت ، چون به او برخورد  
کردم و جریان را تعریف نمودم و گفتم آقا ترا سلام رسانید، نشست آنقدر گریه کرد، بعد گفت : آقا  
دگر چه فرمود؟ گفتم فرمود از آنچه که از نزد شماست مقداری به من بدهید، کیسه ای در آورد و  
مقداری پول خرد که داخل کیسه بود کف دست ریخت و چند قرانی به من داد و گفتند دیگر آقا  
مطلبی نفرمود، گفتم نه ، گفت خدا به شما خیر و برکت دهد و رفت ، بعد از این جریان من وضع  
خوب شد و اوضاع کارم روبراه شد .

از امام زمان -ع- در مسجد مقدس جمکران شفا گرفتم

آقای حسین آقای شوهر می گفت در زمان طفولیت مادرم فوت شده بود و پدرم زن دیگری گرفته بود،  
من ناراحت بودم و از اراک و وطن اصلی ام فرار کردم و مشغول رانندگی شدم و کم کم شغل  
میکانیک را یاد گرفتم و در کارخانه ای که مال یهودی ها بود مشغول میکانیک شدم ، در این بین  
مبتلا به کمر درد شدیدی گردیدم که فوق العاده مرا ناراحت کرده بود. برای معالجه به اطباء زیادی  
مراجعه کردم و عکسهای بسیاری از کمر من برداشتند حتی به خارج از کشور رفتم و مرا عمل جراحی  
کردند. ولی همچنان کمر درد مرا اذیت می کرد و نتیجه ای از آن همه معالجات حاصل نشد، یعنی  
اطباء به من گفتند که عصب موضع درد ضعیف شده و علاجي ندارد .

لذا من به مسجد مقدس جمکران رفتم و به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه متوسل شدم و چند روز در  
قهوه خانه جمکران ماندم ولی نتیجه ای نگرفته و به قم برگشتم . شبی در خواب دیدم که به من می  
گویند از ماندن در قهوه خانه که انسان نتیجه ای حاصلش نمی شود، بلکه باید در خود مسجد بیتوته  
کنی تا به مقصد برسی . من مجدداً به مسجد جمکران برگشتم و قصد داشتم در ایام البیض ماه رجب  
عمل ام داود را بجا بیاورم . شبی در مسجد تنها بودم ، هیچکس در آنجا نبود، اعمال مسجد را انجام  
داده بودم ، ناگهان دیدم سید جلیل القدری که تمام لباسهای سبز بود و نور غیر زنده ای آن سبزی را  
احاطه کرده بود در کنار من در میان مسجد نشسته ، من هم در آن موقع در نهایت ناراحتی بودم ، کمرم  
در آن لحظه به شدت درد می کرد .

آن آقا رو به من کرد و فرمود: چه دردی داری؟

گفتم: مدتی است که کمرم سخت درد می‌کند.

آن آقا نزدیک من آمدند و دست روی مهره های پشت من کشیدند و یک یک مهره ها را زیر دست گذاردند تا آنکه دستشان به مهره ای که درد می‌کرد رسید، موضع درد را با کف دست مالش دادند و آیه شریفه اواخر سوره حشر را می‌خواندند که می‌فرماید:

-لو انزلنا هذا القرآن علي جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المومن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق الباري المصور له الاسماء الحسنی يسبح له ما في السموات و الارض و هو العزيز الحكيم .

و بعد فرمود: خوب شدي، من حرکتی به خودم دادم، دیدم کمرم درد نمی‌کند، سپس بدن خود را به طرف راست و چپ حرکت دادم، احساس دردی نکردم، از جا برخاستم، دیدم راحت می‌توانم برخیزم و حال آنکه قبلاً نمی‌توانستم حرکت کنم. چند قدمی راه رفتم و در ایوان مسجد مقدس جمکران مقداری دویدم، دیدم اثری از درد در بدنم وجود ندارد.

سنگ سنگینی بیرون مسجد افتاده بود، روی دست بلند کردم، دیدم ناراحت نمی‌کند، و بالاخره هر چه توانستم خود را امتحان نمودم دیدم به هیچ وجه اثری از کسالتم وجود ندارد، برگشتم به مسجد که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تشکر کنم. آن حضرت در مسجد نبودند و بلکه در هیچ کجای مسجد جمکران و بیابانهای اطراف کسی غیر از من وجود نداشت. -<sup>۵۱</sup>-

عنایت حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - به کودک ۱۳ ساله زاهدانی در مسجد مقدس جمکران کرامات، معجزات و عنایاتی که از ائمه اطهار علیه السلام صادر گشته و توسط راویان مورد اعتماد روایت شده، و در کتابهای مورد استناد ثبت گردیده، منحصر به صدر اسلام و قرون اولیه اسلام نمی‌باشد، بلکه هر روز در گوشه و کنار جهان، به ویژه در حرم ائمه هدی، علیهم السلام معجزات و کرامات تازه ای تحقق می‌یابد که دلیل حقانیت پیشوایان شیعه، و مابه دلگرمی شیعیان می‌باشد. هر یک از شما یک یا چند معجزه در حرم مطهر ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا - علیه السلام - دیده و یا شنیده اید.

اکنون که دوران فرمانروایی حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - می‌باشد، همه روزه دهها نفر در اقطار و اکناف جهان با توسل به ذیل عنایت آن حضرت از امراض صعب العلاج و دیگر گرفتاریهای خانمانسوز به طور معجزه آسا رهائی می‌یابند، و برای همیشه خود را رهین عنایات آن حضرت می‌دانند.

در اینجا یکی از این کرامتها را که در شب دوازدهم جمادی الاولی ۱۴۱۴ هـ در مسجد مقدس جمکران

در مورد یک کودک ۱۳ ساله زاهدانی انجام یافته برای نورانیت قلب خوانندگان گرامی می آوریم: این کودک -سعید چندانی - دانش آموز کلاس پنجم ابتدایی است که در دبستان محمد علی فائق، در زاهدان متولد شده و بر شیوه عقاید اهل تسنن تربیت یافته است.

مادر سعید اگر چه از لحاظ نسب به خاندان عصمت و طهارت منسوب است ولی او نیز سنی و حنفی است.

سعید یک سال و هشت ماه پیش در یک تعمیرگاه ماشین پایش می لغزد و به چاهی که روغن و فاضلاب تعمیرگاه در آن می ریخته می افتد، و جراحتهای مختلفی بر بدنش وارد می شود، این جراحتهای بهبودی می یابد ولی غده ای در ناحیه شکم پدید می آید، نخست خیال می کنند که فتق است، ولی با گذشت چند ماه پزشکان معالج اظهار می کنند که غده سرطانی است و باید او را برای معالجه به تهران ببرند.

او را به تهران می آورند و در بیمارستان هزار تختخوابی بستری می کنند، پس از نمونه برداری و احراز غده بدخیم سرطانی، او را به بیمارستان الوند منتقل می کنند، و غده ای به وزن یک کیلو و نیم از شکم او بیرون می آورند ولی در مدت کوتاهی جای غده پر می شود، و پزشکان اظهار می کنند که با این رشد سریع غده، دیگر کاری از ما ساخته نیست.

مادر سعید شبی در خواب می بیند که به او می گویند: -سعید را ببرید به مسجد مقدس جمکران. - طبعاً یک زن سنی نمی داند که مسجد جمکران یعنی چه؟ ولی هنگامی که خوابش را برای دیگران نقل می کند، او را به مسجد جمکران قم راهنمایی می کنند.

وی سعید را با دیگر فرزندش -محمد نعیم - به قم می آورد، و بلافاصله به مسجد مقدس جمکران مشرف می شوند.

سعید روز سه شنبه ۱۱ جمادی الاولی ۱۴۱۴ هیک ساعت و نیم بعد از ظهر وارد مسجد جمکران می شود، خدام مسجد وضع او را که به این منوال می بینند او را در اطاق شماره هشت زائر سرای مسجد اسکان می دهند.

مادر سعید اعمال مسجد را فرا می گیرد، با پسرش محمد نعیم اعمال مسجد را انجام می دهد، آنگاه عریضه ای تهیه می کند و آن را در چاه می اندازد، و با دلی سرشار از امید به ذیل عنایت حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - متوسل می شود.

شب فرا می رسد و عاشقان حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - طبق رسم سنواتی - که شبهای چهارشنبه از راههای دور و نزدیک به مسجد مقدس صاحب الزمان در جمکران مشرف می شوند - دسته دسته می آیند، و در مسجد به عبادت و نیایش می پردازند.

مشاهده این شور و هیجان مردم در دل مادر سعید طوفانی ایجاد می کند، او نیز همراه دهها هزار زائر به

عبادت و دعا و تضرع می پردازد و شفای فرزندش را از حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - با اصرار و الحاح مسئلت می کند.

هنگامی که به اطاق مسکونی اش در زائر سرای مسجد می آید، دو نفر از خادمان با اخلاص به اطاق او می آیند و در آنجا عزاداری می کنند و برای شفای سعید به طور دسته جمعی دست به دعا بر می دارند.

سعید می گوید:

-درست ساعت ۳ نیمه شب بود که در عالم رویا دیدم نوری از پشت دیواری ساطع شد و به طرف من به راه افتاد.

او یک انسان بود، ولی من از او فقط نور خیره کننده ای می دیدم که آهسته آهسته به من نزدیک می شد.

من اول مضطرب شدم، ولی سعی کردم که بر خودم مسلط شوم.

هنگامی که نور به من رسید به ناحیه سینه و شکم من اصابت کرد و برگشت.

من از خواب بیدار شدم و چیزی متوجه نشدم و باز هم خوابیدم.

صبح که از خواب بیدار برخاستم، سعی کردم که خودم را به عصایم نزدیک کنم و عصا را بردارم، ناگاه متوجه شدم که بدنم سبک شده و آن حالت درد شدید به کلی از من رفع شده است.

در آن وقت متوجه شدم که شفا یافته ام و آن نور وجود مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام بوده است. -

این معجزه باهره و کرامت ظاهره، در شب چهارشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۴۱۴ هجری، برابر با ۵ آبان ۱۳۷۲ شمسی صادر گردید.

سعید با مادر و برادر خود سه شب در زائر سرای مسجد اقامت کردند، شب سوم که شب جمعه بود عنایت دیگری شد، که این بار در بیداری انجام پذیرفت، و اینک متن آن واقع از زبان سعید:

-شب جمعه در اطاق شماره هشت نشسته بودم، مادرم مشغول تلاوت قرآن بود، احساس کردم که شخصی در کنار من نشست، و برای من رهنمودها و دستورالعمل هایی را بیان فرمود.

چون سخنانش تمام شد برگشتم و کسی را ندیدم، از مادرم پرسیدم که: مادر با من بودی؟ گفت: من قرآن می خوانم باتو نیستم.

پرسیدم: پس این کی بود که با من سخن می گفت؟ مادرم گفت: کسی در اینجا نیست.

در آن موقع پتو را بر سرم کشیدم و هر چه بر مغز خود فشار آوردم که مطالب آن شخص را به خاطر بیاورم چیزی به یادم نیامد.-

روز جمعه سعید و مادرش به تهران باز می گردند و به بیمارستان الوند مراجعه می کنند، پس از

عکسبرداری معلوم می شود که سعید صحیح و سالم است و از غده بدخیم سرطانی هیچ خبری نیست. و بدین گونه این کودک سعادت مند که به حق -سعید- نامگذاری شده از معجزات باهره حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - بهبودی کامل خود را در می یابد.

دو هفته بعد -شب چهارشنبه ۲۵ جمادی الاولی، برابر با ۷۲/۸/۱۹ سعید با مادرش و برادرش محمد نعیم به جمکران آمده بود تا پیشانی ادب بر آستان مسجد حضرت صاحب الزمان بساید، و از محضر مولا و مقتدایش تشکر نماید. خوشبختانه حقیر هم در مسجد بودم، و از داستان شفا یافتن او آگاه بودم، با او در دفتر مسجد رفتم و در حضور دهها نفر از دوستان، مطالب بالا را از زبان سعید بدون واسطه شنیدم.

مادرش از خوشحالی در پوست نمی گنجید، و برای حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - پیوسته درود می فرستاد، و سخنانی می گفت که از یک فرد سنی مذهب بسیار جالب بود، مثلاً می گفت: -من نمی دانم الان امام زمان - علیه السلام - کجاست؟ آیا در دریاها کشتی ها را نجات می دهد، و یا در آسمانها هواپیماها را نجات می دهد. -!سعید در این سفر با کوله باری از پرونده های پزشکی، عکسها و آزمایشها آمده بود، که آنها را به مشتاقان ارائه دهد، از اسناد پزشکی او توسط مسئولین مسجد فیلمبرداری شد، از خود سعید و مادرش فیلمبرداری شد و سخنانشان ضبط گردید. بی گمان خانواده - چندان - در میان خانواده های معتقد اهل سنت، مبلغ صمیمی و بی قرار حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - خواهند بود. -۵۲-

امام زمان به من شفا داد

حجه الاسلام و المسلمین آقای فقیهی سرپرست درمانگاه قرآن و عترت فرمودند:

من مریض شدم و زبانم گرفته شد، بسیار ناراحت بودم، رفتم به مسجد مقدس جمکران نماز صاحب الزمان علیه السلام را خواندم به محضر آقا عرض کردم که من چهل سال است خدمتگزار حضرت تعالی هستم، به این سربازت عنایتی بفرما، از برکات مسجد مقدس جمکران و عنایت آقا صاحب الزمان علیه السلام زبانم باز شد، توضیح اینکه معظم له از علاقمندان صاحب الزمان علیه السلام و مسجد مقدس جمکران می باشد.

کراماتی که از مسجد مقدس جمکران دیدم

حقیر وقتی وارد شهر مذهبی قم شدم یکسال در منزل حضرت آیة الله حاج سید قادر میرعظیمی اخوی بزرگوار بودم که بعد از آن آمدم به مدرسه فیضیه حجره ۱۲ مشغول به تحصیل علوم دینی شدم تا اینکه رفقای ما برای عمامه گذاری از آقایان مراجع دعوت می کردند به مدرسه فیضیه و جشن می گرفتند، بنده عصر رفتم به مسجد مقدس جمکران بعد از نماز تحیت مسجد و نماز امام زمان علیه السلام خواندم، عرض کردم یا صاحب الزمان علیه السلام من مهمان تو هستم، نوکر و سرباز شما هستم، پناه به شما

آورده ام و کسی غیر از خدا و شما ندارم، به حق پدرت و به حق مادرت فاطمه زهرا علیهاالسلام و جدت امام حسین علیه السلام به من کمک کن، حاجت مرا روا کن.

آن شب در عالم خواب دیدم سید بزرگواری فرمودند فردا صبح در حرم حضرت معصومه خودت عمامه به سرت می گذاری، عصر یک نفر از اطراف قم می آید شما را برای منبر می برد، بنده همین دستور آقا را انجام دادم، عصر آن روز یک نفر به نام حاج اصغر ریاضی آمد ما را برد به نزدیکی امامزاده جعفر جهت منبر که حدود بیست خانوار بودند و مسجد نداشتند، در منزل خود اصغر ریاضی نماز جماعت و منبر بود وقتی بنده به منزل ایشان رسیدم گفتند آقا می خواهیم خمس مالم را بدهم، حساب کردیم بیست و پنج هزار تومان بدهکار شدند، ده هزار تومان دادند بابت سهمین، چون مقلد آیت الله العظمی نجفی مرعشی بودند حقیر ده هزار تومان به محضر معظم له بردم، آقا فرمودند کجا هستید و کی عمامه گذاشتید؟

داستان مسجد مقدس جمکران را نقل کردم در حالی که آن مرجع بزرگ جهان شیعه گریه می کردند فرمودند برو قدر امام زمان علیه السلام را بدان و پنجهزار تومان پول به من دادند و با خط مبارک خودشان برای حقیر اجازه نامه نوشتند.

و فرمودند مسجد مقدس جمکران معجزات و کرامات زیادی دارد دست از این مسجد شریف و مقدس بر ندارید و به دوستان و رفقای خود بگوئید به این مسجد مقدس جمکران بیشتر بروند چون رفت و آمد امام زمان در این مسجد زیاد است.

خلاصه از عنایت امام زمان علیه السلام و از برکات دعای حضرت آیه الله العظمی آقاي نجفی مرعشی و کرامات مسجد مقدس جمکران حقیر در همین محل و اطراف آن چندین مسجد و مدرسه و مکتب قرآن و کتابخانه عمومی و امانی تاسیس نمودم، امیدوارم مورد رضای حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام قرار گیرد.

مشکل من حل شد

آقاي حاج غلامرضا مسیح فرمودند<sup>۳۰</sup>: حدود ۳۵ سال پیش بود که وضع زندگی ما از نظر اقتصادی خوب نبود، گرفتاری زیاد داشتم، هر دري زدیم که نجات پیدا کنیم نشد، عاقبت به مسجد مقدس جمکران رفتیم و بعد از نماز صاحب الزمان دعائی که در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی نوشته معروف به دعای امام سجاد-ع - که شیخ کفعمی در بلد الامین دعائی از حضرت امام زین العابدین -ع - نقل کرده و فرموده این دعا را مقاتل بن سلیمان از آن حضرت روایت کرده و هم گفته هر که صد مرتبه آن را بخواند و دعایش مستجاب نگردد لعنت کند مقاتل را، این است دعا:

الهي كيف ادعوك و انا انا و كيف اقطع رجائي منك و انت انت الهي اذا لم اسئلك فتعطيني ممن ذا الذي اسئله فيعطيني الهي اذا لم اتضرع اليك فترحمني فمن ذا الذي اتضرع اليه فيرحمني الهي فكما

فلقت البحر لموسي عليه السلام و نجيته اسئلک ان تصلي علي محمد و اله و ان تنجيني مما انا فيه و تفرج علي فرجا عاجلا غير اجل بفضلک و رحمتک يا ارحم الراحمين -٥٤-

ایشان فرمودند از برکت امام زمان و مسجد مقدس جمکران و این دعا که در آنجا خواندم تمام مشکل من حل شد و پروردگار عالم عنایتی در حق من فرمودند.

با امام زمان -عج - مسجد مقدس جمکران را تعمیر می کردیم

سید عبدالرحیم خادم مسجد مقدس جمکران نقل می کند: بعد از آنکه مسجد مخروبه شده بود تا آنکه حاجی علیقلی جمکرانی مریض شده بود به او گفتم نذر کن خدا شفا بدهد ترا قدری تعمیر این مسجد کن تا آنکه شفا یافت به مقدار سیصد تومان خرج نمود، یک طرف مسجد را بساخت ، اما گفت وقت زدن طاقهای مسجد از مسجد باید گوسفندی کشت ، می گوید رفتم و گوسفندی کشتم و گوشت او را به فقرا دادم و محزون بودم از برای خرابی باقی مسجد تا که روزی در خواب دیدم که درب مسجد امام حسن جمعیت زیادی می باشد و ملا آقا رضا که خویش بود با ما او را دیدم و گفتم بیا برویم میان حرم حضرت معصومه -س - او به من گفت کجا برویم و حال آنکه حضرت حجه در این جا می باشد، اشاره نمود به سوی جلو جانب درب مسجد، دیدم که در جلو خان درب مسجد امام حسن سجاده افتاده و حضرت نماز کرده بود و تعقیب نماز می خواندند چون که پیش حضرت را خواب دیده بودم و منتظر فرصت بودم که عرض خود را بکنم آخر الامر حضرت از نظرم غائب شد و نشد که عرض خود را خدمت حضرت نمایم ، از باب خرابی مسجد تا آنکه در این دفعه پیش خود خیال نمودم که حال مثل آن روز نشود که من عرض خود نکرده غایب شوند لهذا افتاده به روی زانوی حضرت و عرض کردم که مسجد مقدس جمکران خراب شده چرا یک مرحمتی نمی فرمائید که تعمیر شود به یک مرتبه دیدم که من خودم و حضرت میان مسجد مقدس جمکران می باشم دیدم آب گل گرفته و قدری آب به روی آن گلها ریخت و فرمودند وقتی که نمای مسجد را می ساختید من در اینجا بودم می دیدم و از گوشت آن گوسفند به ما رسید به یک مرتبه صبیبه ام مرا از خواب بیدار کرد من به او دعوی کردم ، عیالم گفت چرا دعوی می کنی گفتم الحال خواب دیدم و نگذاشت که خواب خود را تمام بینم . -٥٥-

سید عبدالرحیم نقل کرد که بعد از آنکه حاجی علیقلی فوت شد، استاد رضای نجار ابن حاجی اسماعیل نجار قمی حاجی مذکور را خواب دیده بود و این حقیر مولف از استاد رضا سوال کردم از کیفیت خوابی که دیده بود نقل کرد که در خواب دیدم یک باغ بسیار بزرگ را و در میان باغ قصری عالی و بسیار بلندی بود و دیدم حاجی علی قلی را در بالای آن قصر بود و سر خود را از میان قصر بیرون آورده بود، به او گفتم کی این باغ و قصر رابه تو داده ، گفت صاحب الزمان تا سه مرتبه الهی آخر، معلوم می شود که حضرت حجه آن باغ و آن قصر را به او مرحمت کرده در عوض آن مقداری

که تعمیر نموده بود، از این مسجد شریف پس از خواب و همچنین از خواب سابق معلوم می شود و کشف از این کند که عمل او مقبول حضرت حجه گردیده، هنیئا له بهذه الکراره .<sup>۵۶-</sup>

هر پولی خرج مصرف مسجد مقدس جمکران نمی شود

سید عبدالرحیم خادم مسجد مقدس جمکران نقل می کند: از حاجی علی قلی جمکرانی که می خواستم بروم از جمکران طرف شهر یک زنی اهل جمکران یک ده شاهی به من داد که این پول را از برای من شمع بخر و بیاور که می خواهم در مسجد مقدس جمکران روشن کنم می گوید رفتم و شمع خریدم و دستمالي که پول او در میان او بود بیرون آوردم که پول شمع را بدهم، دیدم که پول نیست، به خود گفتم یقین جایی افتاده، شمع را پس دادم و گفتم پول نیست و رفتم قدری از راه را طی کردم و دستمال را از جیب بیرون آوردم دیدم که پولش هست، سر جای خود برگشتم که شمع بخرم، دو مرتبه رفتم که پول بدهم دیدم که پول نیست شمع را پس دادم، برگشتم در بین راه دیدم که پول به همان دستمال بسته، فهمیدم پول جهتی دارد که نباید خرج این راه خیر شود، لهذا پولش را آوردم و پس آن ضعیفه دادم .<sup>۵۷-</sup>

صاحب الزمان شفا داد

آیت الله کاشانی فرمودند: شخصی به نام نوروزی به من نقل کرد پسر مریض شد وقتی دکتر بردم گفتند سرطان است، چندین دکتر مراجعه کردم، همه گفتند درد ایشان درمان ندارد، ناچار پسر را به انگلستان بردم، تا آنجا هم بعد از چند روز آزمایش و عکسبرداری همین تشخیص را دادند و گفتند اگر عمل هم بکنید فایده ندارد، بارها به خدا عرض کردم که خدایا این همه ثروت را که به من عنایت فرموده اید از من بگیر، فقط این یک پسر را برای من نگهدار، عاقبت پسر را از بیمارستان انگلستان مرخص کردم، سوار هواپیما شدیم به طرف تهران، در حالی که سرم دستش بود و از شدت درد ضعیف و رنجور شده بود، یک نفر در هواپیما به من گفت این مریض را چرا اینجا آوردی، گفتم کجا ببرم، گفت: مسجد مقدس جمکران، این جور مریضها را باید صاحب الزمان شفا بدهد، من در همان هواپیما نذر کردم که اگر خداوند پسر را شفا دهد یک بیمارستان به نام مسجد مقدس جمکران بنا کنم، شروع کردم در هواپیما با امام زمان -ع- راز و نیاز کردن، عرض کردم ای پسر فاطمه به حق فاطمه زهرا -ع- به این پسر شفا عنایت فرما، در همین حال بودم که یک مرتبه پسر از خواب بیدار شد و گفت بابا به من انار بده، گفتم چشم تهران برای شما انار می دهم، بار دوم از خواب بیدار شد و گفت بابا به من بیسکویت بده، معلوم شد که در خواب دیده سید بزرگواری برای ایشان انار آورده و فرموده شما خوب شدید سرم را بیرون بیاورید چون تهران رسیدیم سرم را از دست ایشان بیرون آوردم دیدم حالش خیلی خوب است چند روز در تهران ماندیم، به دکترها مراجعه کردم آزمایش و عکسبرداری گفتند پسر شما سالم است، چون قبلا دیده بودند گفتند این فقط معجزه بود که خداوند

از صاحب الزمان و مسجد مقدس جمکران ایشان را شفا داده.

توضیح اینکه آقای نوروزی هر هفته شب چهارشنبه به مسجد مقدس جمکران می آید.

پیرزن باصفایی در مسجد مقدس جمکران

در قدیم ساختمان مسجد مقدس جمکران در شهر مذهبی قم آنقدر وسعت نداشت که جمعیت زیادی در آن جمع شود، علاوه راه ماشینی خوبی هم نداشت که مردم به سهولت بتوانند به آنجا بروند، لذا مسجد مقدس جمکران تنها برای چند نفر عاشقان پر حرارت آن حضرت باقی می ماند که آنها به هر نحوی که ممکن بود شبهای جمعه خود را به آنجا می رسانند، ولی بقیه شبها مسجد خالی بود که طبعاً درش را خادم مسجد می بست و می رفت.

پیرزن با صفائی که شاید مکرر خدمت حضرت ولی عصر - ع - در خواب و بیداری رسیده بود، پس از آنکه مسجد مقدس جمکران را توسعه داده بودند شب جمعه ای به مسجد مقدس جمکران می رود و صدها و بلکه هزارها نفر را می بیند که در مسجد و اطرافها و حتی در فضای باز اطراف مسجد برای عبادت و توسل به آن حضرت جمع شده اند و همه نسبت به آن حضرت عرض ارادت می کنند. خودش می گفت: من وقتی این جمعیت را دیدم و با جمعیت قبل از توسعه مسجد مقایسه کردم خیلی خوشحال شدم که بحمدالله مردم اطراف مولایم حضرت حجه بن الحسن - ع - جمع شده اند و به آن حضرت اظهار علاقه می کنند، با این خوشحالی وارد مسجد شدم و اعمال مسجد را انجام دادم و سپس زیارت آل یاسین را خواندم و مقداری با زبان خودم با آن حضرت حرف زدم، ضمناً به آن وجود مقدس عرض کردم آقا خیلی خوشحالم که مردم زیاد به شما علاقه پیدا کرده اند و شبها جمعیت زیادی به دور مسجد جمع می شوند و به شما اظهار علاقه می کنند.

سپس از مسجد بیرون آمدم و غذای مختصری از همان غذاهایی که در مسجد به همه می دادند خوردم و به یکی از حجرات مسجد که قبلاً برای استراحت آن را آماده کرده بودم رفتم و خوابیدم، در عالم خواب و یا در عالم معنی دیدم حضرت بقیه الله - ع - به مسجد مقدس جمکران تشریف آورده اند و در میان مردم راه می روند ولی کسی به آن حضرت توجهی نمی کند، من از اطاقم بیرون دویدم و سلام کردم، آقا با کمال ملاحظت جواب فرمودند.

کلماتم را که در بیداری خدمتشان عرض کرده بودم تکرار کردم و گفتم آقا جان قربان خاک پای شما گردهم، خوشحالم که بحمدالله مردم به شما علاقه و محبت زیادی پیدا کرده اند و به اینجا این همه برای شما آمده اند.

آن حضرت آهی کشیدند و فرمودند: همه اینها برای من به اینجا نیامده اند. بیا با هم برویم از آنها سوال کنیم که چرا به اینجا آمده اند.

گفتم: قربانتان گردهم در خدمتان هستم.

در همان عالم در خدمت حضرت ولي عصر ارواحنا فداه به میان جمعیت آمدیم ، آن حضرت از یک یک مردم سوال مي فرمود شما چرا اینجا آمده اید؟  
يکي مي گفت : آقا مريضی دارم که اطباء جوابش گفته اند . ديگري مي گفت : مستاجر مملکت مي خواهم ، سومي مي گفت : مقروضم ، فشار طلبکار مرا به در خانه شما دوانده است . چهارمي از شوهرش مي ناليد و پنجمي از دست زنش شکایت داشت و بالاخره هر یک حاجتي داشتند که در واقع خودخواهي و حب نفس ، آنها را وادار کرده بود که به اینجا بيایند .

حضرت فرمودند: فلانی دیدي اینجا براي من به این جا نیامده اند، اینها تازه افراد خوب این جمعیت هستند که به من اعتقاد دارند و حاجتشان را از من مي خواهند و مرا واسطه فیض مي دانند و اگر از اینها بگذریم جمع زیادی هستند که تنها براي تفریح به اینجا آمده اند حتي بعضي از اینها یقین به وجود من ندارند. سپس در همان حال دیدم که یک نفر در قسمتي از این مسجد نشسته که او براي آقا ولي عصر-ع - آمده است ، حضرت فرمودند بیا تا احوال او را هم پرسیم .

در خدمت آقا در همان عالم خواب نزد سید معممی که فکر مي کنم از علماء بود رفتیم ، او زانوهایش را در بغل گرفته بود و در گوشه اي نشسته بود و چشمش به اطراف مي گردید، دنبال گمشده اش مي گشت ، وقتی چشمش به آقا افتاد از جا پرید و به دست و پای آقا افتاد و گفت : پدر و مادرم و جانم به قربانتان کجا بودي که به انتظارتان نزدیک بود قالب تهی کنم . حضرت دست او گرفتند و او به دست آن حضرت بوسه مي زد و گریه مي کرد .

آقا از او سوال کردند که شما چرا اینجا آمده اید، او چیزی نگفت و بر شدت گریه اش افزود، حضرت دوباره سوال را تکرار کردند، او گفت : آقا من کي از شما غير وصل شما را خواسته ام ؟ من شما را مي خواهم ؟ بهشتم شمايید، دنیا و آخرتم شمايید، من یک لحظه ملاقات شما را به ما سوي الله نمي دهم ، جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم . این متاعي است که هر بي سر و پايي دارد .  
آقا رو به من کردند و فرمودند : مثل این شخص که فقط براي من به اینجا آمده باشد چند نفري بیشتر نیستند که آنها به مقصد مي رسند .<sup>-۵۸-</sup>

اي برادران و خواهران عزيز، اي عاشقان امام زمان ، شما هم غسل کرده ، وضو گرفته با قلب پاک و نیت خالص فقط براي دیدار يوسف زهراء حضرت ولي عصر امام زمان -ع - به مسجد مقدس جمکران تشریف بیاورید تا اینکه مورد نظر و عنایت حضرت ولي عصر امام زمان -ع - قرار بگیریید، مانند هزاران نفر که در شبهاي چهارشنبه از تهران ، اصفهان ، کاشان ، شیراز، همدان ، مشهد، تبریز و دیگر استانها و شهرستانها، حتي از کشورهای خارج براي دیدار با امام زمان -ع - به این مکان مقدس ، مسجد مقدس جمکران قم مي آیند، خداوند متعال از همه قبول بفرماید و ما را از یاوران امام زمان -ع - قرار بدهد و دست خالي برنگرداند .

شش ماه در مسجد مقدس جمکران ماند تا امام زمان -ع- را ملاقات کرد  
سید عبدالرحیم خادم مسجد مقدس جمکران نقل می کند که در سال ۱۳۲۳ که مرض وبا شایع شده  
بود روزی به مسجد مقدس جمکران رفتم ، دیدم مرد غریبی در مسجد نشسته و حال توجه خوبی دارد،  
از او پرسیدم تو که هستی و چه می کنی ؟

گفت : اهل تهرانم واسم علی اکبر و کاسم ، چون به مردم نسیه می دادم و آنها دچار مرض وبا شدند  
و مردند تمام اموال من از بین رفت و من ناچار به مسجد مقدس جمکران آمده ام شاید حضرت حجه  
بن الحسن -ع- نظر لطفی به من بفرماید.

این شخص سه ماه در مسجد مقدس جمکران ماند و گرسنگی و عبادت صبر کرد، پس از این مدت  
یک روز به من گفت قدری کارم اصلاح شده ، می خواهم به کربلا بروم و پیاده به کربلا رفت ، پس  
از شش ماه برگشت و گفت : برایم معلوم شد که باید کارم در مسجد مقدس جمکران درست شود.  
باری ، این دفعه هم سه ماه ماند و مشغول عبادت و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام  
بود.

روز ششم ماه مبارک رمضان ۱۳۲۳ وقتی می خواست به طرف قم و تهران برود و می گفت حاجتم  
برآورده شده است من از او تقاضا کردم که شب را به منزل ما بیاید و فردای آن روز به تهران برود،  
قبول کرد.

شب که در منزل نشسته بودیم و من با اصرار از او تقاضا می کردم که قضیه خود را برای من بگوید،  
گفت چون تو مدتهاست به من محبت کرده ای و خادم مسجد جمکرانی ، تنها برای تو از این قضیه را  
نقل می کنم.

در مدتی که من در مسجد مقدس جمکران بودم که با یکی از اهالی ده جمکران قرار گذاشته بودم که  
هر روز یک نان برای من بیاورد و من پولش را یکجا به او بدهم ، یک روز به ده جمکران رفتم که نان  
بگیرم ، آن شخص به من گفت که دیگر به تو نان نمی دهم چون حسابت زیاد شده است.

مدتی من چیزی نداشتم که بخورم ، حتی یک روز از گرسنگی مقداری از این علفهایی که کنار جوی  
آب بیرون آمده بود خوردم ، کم کم مریض شدم ، شبی در یکی از حجرات مسجد مقدس جمکران  
احساس کردم که دیگر قدرت بر حرکت ندارم ، ولی نصفه های شب بود که از پنجره طرف -کوه دو  
برادران - دیدم نور عجیبی ساطع است و این نور به قدری وسیع بود که تمام آن کوه با عظمت را  
روشن نموده و این نور همچنان شدت کرد تا آنکه من ناگهان متوجه شدم که کسی پشت در حجره ام  
ایستاد و آن نور از اوست.

من هر طور بود برخاستم و در را باز کردم ، دیدم سیدی با عظمت و جلالت عجیبی وارد اطاق شد و  
سلام کرد، من جواب دادم و ابهت او مرا گرفت که نتوانستم چیزی بگویم ، ولی من متوجه شدم که او

حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است.

آن حضرت به من فرمودند چون تو متوسل به حضرت فاطمه زهرا شده ای جده ام حضرت صدیقه کبرا علیها السلام شفیعه شده اند نزد رسول اکرم -ص- و آن حضرت به من حواله فرموده اند که من حاجتت را بدهم و سپس فرمود هر چه زودتر حرکت کن و به وطنت برگرد که زن و بچه ات منتظرت می باشند و به آنها سخت می گذرد و در آنجا کارت اصلاح شده است.

گفتم: آقا خادم مسجد چشمش نابینا شده، اگر ممکن است او را شفا بدهید. فرمودند: نه، صلاح او در این است که او نابینا باشد، سپس به من فرمودند: بیا با هم به مسجد برویم و نماز بخوانیم.

گفتم: چشم قربانت گرم، و با آن حضرت حرکت کردیم و به طرف مسجد رفتیم، تا آنکه به لب چاهی که دم در مسجد است رسیدیم.

-البته آن زمانها چاهی دم در مسجد کنده بودند که مردم نامه های خود را در آن می ریختند.-  
شخصی از چاه بیرون آمد و حضرت به او کلماتی فرمودند که من نفهمیدم چه گفتند.

بعد شخصی از داخل مسجد بیرون آمد و ظرف آبی در دستش بود و آن را به آن حضرت داد، آقا با آن آب وضو گرفتند و بقیه آب را به من دادند و فرمودند تو هم با این آب وضو بگیر، من هم اطاعت کردم و با آن آب وضو گرفتم. سپس با آن حضرت داخل مسجد شدیم.  
ضمنا به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه عرض کردم شما چه وقت ظهور می کنید؟ آن حضرت با تغییر به من فرمودند تو را نمی رسد که از این سوالها بکنی.

گفتم: آقا من می خواهم از یاران شما باشم، فرمودند: هستی ولی تو را نمی رسد که از این گونه مطالب سوال کنی.

پس از این دو سوال ناگهان دیدم حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در مسجد تشریف ندارند و از نظرم غائب شدند، ولی صدای آن حضرت را می شنیدم که می فرمودند اهل و عیالت منتظرت می باشند، زود برو، ضمنا او می گفت زن من علویه است. -۵۹-

حقیر عرض می کنم برادر و خواهر گرانقدر تو که عاشق دیدار یگانه منجی عالم بشریت بقیه الله الاعظم امام زمان ارواحنا فداه هستی پس باید رنج و زحمت بیشتر بکشید که به قول شاعر:

نابرده رنج گنج میسر نمی شود

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

از چند بار مسجد مقدس جمکران قم آمدن خسته نشوید، از این مرد خدا یاد بگیریم شش ماه در مسجد جمکران می ماند با آن وضع عجیب، آخر محضر مبارک امام زمان در مسجد مقدس جمکران

می رسد و مشکلات خود را با دست مبارک آقا حل می کند.

شفای مفلوج ، سفارش به دعای فرج

یکی از خدمه جمکران می گوید: یک روز قبل از عاشورای حسینی در مسجد جمکران در حال قدم زدن بودم ، مسجد خلوت بود. ناگهان متوجه مردی شدم که بسیار هیجان زده بود و خدام مسجد که می رسید آنها را می بوسید و بغل می کرد، جلو رفتم بینم جریان چیست ؟ آن مرد مرا هم در آغوش کشید و بوسید و اشک می ریخت . از او جریان را پرسیدم . گفت:

چند وقت قبل ، با اتومبیل تصادف کردم و فلج شدم ، پاهایم از کار افتاد، هر شب متوسل به خدا و ائمه معصومین -ع - می شدم . امروز همراه خانواده ام به مسجد مقدس جمکران آمدم . از ظهر به بعد حال خوشی داشتم . متوسل به آقا شدم و از ایشان تقاضای شفای خود را می کردم . نیم ساعت قبل ناگهان دیدم مسجد نور عجیب و بوی خوشی دارد، به اطراف نگاه کردم ، دیدم مولا امیرمؤمنین و امام حسین و قمر بنی هاشم و امام زمان -علیهم السلام - در مسجد حضور دارند، با دیدن آنها دست و پای خود را گم کردم ، نمی دانستم چه کنم که ناگهان آقا امام زمان -ع - به طرف من نگاه کردند و لطف ایشان شامل حال من شد.

به من فرمودند: شما خوب شدید، بروید به دیگران بگوئید برای ظهورم دعا کنند، که ظهور انشاء الله نزدیک است . و باز فرمودند: امشب عزاداری خوب و مفصلی در این مکان برقرار می شود که ما در اینجا می باشیم.

خدام می گوید: مرد شفا یافته یک انگشتری طلا به دفتر هدایا داد و خوشحال رفت . مسجد خلوت بود، آخر شب هیئتی از تبریز به جمکران آمد و به عزاداری و نوحه خوانی پرداختند و مجلس بسیار با حال و انقلاب و سوزناک بود، در اینجا من به یاد حرف آن برادر افتادم .<sup>۶۰-</sup>

عنایت فرزند

آقای امیری می گوید: شانزده سال بود که ازدواج کرده بودم ولی صاحب فرزند نمی شدم ، متوسل به همه دکترها، داروها و پزشکان جسمی شده بودم ، اما نتیجه نگرفته بودم ، همه اطباء بر این عقیده بودند که زن و شوهر سلامتیم ، ولی علت بچه دار نشدن ما را نمی دانستند. چند سال پیش متوسل به آقا امام رضا-ع - شدم و به پابوس حضرت شتافتم . حضرت فرزندی به ما عنایت کرد، ولی فرزندم زنده نماند. خلاصه از همه جا ناامید شده بودم ، زندگیم داشت متلاشی می شد، روزی یکی از رفقا به من گفت : کمتر به دکتر مراجعه کن ، خدمت آقا امام زمان -ع - برو و از حضرت خواسته ات را طلب کن . به مسجد مقدس جمکران مشرف شدم ، و پس از خواندن نماز با قلب شکسته متوسل به آقا شدم ، و ایشان واسطه فیض شدند و خداوند فرزند پسری به من عنایت نمود که الحمدلله سالم و حالش خوب است و خوشحالم که زندگیم از هم متلاشی نشد .<sup>۶۱-</sup>

## حل مشکل ازدواج

جوان می گوید: مدت سه سال بود که قصد ازدواج داشتم، اما همسر مورد دلخواهم را پیدا نمی کردم. از این موضوع پیش دوستانم خجالت می کشیدم، و احساس ناراحتی می کردم. تا اینکه روزی یکی از رفقایم از حالم با اطلاع شد، این دوستم سالیان درازی است که به جمکران مشرف می شد، به من پیشنهاد کرد که برای حل مشکلم به مشهد خدمت آقا امام رضا-ع- بروم. زیرا خود ایشان هم مثل من بوده و چون مشرف به مشهد می شوند آقا امام رضا-ع- مشکل ایشان را حل می کنند. من به ایشان عرض کردم: درست است که آقا امام هشتم حلال مشکلات است، بسیار کریم و بزرگوار است، امام عصر، عصر امام زمان-ع- است و بنده از نوکران ایشان هستم، اگر بنا باشد عنایتی شود از ایشان توقع دارم که گره از کارم بگشاید. از دوستم جدا شدم، ولی مدتها این فکر از من جدا نمی شد، تا اینکه یکی از شبها خوابیده بودم، اما خواب نبودم، گوئی کسی به من گفت: اگر حاجت داری بلند شو به مسجد جمکران برو، بلافاصله از جا بلند شدم و بدون آنکه به کسی حرفی بزنم به مسجد مشرف شدم، نماز خواندم، همانجا احساس کردم کارم حل شده، اضطرابم بر طرف شده است. مدتی نگذشت، همسر موردنظر را انتخاب کردم و ازدواج کردیم و اولین فرزندمان که پسر بود روز نیمه شعبان مصادف با ولادت حضرت مهدی-عج- دنیا آمد. گوئی نشانه ای بود از اینکه متوجه باشیم که این الطاف از جانب حضرت مهدی-ع- به ما شده است. -۶۲-

## شفای مجروح و معلول جنگ

جوان می گوید: ۸ سال پیش در جبهه حاج عمران مورد حمله هوایی عراق قرار گرفتم و از کلیه بدن فلج شدم. در این مدت توانایی حرکت کردن نداشتم. شیعی مادرم به منزل من آمد و زخم زبانی به من زد که دلم را شکست. من متوسل شدم به آقا امام زمان-ع- شدم و گفتم: یا امام زمان-ع- یا مرگ مرا برسان و یا شفا را از خداوند بخواه. به خواب رفتم، در خواب آقا را دیدم، فرمود: من مسجیدی به دست خود بنا کرده ام، بیا آنجا متوسل شو. -مسجد جمکران مورد نظر آقا بوده است. - صبح که از خواب برخاستم، عقیده ام برگشت. گفتم باشد، سال آینده به جمکران می روم، بعد به عیادت بیماری در بیمارستان رفتم. شب ساعت ۱۲ که به منزل رسیدم دیدم منزل و کلیه اثاثیه ام در آتش سوخته است. بسیار دل شکسته و پریشان شدم. صبح از یکی از دوستانم مبلغی قرض گرفتم و همان روز حرکت کردم و به جمکران آمدم. مدت ۳۹ روز در مسجد جمکران بودم و خدمت آقا را کردم، تا اینکه شب چهارشنبه ۱۹

ماه مبارك رمضان بود، شب در حين خدمت ديدم خيلي خسته ام و خوابم مي آيد، رفتم داخل يكي از كفشداريها خوابيدم . حدود ساعت ۱ نيمه شب در خواب ديدم وارد در حياط مسجد جمكران اشغال جمع مي كنم يك مرتبه آقائي جلو آمد و فرمود: آقا سيد داري نظافت مي كني؟ بيا برويم داخل مسجد كمی حرف بزيم ، با آقا داخل مسجد رفتم ، ديدم ۴ نفر ديگر هم آنجا هستند، نزديك آنها نشستم و آقا فرمودند: آقا سيد مثل اينكه كسالتي داري؟ گفتم: بله آقا جبهه مجروح شدم ، آقا با دست مبارك بر سرم كشيد و فرمود: انشاءالله خوب مي شوي ، دستي به كمر و پايم كشيد، در عالم خواب بسيار راحت شدم ، ديدم حضرت علي -ع- با فرق خونين ، حضرت محمد -ص- و حضرت زهرا -س- با پهلوي شكسته و حضرت معصومه -س- در حال گريه كردن بود. از آقا جريان را پرسيدم ، امام زمان -ع- فرمود: حضرت معصومه -س- شكایت دارند كه به حرم ايشان بي احترامی مي كنند. سپس امام يك دانه خرما و قدری آب به من دادند و فرمودند: بخور كه فردا مي خواهی روزه بگيري ، از خواب بيدار شدم ، ديدم از تركشها خبري نيست و خيلي حالم خوب است و راحت شدم . -۶۳-

زندگي كردن دختر مرده

اهل عربستان سعودي است ، در مسجد مقدس جمكران مي گوید: ما اهل تسنن بوديم ، اهل تسنن اسم فاطمه و زينب را براي بچه ها خود نمي دانند و عقیده دارند هر بچه اي كه به اين نام باشد به زودي مي ميرد.

اما من همسري داشتم كه فاطمه نام داشت و در اولين زايمان نيز دختری به دنيا آورد. فاميل من اسم - حفصه - براي دخترم انتخاب كردند، ولي من زير بار نرفتم و اسم فرزندم را نيز فاطمه گذاشتم . بعد از سه سال فاطمه مريض شد، دخترم را خدمت قبر رسول اكرم -ص- بردم و از ايشان شفا خواستم ، الحمدلله شفا دادند، بعد از بازگشتن از نزد قبر حضرت رسول -ص- دخترم خوابيد، خوابش طولاني شد، هر چه صدايش كرديم بيدار نشد، او را دكتر برديم ، دكتر گفت : بچه مرده است . به دكتر ديگر مراجعه كرديم او هم همان را گفت .

دخترم را با اشك و آه همسرم و ساير فاميل به غسلخانه جهت شستشو برديم . بعد از چند دقيقه ديدم دخترم حركت مي كند و از من آب خواست ، براي آب آوردم ، خورد، دخترم را بغل كردم ، دخترم گفت : بابا، خواب بودم ، در عالم خواب ديدم مردی پيش من ايستاده و دو ركعت نماز خواند، بعد از نماز دست مبارك را بر سر من ماليد و گفت : بلند شو، شما زنده مي مانيد، و فعلا نمي ميريد، من يك وصيت مي كنم به بابايت بگو شيعه شويد و مذهب سني را ترك كنيد و اين مسئله باعث شيعه شدن من شد. -۶۴- سپس براي تشكر و قدرداني از آقا عازم ايران و مسجد مقدس جمكران شدم.

شفای ضایعه نخاع كمر

یکی از برادران قریه جمکران می گوید: سالها پیش که به جمکران مشرف می شدم از حاجی خلیل قهوه چي که آن زمان خادم مسجد جمکران بودند شنیده بودم که فردی به نام حسین آقا مهندس برنامه و بودجه با هدایت آقای حاجی خلیج قزوینی به جمکران مشرف شده و شفا گرفته است. سالها درصدد بودم که از نزدیک حاجی خلیج قزوینی را دیده و جریان شفای آن مهندس که ضایعه نخاع کمر داشته و شفا گرفته را بپرسم. تا اینکه به عنوان معلم به قریه جمکران آمدم و ظهرها برای نماز خواندن به مسجد می رفتم، یکی از روزها شنیدم که حاجی خلیج به مسجد تشریف آورده اند، خدمت رسیدم و از ایشان خواستم که جریان را تعریف کنند.

ایشان گفتند: روزی از قهوه خانه حاجی خلیل در جمکران بشته بودم، قبلا شنیده بودم که شخصی به نام حسین آقا از ناحیه نخاع دچار ضایعه شده و برای معالجه حتی به خارج هم مراجعه نموده ولی همه ایشان را جواب کرده بودند و بهبودی حاصل نشده بود، آن روز او را دیدم و از او خواستم که چند روزی با هم باشیم و به جمکران مشرف شویم.

حسین آقا گفت: فایده ای ندارد، من به بهترین دکترها مراجعه کرده ام، جواب نشنیده ام. اما من اصرار زیاد کردم، پذیرفت.

مدت چهل روز با هم بودیم و به مسجد مقدس جمکران مشرف می شدیم، روز چهارم من به حسین آقا گفتم: مواظب باش، امروز روز چهارم است، با حسین آقا به صحرا رفتیم، مدتی قدم زدیم و به مسجد برگشتیم. داخل مسجد من به حسین آقا گفتم: خسته ام، می روم اطاق بغل مسجد بخوابم. حسین آقا هم گفت: من میروم نماز بخوانم.

مدتی در اتاق خوابیدم، ناگهان سر و صدای زیادی در مسجد پیچید، و من از خواب بیدار شدم، بیرون آمدم، دیدم حسین آقا که قبلا کمرش ناراحت بود سنگ بزرگی از لب چاه برداشت و پرتاب کرد و هیچ دردی از ناحیه کمر احساس نکرد. به او گفتم: چه شده؟ گفت: در مسجد مشغول نماز امام زمان ع- بوم، وقتی که تمام شد، نشستم، آقای سیدی را پهلوی خود احساس کردم، ایشان فرمود: حسین آقا اینجا چکار داری؟ گفتم: کمرم درد می کند. ایشان دست خود را به پشت من کشید و فرمود: دردی در پشت تو نیست.

سپس فرمود: نماز امام زمان ع- را خواندی، صلوات هم فرستادی؟ گفتم: خیر.

گفت: بفرست. من پیشانی به مهر گذاشتم و شروع به صلوات فرستادن کردم، ناگهان به فکرم رسید که ایشان مرا از کجا می شناخت و ناراحتیم را می دانست، بلند شدم، دیدم هیچ ناراحتی ندارم. حل مشکل خانوادگی

برادری روحانی می گوید: سالها دور از همسر در شهرستانها مشغول تبلیغ و تدریس بودم. موجود

شدم که همسر دیگری در محل تبلیغ اختیار کنم و ماهیانه دو الی سه بار به قم دیدن همسر می آمدم و بقیه اوقات در بیرون از قم بودم.

همسر که در قم بود گفت: من متوسل به امام زمان -ع- می شوم و هر هفته شبهای چهارشنبه جمکران می روم و نماز می خوانم و حاجتم این است که تو به قم بیایی و در قم ماندگار شوی، ولی خودم فکر نمی کردم بتوانم به قم برگردم.

ولی سرانجام آن خانم دوم حقیر به رحمت خدا رفت و چهلمین هفته ای که همسر برای نماز به مسجد می آمد طوری شد که حقیر با خوبی و درستی از همه جا منصرف شدم و از تدریس دانشگاه و امامت جمعه موقت و خیلی مزایای دیگر که داشتم استعفا کردم و قصد رفتن به شهر دیگری داشتم که باز منصرف شدم و اکنون مدتی است که با دلگرمی و علاقه فراوان در قم زندگی می کنم و خودم هم طبق روال سابق که هر هفته جمکران می آمدم الحمدلله موفق هستم و کرامات فراوانی می بینم، و امیدوارم که تا آخر عمر بتوانم با دلگرمی در قم باشم. -۶۵-

شفای ناراحتی کلیه مادرزاد

مادری با فرزندش به واحد فرهنگی مسجد مقدس جمکران مراجعه نمودند و اظهار داشتند: فرزندم مدتهای زیادی ناراحتی کلیه داشت، او را دکتر بردم و دکتر بعد از معاینه اظهار داشت که کلیه فرزندم بطور مادرزاد کار نمی کند و پوسیده است.

سونوگرافی کردند و گفتند: کلیه باید قطع شود. عکس رنگی گرفتم، او را به بیمارستان لبافی نژاد بردم، کمیسیون پزشکی تشکیل شد و همه نظر دادند که باید عمل شود.

ماه رمضان بود، شبی در خواب دیدم که قرار است فرزند مریضم را به اتاق عمل ببرند، من به آقای دکتر می گویم که آقای دکتر این بچه من خوب می شود، دکتر در پاسخ گفت: خانم دست آقا امام زمان -ع- است، از خواب بیدار شدم.

وقتی دوباره به دکتر مراجعه کردم قرار شد یکبار دیگر سونوگرافی بگیرند و آزمایشات لازم انجام شده و بچه را به اتاق عمل ببرند. همان روز مطلع شدم هیئتی از نازی آباد تهران به مسجد مقدس جمکران می آید. گفتم: بگذار قبل از سونوگرافی و آزمایش بر اساس خوابی که دیده ام او را به جمکران ببرم. همراه هیئت به جمکران آمدم و فردا صبح از راه به مرکز سونوگرافی رفتم، به آقا امام زمان -ع- عرض کردم من از مسجد مقدس جمکران می آیم، مرا ناامید نکنید.

وقتی سونوگرافی انجام شد به من گفتند: این بچه هیچ ناراحتی ندارد. به دکتر مراجعه کردم، عکسهای رنگی و سونوگرافی های قبل را با سونوگرافی جدید مقایسه کرده و گفت: دیگر هیچ عیب و ناراحتی در کلیه بچه موجود نیست و بچه از دعای امام زمان -ع- شفا گرفته است. -۶۶-

شفای بیمار قلبی مادرزاد

پسر بچه ای به نام علی زینی می گوید: من ناراحتی قلب مادرزاد داشتم ، در تهران به پزشکان زیادی برای مداوا مراجعه کردم ، از جمله دکتر طباطبائی و ایشان اظهار داشتند قلب باید عمل شود تا سن ۶ سالگی نرسد عمل نمی شود، و اگر عمل هم شود ۵۰ احتمال خوب شدن دارد.

یکی از اقوام ما هر چهارشنبه به قصد جمکران از تهران مردم را با هیئت و کاروان می آوردند. آن روز پدر من هم در ماموریت و سفر بود و به بیرجند مسافرت کرده بود، این برادر راننده مرا با هیئت به جمکران آورد. من قادر به راه رفتن نبودم . لذا مرا بغل کرد و داخل مسجد بود و نشانی محل خود را به من گفت و رفت .

من در مسجد دراز کشیدم ، قدری دعا و تضرع و توسل به خداوند نمودم و در اثر خستگی خوابم برد، در خواب آقا امام زمان -ع- را دیدم که با لباس سبز و عمامه سبز و چهره نورانی نزدیک من آمدند و فرمودند: بلند شوید، شفا یافتید، و سپس به سر و سینه ام دستی کشیدند و باز فرمودند: بلند شوید.

از خواب بیدار شدم ، و دیدم حالم خوب است . من که اصلا قادر به راه رفتن نبودم ، دویدم که محل راننده را پیدا کنم . خودم را به بغل ایشان انداختم و او را بغل کردم . پدرم هم در بیرجند شب چهارشنبه در خواب می بیند که من شفا گرفته ام ، فوری به تهران آمده و بعد خود را به جمکران رساندند و با هم به تهران برگشتیم . -۶۷-

شفای ناراحتی اعصاب و روان

برادر دانشجویی می گوید: حدود سه سال بود که سر درد عجیبی داشتم ، ابتدا درد از ناحیه گیجگاه شروع شده و سپس تمام سرم به شدت درد می گرفت و به تدریج سر و پیشانی و چشمها و حتی دلم درد می گرفت.

شب و روز آسایش نداشتم ، مدتی بعد از شروع سر درد حالت شوک به من دست داد و حافظه ام را از دست داده بودم . اصلا خواب نداشتم ، و از همه چیز ترس و وحشت داشتم .

در رشت به دکتر اشتري مراجعه کردم ، تشخیص داد که روانی شده ام ، و جواب رد به من داد، چون دانشجو بودم سه ترم مرخصی گرفتم و در این سه سال ۷ مرتبه به مشهد زیارت امام رضا-ع- شرفیاب شدم ، به تمام ائمه و امامزاده ها متوسل شدم ، تا اینکه روزی کتابهای در محضر استاد و پرواز روح آقای ابطحي را دست یکی از دوستانم دیدم ، کتابها را گرفته و با مطالعه آنها با مسجد مقدس جمکران آشنا شدم ، دوستم نیز در این باره با من صحبت هایی داشت .

تصمیم گرفتم به جمکران بیایم . ابتدا قم به زیارت حضرت معصومه -س- رفتم و آدرس جمکران را پرسیده و به مسجد آمدم ، بعد از توسل به حضرت به رشت برگشتیم ، مشاهده کردم حالم مقداری طبیعی شده است ، بعد از دو سه هفته مجدداً به جمکران آمدم ، مشغول دعا و نماز شدم و قدری خوابیدم . ساعت ۱۲ بیدار شدم ، مجدداً وضو کردم و به مسجد رفتم ، خوابیدم ، در خواب سید بلند

قدی دیدم ، چند نفر همراه ایشان لخت شده و عزاداری می کردند، درباره حضرت مهدی -عج - شعر می خواندند، موقعی که سید به من رسید من تعظیم کرده و سلام کردم . سید نگاهی به من کرد و سرش را تکان داد که بعد از مدتی من از خواب بیدار شدم و در خود احساس ترس کردم .

الان بحمدالله تمام آن حالات از بین رفته و فقط کمی درد خیلی خفیف در گیجگاهم باقی مانده است

-۶۸-

#### مشکل خرید خانه

جوان می گوید: منزلی خریدم ، اما می دانستم که برای ادای تمام پول خانه توانا نیستم ، و خداوند باید به کمک بشتابد، شب چهارشنبه که به جمکران مشرف شدم بعد از تحیت دعا کردم و گفتم : آقا ما را ببخشید که برای خواسته های حقیر نزد شما می آئیم . و الا باید خواسته ما فقط سلامت و ظهور و تعجیل در فرج شما باشد و از خدا بخواهیم که به ما توان پیروی از شما را عنایت کند. ولی از آنجا که شما سرچشمه فیض هستید و من جای دیگری را نمی شناسم می خواهم که در این ادای قرض خانه مرا کمک کنید.

بعد از این دعا برای تجدید وضو به وضوخانه قدیمی رفتم . سیدی از سادات شریف قم را که قبلا می شناختم دیدم ، ایشان بعد از احوالپرسی گفتند: شنیده ام می خواهی خانه بخری ؟ گفتم : بله ، گفت : برای من هم صد هزار تومان در نظر بگیر . سپس چکی به بنده دادند، روز موعود به بانک رفتم ولی چیزی در حساب نبود، کمی نگران شدم ، خواستم از بانک خارج شوم که جوانی رسید و گفت : چک شما مال چه کسی است ؟ نام سید را گفتم ، ایشان صد هزار تومان به من داد و گفت این پول مال همین حساب است .

بدین ترتیب مشکل من در خرید خانه به لطف آقا امام زمان -عج - برطرف شد . -۶۹-

#### شفای سرطانی

پیرمرد می گوید: بیماری من از یک سرماخوردگی ساده شروع شد و در عرض ۲۵ روز به قدری حالم بد شد که در بیمارستان شهید مصطفی خمینی بستری شدم . قادر به غذا خوردن نبودم و پزشکان به وسیله سرم و دارو مرا زنده نگهداشته بودند .

روزی در بیمارستان یکی از فامیلها به عیادت آمد و بعد از آن که رفت دیدم سیدی بزرگوار وارد اتاق شد. اتاق ما سه تخته بود. آقا روبروی تختم ایستادند و فرمودند: چرا خوابیده ای ؟ گفتم : بیمارم ، قبلا مریض نبوده ام ، مدت کمی است اینطوری شده ام .

آقا فرمودند: فردا بیا جمکران . صبح دکتر آمد معاینه کند و درجه بگذارد گفتم : نمی خواهم ، گفت : مسئولیت دارد، گفتم : خودم مسئول آن هستم ، اگر بمیرم مسئول خودم می باشم ، من خوب شده ام ، امام زمان -ع - مرا شفا داده اند، دکتر خندید و گفت : امام زمان در چاه است ، -البته او قصد بدی

نداشت ، جهت شوخي اين حرف را گفتم - پرستار خواست سرم وصل کند نگذاشتم ، وقتي بچه هايم بدیدند آمدند گفتم مرا حمام ببريد تا آماده شوم به جمکران مشرف کردم . به حمام رفتم ، قرباني تهیه کردم و با اینکه مدتي بود که ميل به غذا نداشتم و مثل اینکه يك تکه سنگ در شکم داشتم باشم اشتهايم خوب شده بود و سنگ از بين رفته بود، البته در غذا خوردن هنوز کمی مشکل دارم ، که امیدوارم امام زمان -ع- اين را هم شفا دهد. سپس به جمکران مشرف شدم ، بين راه مرتب توي سرم مي زدم و آقا امام زمان -ع- را صدا مي کردم ، و از الطاف او سپاسگزاري مي کردم .<sup>-۷۰-</sup>

شفای پیوند انگشتان

يکي از خدمه جمکران به نام آقاي عبدالله فيروزجان احمدي مي گوید: شخصي انگشتان او را زير دستگاه قطع مي شود، همانجا نيت مي کند که اگر انگشتان او وصل شود و پیوند بگیرد اولين چيزي که ساخت براي حضرت مهدي -ع- به جمکران بياورد، اکنون انگشتان او پیوند خورده و خوب شده ، و با همان انگشتان کار مي کند و با دست خود گلداني برنجي ساخته و به عنوان هديه به مسجد مقدس جمکران تحويل دفتر هدايا و نذورات مي کنند .<sup>-۷۱-</sup>

اين چند مورد از عنايات حضرت بقيه الله - ارواحنا فداه - که در دفتر ثبت کرامتهاي مسجد مقدس جمکران ثبت شده به دستور حجج اسلام آقاي فاضلي ، لاجوردي ، فيروزي و خالصي زاده ، توسط آقاي سيد ابوالقاسم محمودي در اختيار اينجانب قرار گرفته ، که بدین وسيله از مساعي جليله اين عزيزان صميمانه سپاسگزاري مي شود.

از همکاري سروران معظم ، مخصوصا امانء بزرگوار مسجد صاحب الزمان -ع- و آيت الله سيد علي اکبر موسوي ، کمال تشکر و قدرداني مي شود و دستخط آقاين محترم در واحد فرهنگي کتابخانه عمومي حضرت ابوالفضل -ع- موجود است.

خانه را از امام زمان -ع- مي گيرم

آقاي حاج محمد آقاجاني فرمودند:

شخصي به نام حاج انگشت باف معمار، تقريبا در سال ۱۳۵۰ شمسي که در تهران ساکن مي باشد در اثر عمل بساز و بفروش ملک ، وضع مالي نامبرده بسيار خراب و به ورشکستگي انجاميد. لذا نامبرده هر شب جمعه از تهران به مسجد مقدس جمکران جهت توسل به ولي عصر-ع- امام زمان مي آمد، چون شوهر همشيره ما بود به منزل ما مي آمد، يك شب جمعه مي بيند که بعضي از حيوانها وارد حياط مسجد مي شوند، تصميم مي گيرد که با کمک مردم ديواري جهت حياط مسجد مقدس جمکران بکشد، لذا با توکل به خدا و امداد از حضرت بقيه الله الاعظم پس از يکسال و اندي ديوارکشي تمام شد.

شبي حاج حسن رو به من گفتم : ديوار مسجد را تمام کردم ، من به او گفتم : مي خواستي از حضرت

یک خانه به تو بدهد، ایشان فرمودند: توجهی نداشتم، امشب مشرف می شوم، خانه را از امام زمان -ع- می گیرم، انشاء الله تا اینکه خانه ام مجانی باشد، و پول محضر هم ندارم.

هفته بعد آمد منزل ما، گفت: خانه را از امام زمان -ع- گرفتم و پول محضر آن را هم فروشنده داد، پول خانه را هم بابت سود احتمالی یک تقسیم بندی زمین مجانا واگذار نموده، خانه مذکور در خیابان ناصریه تهران موجود است، سه طبقه است، بسیار خانه خوب، دارای شش اطاق و دو مغازه و زیرزمین.

اینجانب شاهد و ناظر مراتب نامبرده می باشم و در آن خانه متجاوز از سی مرتبه رفت و آمد داشته ام، چون شنیدم حضرت تعالی کتابی جامع و پرارزش از کرامات و معجزات مسجد مقدس جمکران که به دستور حضرت ولی عصر امام زمان -ع- که بیش از یک هزار سال بنا گردیده، در دست تالیف دارید خواستم من هم به اندازه قطره ای بهره مند شوم.

توضیح اینکه آقای حاج محمد آقاجانی مرد خیر و نیکوکاری است و کمکهای زیادی در راه خدا و ائمه معصومین علیهم السلام به فقرا و مستمندان نموده است، من باب نمونه مسجدی بسیار مجلل در خیابان چهارمردان، نرسیده به گلزار شهدا علی بن جعفر علیه السلام بنا نموده، هر کسی مناره آن مسجد را ببیند به یاد مدینه منوره می افتد.

در سال ۷۲ بود که معظم له از مکه تشریف آورده بودند، و حقیر به دیدنشان مشرف شدم، در خدمت سرور معظم آقای حاج حسن آقاجانی که صحبت از جمکران شد در همین منزل تصمیم گرفتم کتابی در فضیلت مسجد مقدس جمکران تالیف نمایم، الحمدلله از توجیحات امام زمان -ع- خداوند این توفیق را به حقیر کرامت فرمود.

نذر به مسجد مقدس جمکران

آقای حاج سید جواد تحویلدار که ۶۰ سال خدمتگزار مسجد مقدس جمکران بودند، ایشان خاطرات زیادی از این مسجد مقدس جمکران دارند.

از جمله جریان دزدهای فرش مسجد که بعد از مدتی فرشها پیدا شد و جریان آب انبار که توسط آقای حاج حسن لمسه چپی تبریزی ساخته شد،<sup>۷۲-</sup> آقای حاج حسن فرزند نداشت، نذر می کند که اگر

خداوند بچه ای به ایشان عنایت کند یک آب انبار در مسجد مقدس جمکران بسازد. از توجیحات

حضرت ولی عصر امام زمان -ع- و برکات مسجد مقدس جمکران خداوند به ایشان اولاد عنایت می کند، معظم له از تبریز می آیند در مسجد جمکران، جهت ساختن آب انبار، چون دو متر خاکبرداری می کنند می بینند آب انبار ساخته شده و شیر آب هم دارد، پیدا می شود، حالا چند سال پیش ساخته شده بود، خدا می داند.

مسجد جمکران نیایشگاه فقهای اسلام

آقاي حاج سيد جواد تحويلدار خاطرات بسيار جالب از مراجع عاليقدر که در آن زمان پياده با چه زحمتي مسجد مقدس جمکران مي رفتند و هفته ها در آن مسجد بيتوته مي کردند براي ما تعريف مي کرد، از جمله مرحوم آيه الله العظمي آقاي حائري موسس حوزه علميه قم ، مرحوم آيه الله العظمي آقاي صدر، مرحوم آيه الله العظمي آقاي سيد محمد تقی خوانساري پياده مي آمدند و مي فرمودند هر چه دارم از امام زمان و مسجد مقدس جمکران است . مرحوم آيه الله العظمي آقاي بروجردي که حدود يكساعت مي کشيد تا نماز امام زمان عليه السلام را بخواند، چه حالي داشتند. مرحوم آيه الله العظمي آقاي سيد احمد زنجاني ، مرحوم آيه الله العظمي آقاي فيض ، مرحوم آيه الله العظمي آقاي داماد، مرحوم آيه الله العظمي آقاي حجت کوه کمری زياد مي آمدند و گاهي ده روز مي ماندند و مشغول راز و نیاز بودند. مرحوم آيه الله العظمي آقاي سيد احمد خوانساري آن زمان که در قم مسجد مسگرها -بازار- امام جماعت بود.

مرحوم آيه الله العظمي حضرت امام خميني ، مرحوم آيه الله العظمي شيخ الفقهاء و المجتهدين آقاي اراکي ، مرحوم آيه الله العظمي آقاي نجفي مرعشي که چهل شب در مسجد مقدس جمکران بيتوته مي کردند. مرحوم آيه الله العظمي آقاي گلپايگاني پياده مي آمدند. مرحوم آيه الله العظمي آقاي هاشم آملی ، مرحوم آيه الله آقاي شيخ محمد تقی يزدي بافقي که عاشق امام زمان و مسجد مقدس جمکران بودند، مرحوم آيه الله آقاي حاج ميرزا جواد آقا تبريزي که علاقه بسيار داشتند، مرحوم آيت الله علامه طباطبائي ، مرحوم آيه الله حاج آقا مصطفي خميني ، خيلي زياد مي آمدند و گاهي يکي دو روز در مسجد جمکران مي ماندند. مرحوم آيه الله سيد ابوالقاسم روحاني ، مرحوم آيت الله زاهدي ، آيت الله کبير، مرحوم آيت الله علامه اميني ، صاحب الغدير، حتي ايشان نامه از نجف به برادرش نوشته که جمکران را ترک نکنيد.

زبان حال همه شيفتگان امام زمان -ع- در مسجد مقدس جمکران يا اباصالح المهدي ، اي امام منتظران ، اي اميد نااميدان ، اي نوای بينوايان ، اي دواي دردمندان ، اي پناه مستمندان ، اي باب یتيمان ، اي فروغ بي پايان ، اي محبوب عارفان ، اي معشوق عاشقان ، اي منتقم خون شهيدان ، اي شفای مجروحان ، اي زمزمه کروييان ، اي يوسف کنعانيان ، اي امام زمان ، اي بقیه الله ، جهان به اميد اينکه اين ناله هاي جانسوز فراق مقبول درگاه تو افتد و تشنگان دیدارت را از شرب ظهور وصال جرعه اي بنوشاني .

بينوايم ، نوای من مهديست

دردمندم ، دواي من ، مهديست

من غريم در اين زمان ، ولي

مونس و آشنای من ، مهدیست  
گر چه از داغ هجر می سوزم  
راضیم ، چون شفای من مهدیست  
گه به یادش ز خواب برخیزم  
نیمه شب دعای من ، مهدیست  
من نخواهم بهشت ، بی مهدی -ع -  
جنت باصفای من ، مهدیست  
در دم مرگ با ولایت او  
آخرین حرف نای من ، مهدیست  
چون قیامت ز خاک برخیزم  
اندر آنجا ندای من ، مهدیست  
آن که در روز محشر می بخشد  
از عنایت خطای من ، مهدیست

از توجهات امام زمان -ع - استخوان سیاه سفید می شود  
آقای حاج احمد موسی الرضا فرمودند: شخصی به نام آقا مجتبی پای ایشان سیاه شده بود، به دکتر  
پروفسور عدل مراجعه می کند، بعد از عکسبرداری و آزمایش دکتر دستور می دهد که باید عمل شود  
و پای ایشان قطع گردد، پدر آقا مجتبی از دکتر تقاضا می کند که یک روز مهلت بدهید تا من  
کارهایم را انجام دهم ، از بیمارستان به طرف مسجد مقدس جمکران حرکت می کند، وارد شهر قم و  
مسجد مقدس جمکران می شود، نماز تحیت مسجد و نماز صاحب الزمان را می خواند، دست به دعا  
بر می دارد و برای شفای فرزندشان دعا می کند و از امام زمان -ع - می خواهد که به حق فاطمه زهرا-  
س - عنایتی فرماید تا پای جوانش قطع نشود، بعد از دعا و راز و نیاز به درگاه خداوند احدیت از  
مسجد مقدس جمکران به طرف تهران حرکت می کند، وقتی وارد بیمارستان می شود فرزندش می  
گوید: بابا کجا بودی از دیروز. می گوید: پسرم رفته بودم مسجد مقدس جمکران -صاحب الزمان -  
برای شفای شما دعا کنم ، تا اینکه دکتر بالای سر مریض می آید، دستور می دهد مجتبی را به اطاق  
عمل ببرند، پدر مجتبی می گوید: آقای دکتر خواهش می کنم یک عکس دیگر از پای ایشان بردارید،  
بعدا عمل کنید .دکتر قبول می کند، وقتی عکس را می آورند دکتر نگاه می کند با تعجب می گوید:  
چه کردی که استخوان سیاه را سفید نمودی ، در حالی که پدر مجتبی گریه می کرد گفت : بخدا قسم

هر چه هست از ناحیه صاحب الزمان و مسجد مقدس جمکران است.

هر چه دارم از امام زمان -ع- و مسجد مقدس جمکران است

آقای حاج احمد موسی الرضا فرمودند: در دوران جوانی که وضع مالی ما خیلی خوب بود هم از طرف خانواده همسرم و هم از طرف پدرم بعد از مدتی سرمایه ما رو به تنزل گذاشت، بطوری که قابل تحمل نبود، هر دری زدم چاره ای نشد، عاقبت پناه به مسجد مقدس جمکران بردم، از تهران حرکت کردم به طرف مسجد مقدس جمکران، وقتی رسیدم به مسجد بعد از نماز صاحب الزمان -ع- و دعای فرج درد دلم را به آقا امام زمان -ع- عرض کردم و از آن حضرت کمک خواستم که آبروی ما را حفظ نمائید، یک شغل و کار آبرومندانه به ما عنایت کند، از مسجد مقدس جمکران به طرف بندرعباس سفر کردم، با اخوی محترم آقای حاج محسن آقا تماس گرفتم، ایشان فرمودند کجا هستید، چند نفر از رفقای صمیمی شما منتظرند، من بلافاصله آمدم به تهران، دوستانم چند کار به من پیشنهاد کردند، همین کاری که الان دارم انتخاب نمودم، خلاصه از توجهات حضرت بقیه الله امام زمان -ع- و مسجد مقدس جمکران ما مشغول کار شدیم و مشکل ما بطور کلی حل شد. توضیح اینکه معظم له آقازاده محترم مرحوم حجه الاسلام و المسلمین ثقه المحدثین آقای حاج شیخ محمد علی موسی الرضا رحمت الله علیه هستند که عالم ربانی و حافظ قرآن مجید و از عاشقان امام زمان -ع- بودند، خداوند آن عالم وارسته را غریق رحمت واسعه خود قرار دهد.

بخش پنجم: اشعاری در تکریم مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان -ع- -

جمکران

مصدق رمز علم الاسما است جمکران

زیرا مقام زاده زهراست جمکران

خواهی اگر ز شوق کنی کعبه را طواف

کانون مهر و قبله دلهاست جمکران

آری حریم حجت ثانی عشر بود

زین رو بهشت و جنت دنیاست جمکران

دارالشفای جمله مرضای بی پناه

مرهم گذار زخم جگرهاست جمکران

باید کنند تخته در دکه ساحران

آری عصای حضرت موساست جمکران

اي صالحی ببال که از لطف ایزدی  
در شهر قم به جلوه زیباست جمکران  
بسرودم آن سیاق که به فرموده سعید  
میعادگاه مردم داناست جمکران

مسجد جمکران

اثر طبع دکتر باهر

قطعه زیر تحت عنوان -مسجد جمکران - بنا به درخواست حضرت حجه الاسلام و المسلمین جناب  
آقای میر عظیمی مدظله العالی و حسب توصیه دوست گرامی سلاله السادات آقای سید هادی رضوی  
سروده شد.

میعادگاه مردم داناست جمکران  
هنگامه قیامت کبراست جمکران  
گر اعتبار قم تو پرسی ز اهل دل  
پاسخ چنین دهند که پیداست جمکران  
معصومه می دهد به قم از مرحمت شرف  
لطف خفی به صورت معناست جمکران  
اهل صفا به مروه اگر ره نیافتند  
گو جمکران روند مصفاست جمکران  
حاشا به من که گویمش از کعبه برتر است  
گر کعبه نیست کعبه دلهاست جمکران  
حاجت رواست هر که کند رو بدان مکان  
چون قبله گاه اهل تولاست جمکران  
خاکش برای اهل بصیرت چو توتیاست  
کنحل بصر، شفای المهاست جمکران  
بنیاد مسجدش که به امر ولی بود  
بر پایه فتوت و تقواست جمکران  
ای پور عسکری به خدا دیده بر رهم

تعجیل کن بیا که مهیاست جمکران  
چون پایگاه تست چنین مسجد رفیع  
همپای طور و وادی سیناست جمکران  
عشاق روی تو که مقیمان این درند  
دلدارشان تویی که دل آراست جمکران  
بر درگهت - سعید - غلام است ای عظیم  
از این عظیمی است که عظماست جمکران

دوازده بیت به اسم مبارک آقا ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواح العالمین لتراب مقدمه  
الفداه می باشد.  
کعبه جان

مسجد جمکران کعبه جان است اینجا  
قبله آرزوی اهل جهان است اینجا  
از نسیم سحرش بوی خدا می آید  
نفس باد صبا مشک فشان است اینجا  
نقش ها از قدم یوسف زهرا دارد  
خوشر از دامن گلزار جنان است اینجا  
اشک از دیده چو یعقوب بر این خاک بریز  
که از آن یوسف گم گشته نشان است اینجا  
تا بجوئید گل گمشده زهرا را  
چشم عشاق به هر سو نگران است اینجا  
چشم دل را بگشایید و ببینید همه  
آن جمالی که ندیدید عیان است اینجا  
همره یوسف زهرا که خدا یارش باد  
همه سو قافله روح روان است اینجا  
حوریان همچو پرزاد در اینجا جمعند

که حرم خانه آینه جان است اینجا  
مسجد جمکران است و به هر کس نگرم  
نام آن خوبتر از جان به زبان است اینجا  
سزد از طور کلیم آید و فریاد زند  
کي گنه کار بیا مهد امان است اینجا  
گوش جان می شنود زمزمه جبرائیل  
از نسیمی که به هر سو وزان است اینجا  
معجز تربت خونین حسینی دارد  
که شفا خانه هر درد نهان است اینجا  
خم نمائید به تعظیم همه قامت خویش  
که عیان سایه آن سرو روان است اینجا  
میثما خرد و کلان سائل این در گاهند  
کعبه آرزوی پیر و جوان است اینجا

شبه ای در فضیلت مسجد جمکران

حصن حصین عارفان ، مسجد جمکران بود  
عرش برین عاشقان ، مسجد جمکران بود  
بیت الولای مومنین ، دارالشفای مسلمین  
منزلگه مستضعفان ، مسجد جمکران بود  
روحانی و زیباستی ، چون مسجد الاقصاستی  
برتر ز فردوس جنان ، مسجد جمکران بود  
در سلک خدمت از فلک نازل شود خیل ملک  
چون مهبط پیغمبران ، مسجد جمکران بود  
از حشمت و جاه و جلال ، وز عصمت و فضل و کمال  
مهد سلوک سالکان ، مسجد جمکران بود  
هر مسلم و شاه و گدا ، اینجا شود حاجت روا

کَهِف المراد شیعیان ، مسجد جمکران بود  
چون ساحت عرش برین ، از شوکت و قدر مهین  
در دیده دانشوران ، مسجد جمکران بود  
بر دردمند اینجا دواست ، هر مضطرب حاجت رواست  
کاشانه خلق جهان ، مسجد جمکران بود  
گر شاه شاهانی بیا، نادم ز عصیانی بیا  
چون خانه صاحب زمان ، مسجد جمکران بود  
هر کس در این عصر و زمان ، بگزیده بهر خود مکان  
جای - حیات - ناتوان ، مسجد جمکران بود  
مهبط انبیاء بود مسجد جمکران قم  
معدن اولیا بود مسجد جمکران قم  
بهر دواي دردها، خاصه گرفتن شفا  
قبله گه دعا بود مسجد جمکران قم

#### بنای رفیع

بود به جمکران مسجدی رفیع و عظیم  
که جبرئیل نماید به درگهش تکریم  
بهشت عدن و عبادتگه خواص و عوام  
حریم امن امامان واجب التعظیم  
به ارج و قرب فزونتر ز مسجد الاقصی  
به رتبه ثانی رضوان مقام اهل نعیم  
گزافه نیست که باشد نسیم بارگهش  
عبیر خیز و مصفا چو چشمه تسنیم  
مسلم است که بر پاسبانی حرمش  
صبح و شام جیوش ملائکست مقیم  
به سیصد و نود و سه ز هجرت نبوی

به امر حضرت حجت گرفته شد تصمیم  
که این بنای بزرگ و رفیع اسلامی  
شود مکمل اقدام جدش ابراهیم  
بر این اساس به پایان رسید و شد تکمیل  
توسط حسن مثله این نظام قویم  
نوشته بر در و دیوار آن به خط جلی  
تبارک الله و احسنت و احسن التقویم  
ثواب زائرش آمد سعادت دارین  
اگر رجوع شود لحظه ای به عقل سلیم  
چنانچه قبله سوم بخوانمش نه خطاست  
به امر حق به درش با عصا ستاده کلیم  
به زندگان چو ببخشد حیات جاویدان  
چه احتیاج که احیا کند عظام رمیم؟  
اگر که اهل دلی طواف آن مقام نما  
زیاده است ثوابش ز طواف رکن حطیم  
هزار معجزه از آن مقام گشته عیان  
به امر بار خدای کریم حی قدیم  
هر آن کسی که در آنجا نماز بگذارد  
خدا گواست بود فارغ از عذاب جحیم  
مقام خاص منبع امام ثانی عشر  
ملاذ جن و بشر پادشاه هفت اقلیم  
سرود - صالحی - این چامه ز اعتقاد و نمود  
به دست خویش به درگاه خادمش تقدیم  
عظیمی آنکه بود از سلاله سادات  
نموده جمع احادیث از جدید و قدیم  
نوشته است کتابی که از ره اخلاص

به عاشقان امام زمان کند تسلیم  
به سعی و کوشش این سید جلیل القدر  
شود کرامت مسجد به شیعیان تفهیم  
خدا موفق و منصور دارش که شده  
ز زادن شبهش مام روزگار عقیم

مسجد جمکران ، پایگاه مسلمین

جمکران ای پایگاه مسلمین  
جمکران ای جایگاه مومنین  
جمکران ای خانه جانان ما  
جمکران مستشفي و درمان ما  
جمکران شبهاي تو دارد صفا  
من ز خاک تو شفا جویم شفا  
جمکران بوي تو چون مشک برین  
جمکران ای خانه مردان دین  
جمکران فخر تو باشد این زمین  
گشته ای خلوتگه اهل یقین  
جمکران بر گو که مهدي از حجاب  
رخ برون آرد، دهد ما را جواب  
جمکران مهرش به دل دارم همی  
گو نظر بر ما کند مهدي کمی  
ز انتظار روی او - طوفانی - ام  
در رهش آماده قربانی ام

به یاد مسجد جمکران

اگر درمان درد خویش می خواهی بیا اینجا

دوا اينجا، شفا اينجا، طيب دردها اينجا  
شکسته بالي ما مي دهد بال و پري ما را  
اگر از صدق دل آريم روي التجا اينجا  
طلب کن با زبان بي زباني هر چه مي خواهي  
که سر داده ست گلبانگ اجابت را خدا اينجا  
بگوش جان توان بشنيد ليک خداوندي  
نکرده با لب خود آشنا حرف دعا اينجا  
هزاران کاروان دل در اينجا مي کند منزل  
اگر اهل دلي اي دل ، بيا اينجا، بيا اينجا  
دل ديوانه من همچو او گم کرده اي دارد  
زهر درد آشنا گيرد سراغ آشنا اينجا  
صداي پاي او در خاطر من نقش مي بندد  
مگر مي آيد آن آرام جانها از وفا اينجا  
ز هر سو جلوه اي دل را به خود مشغول مي سازد  
هزاران پرده مي بينند ارباب صفا اينجا  
به بوي يوسف گم گشته مي آيد مشو غافل  
توان زد چنگ دل بر دان خير النساء اينجا  
حديث عشق با - پروانه - مي گويي نمي داني  
که مي سوزي بسان شمع از سر تا به پا اينجا

#### رباعيات

در مسجد دوست بوي جان پيچيده ست  
انفاس خوشش به جمکران پيچيده ست  
امروز درين محفل روحاني ما  
عطر خوش صاحب الزمان پيچيده ست  
ما حلقه اگر بر در مقصود زدیم

از بندگی حضرت معبود زدیم  
این التفات ما بدوست امروزی نیست  
یک عمر دم از مهدی موعود زدیم  
دیشب که رقم ز امر خدا می کردند  
دلسوختگان ترا صدا می کردند  
ای کاش که کاتبان قسمت امروز  
دیدار ترا قسمت ما می کردند  
من چشم به خورشید و به نورش دارم  
در دل قیس از طور ظهورش دارم  
صد بار اگر بمیرم و خاک شوم  
باز آرزوی درک حضورش دارم  
ای دلشده ای که یار مهدی باشی  
یک عمر در انتظار مهدی باشی  
امروز درین جمع مشو غافل ازو  
شاید که تو در کنار مهدی باشی  
هر چند ره طلب بسی باریک ست  
و ایام فراقش چو شب تاریک ست  
خوش باش که از پرتو خورشید امید  
پیداست ظهور حضرتش نزدیک ست  
از غیب جمال سرمدی پیدا شد آئینه  
حسن ایزدی پیدا شد  
از گلشن عسکری و باغ نرگس  
یک شاخه گل محمدی پیدا شد  
مسجد جمکران سرزمین دیدار  
ز شاخ گل معطر جمکران است

کز آن گل روح پرور جمکران است  
نه تنها جان انسانها در اینجاست  
که قلب عالمی در جمکران است  
مطاف عاشقان سوخته دل  
مقام و حجر و مشعر جمکران است  
همه بشکسته دلها را خیر کن  
تجلیگاه دلبر جمکران است  
جهان از نور مهدی روشن افروز  
بعرش و فرش زیور جمکران است  
به نورانیت مهدی بیندیش  
اگر دیدی منور جمکران است  
صدای یا ابیصالح اغثنی  
خروش هر که اندر جمکران است  
بیا بیمار خسته گشته از درد  
که درمانگاه برتر جمکران است  
به داروخانه مهدی گذر کن  
دوایش لطف داور جمکران است  
خمینی از همین جا شد خمینی  
نیایشگاه رهبر جمکران است  
مکن هرگز فراموش - اشعری - را  
تو را توفیق اگر بر جمکران است

یا صاحب الزمان - عج -

رباعیات

در آینه ها، زلال نورش جاری ست  
در مسجد جمکران ، حضورش جاری ست

از خلوت عشاق دل افروخته نیز  
انوار دلارای ظهورش جاری است  
با یاد تو غمنامه مولا خواندیم  
از غربت مادر تو زهرا خواندیم  
ما را کشد این غم که نماز خود را  
در مسجد جمکران فرادی خواندیم  
ای جان جهان ، عیان ترا باید دید  
با دیده خونفشان ترا باید دید  
در مسجد سهله ، از فرج باید گفت  
در مسجد جمکران ، ترا باید دید  
با قافله رو به جمکران آوردیم  
رو جانب صاحب الزمان آوردیم  
دیدیم که در بساط ما آهی نیست  
با دست تهی ، اشک روان آوردیم  
آنانکه که جمکران صفا می بینند  
در خلوت دل ، نور خدا می بینند  
عشاق جگر سوخته در پرده اشک  
بی پرده ترا، ترا، ترا می بینند

مسجد جمکران

جعفر رسول زاده :: آشفته

عشق شرحی است از داستانت  
مهر برقی است از کهکشان  
روح یکتا پرستی نمازی است  
بسته قامت به بانگ اذانت  
خواب نوشین صبح بهشت است

لحظه ای زیستن در زمانت  
آسمان ، باغ خورشید دارد  
یا غباریست از کاروانت  
بی نشانی تو و خستگان را  
کوچه آشنایی ، نشانت  
آبرومندی و سرافرازی ست  
دولت خادم آستانت  
سایه بر بام افلاک کرده ست  
رفعت مسجد جمکرانت  
کاشکی دست ما را بگیرند  
فیض پیدا و لطف نهانت  
ای دیار مقدس که طویی  
برگ سبزی است از بوستانت  
تو حریم دلی - جمع عشقند  
بیقراران و آشفتهگان

مسجد مقدس جمکران

جمکران پایگاه ملایک  
مرکز جمع کروبیان است  
جمکران شد شفابخش دلها  
معجزاتش به عالم عیان است  
هر که ترسد ز هر چیز و هر کس  
آید اینجا که دارالامان است  
از زن و مرد عالم در اینجا  
نام صاحب الزمان بر زبان است  
گو به درماندگان البشاره

حجه بن الحسن ميزبان است  
مطیع عالم او باشد و بس  
باغ دین را همو باغبان است  
الغرض جای هر حاجت ما  
جمکران جمکران جمکرانست  
-قاضي زاهدي - گو به یاران  
کاین بنا قطعه ای از جنان است

قصیده

در مدح و ستایش ولی الله الاعظم حضرت حجه بن الحسن امام العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه  
الشریف از مرحوم الهی قمشه ای.

ای شاهد حسن غیب یزدانی  
ای مظهر اقتدار سبحانی  
ای مصلح عالم ، ای جهان آرا  
ای پرتو آفتاب ربانی  
ای آیت غیب ذات ناپیدا  
پیدا به تجلیات رحمانی  
باز آی و جهان بعدل و داد آرای  
تا چند درون پرده پنهانی  
باز آی و جهان چو تار گیسویت  
مپسند به ظلمت و پریشانی  
باز آی و و دو چشم انتظار ما  
از طلعت خود نمایی نورانی  
از یاور و یارت ایزد یکتا  
لطف ازلت کند نگهبانی  
ملک و ملکوت را تویی رهبر

بر غیب و شهود هم تو سلطانی  
بر کشور شرع مصطفی بنگر  
ای خسرو تاجدار ایمانی  
این خانه شرع را عمارت کن  
از لطف که می کشد به ویرانی  
ای روی تو شمع محفل عالم  
در شام جهان تو ماه تابانی  
ای مظهر سر آدم و خانم  
ای با تو عصای پور عمرانی  
برتر ز فصاحت از مسیحایی  
وز حسن فزون ز ماه کنعانی  
باز آیی و بگیر کشور دین را  
زین گمشدگان تیه نادانی  
باز آ که جهان رهانی از ظلمت  
از شعله رخت به آسانی  
ای مهر سپهر علم و دین باز آ  
عالم شده شام تار ظلمانی  
ما را سر خوان جود و احسانت  
بپذیر تو از کرم به مهمانی  
ای رهبر عالم ای که صد خضرست  
از شوق لقای تو بیابانی  
ما تشنه جرعه وصال تو  
تو چشمه کوثری و رضوانی  
خلقی همه تشنگان دیدارت  
ای آب حیات و خضر روحانی  
تو ظل خدای فرد یکتایی

تو منبع لطف و جود و احساني  
لطفی کن و خلق را ز غم برهان  
بنمائی رخ ای جمال سبحانی  
بر طره شه ، الهیا دل بند  
بگسل ز تعلیقات جسمانی  
گر غرق گناهی ای الهی باز  
نومید مشو ز لطف رحمانی  
بر حجت غیب حق توسل جو  
هر جا که به کار خویش درمانی

امید امیدواران

چو خوش باشد که بعد از انتظاری  
به امیدی رسند امیدواران  
جمال الله شود از غیب طالع  
پدیدار آید اندر بزم یاران  
همی گوید منم آدم منم نوح  
خلیل داورم قربان جانان  
منم موسی ، منم عیسی بن مریم  
منم پیغمبر آخر زمانان  
تو موسی وار شمشیر خدائی  
بکش وانگه بکش فرعون و هامان  
تو ای عدل خدا کن دادخواهی  
ز جا خیزی ای پناه بی پناهان  
برون کن ز آستین دست خدا را  
به خونخواهی و از خون نیاکان  
قدم در کربلا بگذار و بستان

سر پر خون ز دست نیزه داران  
تو ای دست خدا از شصت قدرت  
بکش تیر از گلوی شیرخواران  
خبر داری که از سم ستوران  
دگر جسمی نماند از اسب سواران  
شنیدستی چنان دست خدا را  
جدا کردند از تن ساربانان  
احمد که جهان را ز تباهی پرداخت  
دین را به ولایت علی محکم ساخت  
فرموده به مرگ جاهلیت مرده است  
هر کس که امام عصر خود را نشناخت

قال النبي صلي الله عليه و آله  
من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهليه . -۷۳-  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده:  
هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد به مانند مردن جاهلیت -در کفر و نفاق و  
ضلالت - از دنیا می رود.

ای رهبر عادل و دل آگاه  
از هجر تو سینه هاست پر آه  
همواره نگاه بی پناهان  
بر راه تو یا بقیه الله

گل نرگس

زان لب لعل که رشک شکر است  
خواهد آن کس که ز اهل بصر است  
عاشق و واله و شیدای تو شد  
هر کسی عارف و صاحب نظر است

هر کسي محنت هجران دیده است  
از دل خسته من با خبر است  
بي تو گر عمر ابد بخشیدم  
همه آن ضرر اندر ضرر است  
هر که را یاد تو از یاد برفت  
روزگارش خطر اندر خطر است  
زاد روز تو نوید است و امید  
عید فرخنده عدل و ظفر است  
همه جا بزم سرور است و حضور  
همه را شور و نشاط دیگر است  
زانچه گل در چمن حسن بود  
گل نرگس ز همه خوبتر است

کي برون آئي از اين پرده غيب شام هجران تو را کي سحر است  
گل شاداب

از نور تو روشن ، ملکا دیده -نرگس -  
دل مي کند از هر چمني بوي ترا حس  
وصف الف قامت تو درس مدارس  
آن گوهر یکدانه نایاب توئي تو  
ما جمله نیازیم و تو سرچشمه نازي  
اي قلب جهان ، کنزنهان ، معدن رازي  
عالم همه چون معبد و تو روح نمازي  
آن قائم استاده به محراب توئي تو  
مانند تو کس چهره دلخواه ندارد  
زیبایي رخسار ترا ماه ندارد  
آنجا که توئي نکهت گل راه ندارد

ظاهر همه جا، غائب سرداب توئی تو  
هر دیده که خواهد نگرد نور خدا را  
پس بنگرد آن آینه غیب نما را  
گردیم پی ات ، خیف و منا، مروه صفا را  
منظور دل از عالم اسباب توئی تو  
چون قصر بلند تو فلک کاخ ندارد  
ای گل به توره شب نم گستاخ ندارد  
هرگز چمنی چون تو گل و شاخ ندارد  
مقصود خدا را، ز گل و آب توئی تو  
در دایره حسن ، توئی نقطه پرگار  
سرداب تو سینا و همه مایل دیدار  
مردم همه خوابند و تو عین اله بیدار  
مهتاب توئی ، نرگس بیخواب توئی تو  
پنهان ز نظر هستی و در دل به وضوحی  
در کالبد عالم امکان تو چو روحی  
در سیل بال غوث جهان گشتی نوحی  
آن سد متین ، دافع سیلاب توئی تو  
ایساحت قدس تو زهر عیب و خلل طهر  
اجرا نشود حکم کسی تا نرنی مهر  
از یمن وجود تو شود صبح و شب و ظهر  
دلها همه ظلمتکده ، مهتاب توئی تو  
ای مهر تو ممکن به همه واجب و لازم  
باشد به خدا خیمه عالم به تو قائم  
غائب ز نظر هستی و هم حاضر دائم  
در ابر نهان مهر جهانتاب توئی تو  
تو آب بقا هستی و ما ریگ ته جوی

با سر همگي سوي تو آئيم ز هر سوي  
هستي تو لسان اله و قرآن سخن گوي  
بر شهر علوم نبوي باب توئي تو  
آسايش دل ، روح روان ، راحت جاني  
پنهان و عيان ، جان جهان ، شاه زماني  
من هر چه بگويم ، به خدا بهتر از آني  
چون خيروري اشرف الانجاب توئي تو  
از عشق رخت واله و ديوانه دل ما  
شمعي تو و برگرد تو پروانه دل ما  
مجذوب تو و با همه بيگانه دل ما  
محبوب حسان اي گل شاداب توئي تو

در استغاثه بحضرت مهدي -عج -

عمرم تمام گشت ز هجران روي تو  
ترسم شها به خاک برم آرزوي تو  
با آن که روي ما تو از دیده شد نهان  
عشاق را همیشه بود دیده سوي تو  
خورشيد چهره ات چو نهان شد ز چشم خلق  
شد روزشان سياه از اين غم چو موي تو  
دامن پر از ستاره کنم شب ز اشک چشم  
چون بنگرم به ماه و کنم ياد روي تو  
گردش به باغ بهر تماشاي گل بود  
گلهاي باغ را نبود رنگ و بوي تو  
هم چون مسيح جان به تن مردگان دمد  
گر بگذرد نسيم سحرگه ز کوي تو  
تا کي ز هجر روي تو سوزيم همچو شمع

شبهها به یاد روی تو و گفتگوی تو  
رحمی به حال شاهل از پافتاده کن  
تا کی بهر دیار کند جستجوی تو

یوسف گمگشته

امروز امیرالامراء جز تو کسی نیست  
بر ناله دل غیر تو فریادرسی نیست  
در کعبه و بتخانه و در دیر و کلیسا  
جز نغمه ناقوس تو بانگ جرسی نیست  
ای مهدی دین پرده ز رخسار بر افکن  
ما گمشدگانیم و ره پیش و پسی نیست  
دل گرمی ما زمره افسرده دلان را  
جز آتش طور تو شهاب قبسی نیست  
در بادیه عشق تو پای فرس عقل  
پی گشت و در این بادیه دیگر فرسی نیست  
غیر از هوس دیدن رخسار چو ماهت  
اندر دل پر حسرت یاران هوسی نیست  
تو یوسف گم گشته و اسلام چو یعقوب  
بهر پدر پیر تو دیگر نفسی نیست  
بهر پدرت پیرهنی یا که پیامی  
بفرست که جز این ز تواش ملتسمی نیست  
قربان تو و درد دلت کز غم اسلام  
جز اشک دمامم دگرت دادرسی نیست  
گردیده مگس منتظران شهد لب را  
زان جمله چو انصاری محزون مگسی نیست

طیب دردمندان

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد  
غم مخور آخر طیب دردمندان خواهد آمد  
آنقدر از کردگار خویشتن امیدوارم  
که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد  
باغبانا سختی دی ماه سی روز است و آخر  
نو بهار و نغمه مرغ خوش الحان خواهد آمد  
بلبل شوریده دل را از خزان برگو نالد  
باغ و صحرا سبز و این دنیا گلستان خواهد آمد  
بوی پیراهن رسید و زین بشارت گشت معلوم  
یوسف گم گشته سوی پیر کنعان خواهد آمد  
دردمندان ، مستمندان ، بی پناهان را بگویند  
مصلح عالم ، پناه بی پناهان خواهد آمد  
از خدا روز فرج را ای فلج کاران بخواهید  
کاین جهان روزی کسی را تحت فرمان خواهد آمد  
سخت آمد طول غیبت بر تو می دانم مخور غم  
موقع افشاء این اسرار پنهان خواهد آمد  
تلخی هجران شود شیرین به روز وصل جانان  
صبح صادق از بی شام غریبان خواهد آمد  
کاخهای ظلم ویران شود بر فرق ظالم  
مهدی موعود، غمخوار ضعیفان خواهد آمد  
این چراغ از صرصر بیداد خاموشی ندارد  
آنکه عالم را نماید نور باران خواهد آمد  
نیست شک از عمر این دنیا اگر یک روز ماند  
ذات قائم حجت خلاق سبحان خواهد آمد  
اینقدر آخر منال از ضربت بازو و پهلوی  
مونس تو پادشاه دلنوازان خواهد آمد

محسنا از ضربت مسمار گر مقتول گشتي  
عنقربيا دادخواه بي گناهان خواهد آمد  
اصغرا از ضربت زخم گلو دل را مسوزان  
غم مخور مرهم گذار زخم پيکان خواهد آمد  
گفت يا زينب رقيه يك شبی در شام ويران  
عمه بایم کي به سر وقت يتيمان خواهد آمد  
کودکان شام هر يك با پدرها سوي منزل  
باب من کي بهر دلداري طفلان خواهد آمد  
-هاشمي - را نام حسين هر آن بر دفتر رقم زد  
چشم او با چشم خامه هر دو گريان خواهد آمد

توسل به حضرت ولي عصر

اي نبي را عزت اجداد يابن العسکري  
اي علي را ارشد اولاد يابن العسکري  
چاره شد از دست اي بيچارگان را دستگير  
از تو جويد شيعه استمداد يابن العسکري  
رحم کن بر غربت اسلام و بر اسلاميان  
هر دو را شد موقع امداد يابن العسکري  
در کجائي العجل اي بي پناهان را پناه  
نيست تاب اين همه بيداد يابن العسکري  
مرغ دل شد مبتلا چون صيد در کنج قفس  
اين دل از غم کي شود آزاد يابن العسکري  
ما به دنيا عزت و يك آبروئي داشتيم  
آبروها شد همه بر باد يابن العسکري  
اين نهال ظلم از روز سقيفه ريشه کرد  
شد رواج حکم استبداد يابن العسکري

کار با نهج عدالت بود در عهد رسول  
بعد از آن شد ظلم نو بنیاد یابن العسکری  
ظلم کردند آنقدر بر حیدر و اولاد او  
تا عزا شد بهر ما اعیاد یابن العسکری  
کشتن یک مادری مانند زهرا کی رود  
تا قیامت از دل اولاد یابن العسکری  
بود مشغول عزاداری که ناگه آمدند  
بر سرش یک عده چون جلاد یابن العسکری  
ضربت مسمار آن در شد به جایی منتهی  
گشت محسن کشته بیداد یابن العسکری  
فاطمه بین در و دیوار از بی طاقتی  
شد بلند از سینه اش فریاد یابن العسکری

-هاشمی - را داغ زهرا و غم اولاد او کرده گریان تا صف میعاد یابن العسکری  
غزل

تا دل شده مبتلای عشقت  
سر باخته ام به پای عشقت  
بیگانه شود زهر دو عالم  
آن کس که شد آشنای عشقت  
آفاق پر است و گوش ما کر  
از همهمه و صدای عشقت  
از بام و در و هوا نیوشد  
عاشق همه جا نوای عشقت  
سر پیش شهان نمی کند خم  
هر کس که شود گدای عشقت  
بیمار که از دواست بیزار

خوشر ز دوا بلای عشقت  
سر می رسدش به عرش آن کو  
انداخته سر به پای عشقت  
بیرون نکند وفاي مسکین  
یک لحظه ز سر هوای عشقت

## غزل

بیا که رایت منصور پادشاه رسید  
نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید  
جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت  
کمال عدل به فریاد دادخواه رسید  
سپهر دور خوش اکنون زند که ماه آمد  
جهان به کام اکنون رسد که شاه رسید  
ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن  
قوافل دل و دانش که مرد راه رسید  
عزیز مصر بر غم برادران غیور  
ز قعر چاه بر آمد به اوج ماه رسید  
کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل  
بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید  
صبا بگو که چها بر سرم در این غم عشق  
ز آتش دل سوزان و برق آه رسید  
ز شوق روی تو جانا بر این اسیر فراق  
همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید  
مرو خواب که حافظ به بارگاه قبول  
ز ورد نیم شب و درس صبحگاه رسید  
شمشیر کجست راست کند قامت دین را

افسوس که عمري پي اغيار دويديم  
از يار بمانديم و به مقصد نرسيديم  
سرمایه ز کف رفت و تجارت نموديم  
جز حسرت و اندوه متاعي نخريديم  
بس سعي نموديم که بينيم رخ دوست  
جانها به لب آمد رخ دلدار نديديم  
ما تشنه لب اندر لب دريا متحير  
آبي بجز از خون دل خود نچشيديم  
اي بسته به زنجير تو دلهاي محبان  
رحمي که در اين باره بس رنج کشيديم  
رخسار تو در پرده نهانست و عيانست  
بر هر چه نظر کرديم رخسار تو ديديم  
چندان که به ياد تو شب و روز نشستيم  
از شام فراق چو سحر که ندميديم  
تا رشته طاعت به تو پيوسته نموديم  
هر رشته که بر غير تو بستيم بريديم  
شاها به تولاي تو در مهد غنوديم  
بر ياد لب لعل تو ماشير مکيديم  
اي حجت حق پرده ز رخسار برافکن  
کز هجر تو ما پيرهن صبر دريديم  
ما چشم به راهيم به هر شام و سحر که  
در راه تو از غير خيال تو رهيديم  
اي دست خدا دست بر آور که ز دشمن  
بس ظلم بديديم و بسي طعنه شنيديم  
شمشير کجست راست کند قامت دين را  
هم قامت ما را که ز هجر تو خميديم

شاهها ز فقیران درت روی مگردان  
بر درگهت افتاده به صد گونه امیدیم

### حجت ثانی عشر

حدیث موی تو نتوان به عمر گفتن باز  
از آنکه عمر شود کوتاه و حدیث دراز  
به راه عشق تو انجام کار تا چه شود  
برفت در سر این کار هستیم ز آغاز  
بطاق دلکش آن ابروان محرابی  
که دور از تو نباشد مرا حضور نماز  
اگر نه از دل من رسم سوختن آموخت  
چرا دمی نکند شمع ترک سوز و گداز  
اگر سعادت جاوید یابدت ای دل  
نمای شرح حقیقت سخن مگو ز مجاز  
حدیث لیلی و مجنون عامری بگذار  
مخوان فسانه محمود غزنوی و ایاز  
مدیح مظهر حق مظهر حقایق گوی  
ثنای حجت ثانی عشر نما آغاز  
سمی ختم رسل خاتم الائمه که هست  
نهان ز دیده و بر حضرتش عیان هر راز  
سلیل خسرو دین عسکری شه کونین  
ولی حق شه دشمن گداز و دوست نواز  
امام منتظر خلق ، مهدی موعود  
که هست چشم جهانی به ره گذارش باز  
پناه کون و مکان صاحب الزمان مهدی  
ولی و قائم بالسیف شهسوار حجاز

خجسته نامش زان بر زبان نمی آرم  
که روزگار رقیب است و آسمان غماز  
ز خون مکرمتش وحش و طیر روزی خوار  
بشکر موهبتش جن و انس هم آواز  
به اوج جاهش جبریل عقل می نرسد  
به بال شوق کند تا ابد اگر پرواز  
ز حال مردم و وضع زمانه ناگفته  
تو واقفی و نباشد به عرض حال نیاز  
در آ، ز پرده و از یک تجلی رخسار  
غبار شرک ز مرآت ماسوی پرداز  
محیط زنده شود بعد مرگ گر نشود  
ظهور دولت حق راست نوبت آغاز

#### مهدی جان

مرا به غیر تو نبود پناه مهدی جان  
که من گدایم و هستی تو شاه مهدی جان  
در انتظار تو شاها گذشت عمر عزیز  
نگشت حاصل من غیر آه مهدی جان  
شها فقیرم و مسکین و بر سر راهت  
نشسته ام به امید نگاه مهدی جان  
من عاشقم که به بینم جمال تو آیا  
بود به سوی جناب تو راه مهدی جان  
شها محب تو و دشمن عدوی توام  
به صدق گفته ام هستی گواه مهدی جان  
بحق حرمت اجداد خودنما نظری  
ز مرحمت به من رو سیاه مهدی جان

خمیده پشت من از بار معصیت شاها  
نموده ام همه عمر اشتباه مهدی جان  
امیدوارم چنانم که لطف تو شوید  
ز نامه ام اثرات گناه مهدی جان  
بحق محسن در خون طییده زهرا  
طلب نما فرجت از اله مهدی جان  
اگر کنی سویی طاهائی از وفا نگهی  
رها شود ز غم از آن نگاه مهدی جان

صاحب زمان -ع -

غم مخور روزی ولی و قلب امکان می رسد  
مصلح عالم ولی حی سبحان می رسد  
در پس پرده بود در انتظار امر حق  
گر خدا امری کند آنگه شتابان می رسد  
تکیه بر دیوار کعبه می دهد محبوب حق  
از دهان در فشانش صوت قرآن می رسد  
چون نمی گردد عمل دستور قرآن در جهان  
بهر اجرا مجری احکام یزدان می رسد  
داد مظلومان بگیرد او ز ظالمها بسی  
روزگاری آن پناه بی پناهان می رسد  
ما مریضیم و دوائی نیست بر درمان ما  
آن طیب ما مریضان بهر درمان می رسد  
-منتظر- در انتظار مصلح عالم بود  
شیعیان صاحب زمان روزی فروزان می رسد

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد  
تو را در این سخن انکار کار ما نرسد  
اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده اند  
کسی به حسن و ملاحظت به یار ما نرسد  
بحق صحبت دیرین که هیچ محرم راز  
بیار یک جهت حق گذار ما نرسد  
هزار نقد به بازار کائنات آرند  
یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد  
دریغ قافله عمر کانچنان رفتند  
که گردشان به هوای دیار ما نرسد  
هزار نقش بر آید ز کلک صنع و یکی  
به دلپذیری نقش نگار ما نرسد  
دلا ز طعن حسودان برنج و ایمن باش  
که بد به خاطر امیدوار ما نرسد  
چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را  
غبار خاطری از رهگذر ما نرسد  
بسوخت - حافظ - و ترسم که شرح قصه او  
به سمع پادشه کامکار ما نرسد

در مدح حضرت حجت - ع -

امروز امیر در میخانه توئی تو  
فریاد رس ناله مستانه توئی تو  
مرغ دل ما را که به کس رام نگرده  
آرام توئی تو، دام توئی ، دانه توئی تو  
آن مهر درخشان که به هر صبح دهد تاب  
از روزن این خانه به کاشانه توئی تو

آن ورد که زاهد به همه شام و سحرگاه  
بشمارد با سبحة صد دانه توئی تو  
آن باده که شاهد به خرابات مغان نیز  
پیمود به جام و خم و میخانه توئی تو  
آن غل که ز زنجیر سر زلف نهادند  
بر پای دل عاقل و دیوانه توئی تو  
ویرانه بود هر دو جهان نزد خردمند  
گنجی که نهانست به ویرانه توئی تو  
در کعبه و بتخانه بگشتیم بسی ما  
دیدیم که در کعبه و بتخانه توئی تو  
بسیار بگوئیم و چه بسیار بگفتند  
کس نیست بغیر از تو در این خانه توئی تو  
یک همت مردانه در این کاخ ندیدیم  
آن را که بود همت مردانه توئی تو  
در استغاثه به حضرت مهدی -عج -

گر قسمتم شود که تماشا کنم ترا  
ای نور دیده جان و دل اهدا کنم ترا  
این دیده نیست قابل دیدار روی تو  
چشمی دگر بده که تماشا کنم ترا  
تو در میان جمعی و من در تفکرم  
کاندر کجا برآیم و پیدا کنم ترا  
هر صبح جمعه ندبه کنان در دعای صبح  
از کردگار خویش تمنا کنم ترا  
یا بن الحسن اگر چه نهانی ز چشم من  
در عالم خیال ، هویدا کنم ترا

گویند دشمنان که تو بنموده ای ظهور

زین اقترای محض مبرا کنم ترا

همچون موید به تکاپو مگر دمی

ای آفتاب گمشده پیدا کنم ترا

بخش ششم: حضرت صاحب الزمان ع - از دیدگاه قرآن و عترت

تاریخ ولادت امام زمان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله

محل ولادت: شهر سامراء

ساعت ولادت: موقع طلوع فجر.

روز ولادت از ایام ماه: پانزدهم ماه.

ماه ولادت: ماه شعبان المعظم.

سال ولادت: سال ۲۵۵ هجری.

مدت عمر و امامت: از حین ولادت تا آن موقعی که خدای علیم اجازه ظهور دهد.

نام، لقب، کنیه:

نام مقدس: محمد، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا از بین نخواهد رفت تا مردی از اهل

بیت من که هم نام من است مالک زمین شود.

لقب مبارک: مهدی، حجت الله، منتظر، قائم و صاحب الزمان.

کنیه شریف: ابوالقاسم و ابوعبدالله.

محدث قمی می نگارد: موقعی که حضرت صاحب الزمان علیه السلام متولد شد به حضرت رسول اکرم

و علی بن ابیطالب و جمیع امامان تا پدر بزرگوار خود صلی الله علیهم اجمعین صلوات و درود فرستاد.

حسب و نسب حضرت مهدی موعود علیه السلام

از طرف مادری: محمد بن نرجس فرزند یسوعا فرزند قیصر یعنی پادشاه روم. مادر نرجس از فرزندان

شمعون بن صفا که وصی حضرت عیسی علیه السلام بوده به شمار می رود.

ده شمائل

خصوصیات بقیه الله الاعظم امام زمان علیه السلام

۱. شبیه ترین مردم در خلق و خوی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده و شمائل او شمائل آن

حضرت می باشد.

۲. چهره اش سفید درخشانده، که سرخی به او آمیخته و گندم گون است.

۳. پیشانی نازینش فراخ و سفید و تابان است.

۴. ابروانش به هم پیوسته .

۵. مبارکش باریک کشیده و بالا آمده که مختصری برآمدگی در وسط دارد .

۶. گوشت صورت مبارکش کم است .

۷. بر روی راستش خالی است همچون ستاره ای درخشان .

۸. میان دندانهایش گشاده و به هم پیوسته .

۹. چشمانش درخشانده ، و شاید فرورفتگی چشم ها

غیبت صاحب الزمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام به امر خداوند دارای دو غیبت بود:

- ۱ غیبت صغری ، که از سال ۲۶۰ هجری شروع شد و در سال ۳۲۹ هجری قمری پایان یافت که

تقریباً ۷۰ سال می گذشت -اقوال دیگری نیز گفته شده است .-

- ۲ غیبت کبری ، که از سال ۳۲۹ هجری شروع شد و تا وقتی که خدا بخواهد و ظهور کند ادامه

خواهد یافت .

دوران زندگی امام زمان علیه السلام را می توان در چهار بخش خلاصه کرد:

- ۱ دوران پدر -حدود پنج سال .-

- ۲ دوران غیبت صغری که با چهار نفر از سفرای خاص خود به ترتیب : عثمان بن سعید، محمد بن

عثمان ، حسین بن روح ، علی بن محمد سیمری تماس داشت و سپس به علی بن محمد سیمری دستور

داد که جانشینی برای خود تعیین نکند .

- ۳ غیبت کبری و انتظار آن حضرت و ملاقات بعضی با آن حضرت ... که امام زمان علیه السلام در

این زمان زمام امور را به -ولی فقیه - -مجتهد جامع شرایط- سپرده است .

- ۴ دوران درخشان ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و حکومت جهانی حضرت صاحب

الزمان علیه السلام .

مهدی موعود در آیات قرآنی

قسمتی از آیاتی که روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام تاویل به ظهور قائم آل محمد، امام

زمان علیه السلام شده است .

- اولئنا اخرنا عنهم العذاب الی امه معدوده .

از امیر المومنین علیه السلام روایت شده که در تاویل این آیه شریفه فرمود: امه معدوده ، اصحاب قائم

آل محمد است که سیصد و سیزده نفر می باشند .<sup>-۷۴-</sup>

و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

خداوند اصحاب قائم ما را در یک لحظه مانند ابرهای پراکنده فصل پاییز جمع می کند .

- ۲ و ذکرهم بايام الله ، -۷۵-

امام محمد باقر عليه السلام فرمود: ايام الله ، سه روز است ، روز قيام قائم آل محمد صلي الله عليه و آله ، روز رجعت ، روز قيامت .

- ۳ و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون . -۷۶-

يعني در زبور -حضرت داود پيغمبر عليه السلام - بعد از كتب آسماني سابق نوشتيم كه زمين را بندگان صالح ما به ارث مي برند و اينان قائم آل محمد صلي الله عليه و آله و ياران آن حضرت مي باشند .

- ۴ الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزكوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنكر . -۷۷-

امام محمد باقر عليه السلام فرمود: اين آيه متعلق به آل محمد صلي الله عليه و آله است ، يعني دوازده امام عليهم السلام و شخص حضرت مهدي موعود عليه السلام و ياران او كه خداوند آنان را در شرق و غرب جهان جاي دهد ، و دين اسلام را غالب گرداند و هر بدعت و باطلاي را به وسيله او و يارانش محو كند . و آنچه ان عالم در آسایش بسر برد كه اثر ظلم در جايي ديده نشود . -۷۸-

- ۵ امن يجيب المضطر اذا دعاه و يكشف السوء .

امام صادق عليه السلام مي فرمود: اين آيه درباره قائم آل محمد صلي الله عليه و آله نازل شده ، به خدا قسم -مضطر- اوست كه دو ركعت نماز در مقام حضرت ابراهيم عليه السلام بگذارد و خدا را بخواند ، پروردگار نيز اجابت كند . -۷۹-

- ۶ اقتربت الساعه . -۸۰-

روايت شده كه مقصود ساعت قيام آل محمد صلي الله عليه و آله است . -۸۱-

- ۷ مدهماتان . -۸۲-

يونس بن ظبيان از امام صادق عليه السلام روايت نموده كه در تفسير اين آيه فرمود: در دولت امام زمان عليه السلام راه ميان مكه عليه السلام راه ميان مكه و مدينه با درخت خرما اتصال يابد .

- ۸ هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره علي الدين كله و لو كره المشركون . -۸۳-

اين آيه نيز درباره قائم آل محمد صلي الله عليه و آله است . ابوبصير مي گويد: از امام رضا عليه السلام از آيه هو الذي ارسل رسوله بالهدى ... سوال كردم ، فرمود: هنوز موقع تاويل اين آيه نرسيده است ، گفتم : قربانت كردم كه موقع آن فرا مي رسد؟ فرمود: انشاء الله هنگامي كه قائم قيام كند .

- ۹ الذين يؤمنون بالغيب . -۸۴-

امام صادق عليه السلام فرمود: هر كس اقرار به ظهور امام زمان عليه السلام كند ايمان به غيب آورده است .

- ۱۰ اعملوا ان الله يحيي الارض بعد موتها . -۸۵-

امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند زمين را با ظهور قائم آل محمد صلي الله عليه و آله زنده مي

گرداند، از آن پس که با کفر اهلش مرده باشد.

- ۱۱ او نريد ان نمى علي الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين .<sup>-۸۶-</sup>

امام علي عليه السلام در تفسير اين آيه فرمود: اينان که در سرزمين ضعيف گشته اند آل پيغمبرند که خداوند حضرت مهدي عليه السلام آنها را برانگيزد تا آنان را عزيز و دشمنانشان را ذليل گرداند.<sup>-۸۷-</sup>

- ۱۲ جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا .<sup>-۸۸-</sup>

يعني حق آمد و باطل از بين رفت ، زيرا باطل رفتني است ، امام باقر عليه السلام فرمود: چون قائم ما ظهور کند دولت باطل از بين مي رود.

- ۱۳ و السماء ذات البروج .<sup>-۸۹-</sup>

اصبح بن نباته از ابن عباس روايت کرده که پيغمبر صلي الله عليه و آله فرمود: منظور از آسمان در آيه منم ، و برجها امامان اهل بيت و عترت من هستند، که اول آنها علي عليه السلام و آخرشان مهدي عليه السلام و آنها دوازده تن مي باشند .<sup>-۹۰-</sup>

- ۱۴ العل الساعه قريب .<sup>-۹۱-</sup>

مفضل بن عمر از حضرت صادق عليه السلام نقل کرده که منظور وقت ظهور قائم عليه السلام است. مهدي موعود در احاديث

توجه خوانندگان محترم و عاشقان حضرت صاحب الزمان عليه السلام را به قسمتي از روايات شيعه و سني که درباره حضرت مهدي موعود عليه السلام رسیده است جلب مي نمايم.

- ۱ رواياتي که مي گويد: ائمه دوازده تن ، اول آنها امام علي عليه السلام و آخر آنان حضرت مهدي عليه السلام است.

۹۱ حديث

- ۲ رواياتي که مي گويد مهدي از خاندان پيغمبر است.

۳۸۹ حديث

- ۳ رواياتي که مي گويد مهدي از دودمان علي عليه السلام است.

۲۱۴ حديث

- ۴ رواياتي که او را از فرزندان فاطمه زهرا عليها السلام مي داند.

۱۹۲ حديث

- ۵ رواياتي که او را نهمين فرزند از اولاد حسين عليه السلام مي دانند.

۱۴۸ حديث

- ۶ رواياتي که او را از فرزندان امام زين العابدين عليه السلام مي داند.

۱۸۵ حديث

۷- روایاتی که او را پسر امام حسن عسکری علیه السلام دانسته اند.

۱۴۶- حدیث

۸- روایاتی که او را امام دوازدهم و آخرین امام دانسته اند.

۱۳۶- حدیث

۹- روایاتی که درباره ولادت آن حضرت رسیده است.

۲۱۴- حدیث

۱۰- روایاتی که درباره عمر طولانی او رسیده است.

۳۱۸- حدیث

۱۱- روایاتی که می گوید او دارای غیبت طولانی است.

۹۱- حدیث

۱۲- روایاتی که می گوید دین اسلام به وسیله او جهانگیر می شود.

۴۷- حدیث

۱۳- روایاتی که می گوید شخص مهدی جهان را پر از عدل و داد می کند.

۱۲۳- حدیث

۱۴- روایاتی که بشارت به ظهور آن سرور داده است . -۹۲-

۶۷۵- حدیث

و اما کتابها، در دو بخش معرفی می شود، نخست قسمتی از کتابهای علمای شیعه و سپس کتابهای علمای اهل سنت.

و اما بخش نخست عبارتند از:

۱. اصول کافی کتاب الحججه ..... مولف کلینی - ره -

۲. اکمال الدین ..... شیخ صدوق - ره -

۳. الارشاد ..... شیخ مفید

۴. خمس رسائل فی اثبات الحججه ..... شیخ مفید

۵. الوجیزه فی الغیبه ..... سید مرتضی علم الهدی

۶. الغیبه ..... شیخ طائفه طوسی

۷. البرهان من طول عمر الامام الزمان ..... شیخ ابوالفتح کراچکی

۸. الغیبه ..... محمد ابراهیم نعمانی

۹. اعلام الوری ..... امین الاسلام طبرسی

۱۰. فصول نصیریة فصل امامت ..... خواجه نصیر طوسی

۱۱. الملاحم و الفتن ..... سيد بن طاووس
  ۱۲. وسيله الفوز و الامان ..... شيخ بهائي
  ۱۳. المحججه فيما نزل في القائم الحججه ..... سيد هاشم بحراني
  ۱۴. بحار الانوار ۵۴ - ۵۲ - ۵۱ ..... علامه مجلسي
  ۱۵. اثبات الهدي ..... شيخ حر عاملي
  ۱۶. موعودي كه جهان در انتظار اوست ..... علي دواني
  ۱۷. انجم الثاقب ..... حاج ميرزا حسين نوري
  ۱۸. الصحيفه المهدويه ..... حاج شيخ فضل الله نوري
  ۱۹. كفايه الموحدين جلد ۳ ..... سيد اسماعيل عقيلي طبرسي
  ۲۰. قيام و انقلاب مهدي ..... شهيد آيت الله مطهري
- در اينجا براي مزيد اطلاع خوانندگان گرامي بخشي از كتابهاي اهل سنت را نيز ضميمه مي كنيم تا معلوم گردد كه عقیده به مهدي -عج - يك عقیده اسلامي و بين المللي است و منحصر به شيعه نمي باشد و اينك قسمتي از آن كتاب ها:
۱. ابراز الوهم المكنون ..... احمد محمد صديق مغربي
  ۲. اخبار المهدي ..... حماد بن يعقوب
  ۳. الارذاعه ..... محمد صديق خان بخاري
  ۴. الاربعين ..... ابونصير اصفهاني
  ۵. البرهان في علامات مهدي آخر الزمان ..... متقي هندي - مولف كنز العمال
  ۶. البيان في اخبار صاحب الزمان ..... ابو عبدالله محمد بن يوسف گنجي شافعي
  ۷. الرد علي من حكم و قضي ان المهدي المنتظر جاء و مضى ..... ملا علي قاري حنفي
  ۸. العرف الوردي في اخبار المهدي ..... جلال الدين سيوطي
  ۹. العطر الوردي ..... محمد نبي محمد بليسي
  ۱۰. القطر الشهدي في اوصاف الهدي -منظوم - ..... شهاب الدين حلواني
  ۱۱. المشرب الوردي ..... ملا علي قاري حنفي
  ۱۲. علامات المهدي ..... جلال الدين سيوطي
  ۱۳. فوائد الفكر ..... يوسف كرمي مقدسي
  ۱۴. مناقب المهدي ..... حافظ ابونعيم اصفهاني
  ۱۵. القول المختصر في علامات المهدي ..... حافظ بن هجر هيثمي شافعي
- اين كتاب ها كه بخشي از آنها قبل از تولد مهدي -ع - تاليف يافته و بخشي در عصر صغري و مقداري

در عصر غیبت کبری این مطلب را به ما می فهماند که تا چه حد مساله مهدویت در بین فرق مسلمین اهمیت داشته که از زوایای مختلف و در اعصار مختلف علمای فریقین به بحث و بررسی پیرامون آن پرداخته اند. -۹۳-

مصلح جهان خواهد آمد

یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر که اول آنها حضرت آدم و آخر آنها حضرت خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می باشد و دوازده امام که اول آنها حضرت علی علیه السلام و آخر آنها قائم آل محمد حضرت صاحب الزمان صلی الله علیه و آله می باشد از وجود اقدس امام زمان و غیبت و ظهور و تعداد یاران آن حضرت خبر دادند. ما فقط اکتفاء می کنیم به روایت امام صادق علیه السلام.

فضل بن شاذان از علقمه بن محمد حضرمی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: ائمه دین پس از پیغمبرش دوازده نفرند، اول آنها حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و پس از او امام حسن و امام حسین و علی زین العابدین ، محمد بن علی الباقر - و من - جعفر الصادق و من به موسی به جعفر وصیت می کنم پس از او امام رضا که در سرزمین خراسان مدفون می شود، پس از پدرش محمد بن علی جواد التقی ، و بعد علی بن محمد النقی الهادی و پس از او حسن بن علی عسکری و پسر حسن مهدی -صوات الله علیهم - می باشد که چون خروج کند ۳۱۳ نفر اطراف او جمع شوند به عدد مردان بدر و چون زمان خروج برسد شمشیر او از غلاف بیرون آید و ندا کند ای ولی خدا برخیز و بکش دشمنان خدا را. -۹۴-

بالای سر حضرت مهدی علیه السلام فرشته ای است

عبدالله بن عمر می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی در حالی قیام می کند که فرشته ای بالای سر او قرار دارد و می گوید: مهدی این است از او پیروی نمائید. -۹۵-

ابر بر سر حضرت مهدی علیه السلام سایه می افکند

عبدالله بن عمر نقل کرده که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام در حالی که قطعه ای ابر بر سر او سایه افکنده قیام می نماید، در آن وقت گوینده ای اعلام خواهد داشت که این مهدی خلیفه است ، از او پیروی کنید. -۹۶-

مهدی فرزند فاطمه علیها السلام است

زهري از امام زین العابدین علیه السلام و آن حضرت از پدرش روایت نموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از فرزندان تو است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

به درستی که خلفاء و اوصیاء من و حجت های خدا بر خلق بعد از من ، دوازده نفرند، اول آنها علی و آخر آنها فرزندان مهدی است ، پس فرود می آید عیسی بن مریم روح الله ، پس نماز گذارد پشت سر مهدی و روشن می کند -مهدی- زمین را به نور خدا و می رساند سلطنت او را به مشرق و مغرب . - گسترش پیدا می کند در مشرق و مغرب -

چند نمونه از وظایف شیعیان و عاشقان امام زمان علیه السلام

- ۱ شناخت و معرفت کامل از طریق صفات و خصایصی که مخصوص آن حضرت است ، و مداومت داشتن بر خواندن این دعا:

- اللهم عرفني نفسك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف نبيك ، اللهم عرفني رسولك فانك ان لم تعرفني رسولك لم اعرف حجتك ، اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضلكت عن ديني . -

- ۲ منتظر ظهور و فرج آن حضرت بودن ، بگونه ای که این انتظار در انسان تحرك ایجاد کرده و در عمل ظاهر شود، تا آنجا که در انجام واجبات الهی و ترك محرمات کوتاهی نکند.

- ۳ تسلیم و انقیاد برای امر امام علیه السلام داشته باشد و عجله نکند، یعنی چون و چرا در امر ظهور آن جناب ننماید و آنچه از جانب آن حضرت می رسد صحیح و مطابق حکمت بدانند.

- ۴ از مال خود به آن حضرت هدیه نماید، مثلاً مالی را که می خواهد به امام علیه السلام هدیه دهد، به همین قصد در راهی که می داند رضای آن حضرت است مصرف نماید، مانند این که به صالحین از دوستان و شیعیان آن حضرت کمک نماید.

- ۵ صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت.

- ۶ مداومت نمودن بر خواندن این دعا که در کتاب کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت شده:

- يا الله يا رحمن يا رحيم يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك . -

- ۷ در هر حال و زمانی آماده یاری نمودن آن حضرت باشد، و در فراقش مغموم بوده و ندبه و زاری

نماید. -مداومت داشتن بر خواندن دعای ندبه در صبح های جمعه -

- ۸ در مشکلات و گرفتاریهای مهم به آن حضرت متوسل شود.

- ۹ فضایل و کمالات و صفات آن حضرت را ذکر نمودن و مردم را به سوی معرفت و شناخت آن

جناب و خدمت به آن بزرگوار دعوت کردن.

- ۱۰ صبر کردن بر سختی ها و اذیت و سرزنش دشمنان دین در زمان غیبت.

- ۱۱ ثواب اعمال نیک و عبادات را به آن حضرت هدیه نمودن.

- ۱۲ دعاء کردن برای سلامتی آن بزرگوار و طلب پیروزی و یاری و ظهور آن جناب را، از خدای

متعال نمودن .

- ۱۳ خواندن زیارت آن حضرت و دعای عهد که در این کتاب نقل شده است .

- ۱۴ بر دین و اعتقادات خود ثابت باشد و با ناهلان و منحرفین که او را نسبت به دینش سست کنند معاشرت نکند .

خداوندا، ما را از پیروان و سربازان امام زمان علیه السلام قرار بده و قلب مبارک آن حضرت را از ما راضی و خشنود بفرما .

چند نمونه از شباهت امام زمان علیه السلام به پیغمبران علیهم السلام

- ۱ شباهت امام زمان علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام:

خداوند متعال آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و او را وارث آن ساخت و در قرآن مجید چنین فرمود: اني جاعل في الارض خليفه .<sup>-۹۷-</sup>

خداوند امام زمان علیه السلام را نیز وارث زمین خواهد ساخت و خلیفه خود در زمین خواهد فرمود، چنانکه در قرآن کریم فرمود: وعدا لله الذین امنوا منکم .<sup>-۹۸-</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: او قائم آل محمد و اصحابش می باشند و هنگام ظهورش در مکه دست بر صورت می کشد می گوید: الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض .<sup>-۹۹-</sup>

- ۲ شباهت به نوح علیه السلام:

حضرت نوح شیخ الانبیاء از امام صادق و امام هادی علیه السلام روایت است که حضرت نوح علیه السلام دوهزار و پانصد سال عمر کرد .

امام زمان علیه السلام شیخ الاوصیاء است - بنا به روایت کافی - در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد .<sup>-۱۰۰-</sup>

پس عمر آن حضرت تاکنون ۱۱۶۰ سال است .

امام سجاد علیه السلام فرمود:

در قائم روشی از آدم و از نوح هست و آن طول عمر می باشد .<sup>-۱۰۱-</sup>

- ۳ شباهت به ادریس علیه السلام:

۱. حضرت ادریس علیه السلام از قومش غائب شد، هنگامی که می خواستند او را بکشند .

امام زمان علیه السلام نیز همینطور، هنگامی که دشمنان می خواستند آن حضرت را بکشند غایب شد .

۲. غیبت ادریس به طول انجامید .

امام زمان نیز غیبتش طولانی است .<sup>-۱۰۲-</sup>

- ۴ شباهت به هود علیه السلام:

حضرت هود علیه السلام ، خداوند کافرین را به وسیله او هلاک کرد و باد عقیم را بر آنها فرستاد .

چنانچه خداوند می فرماید: فارسلنا عليهم الريح العظیم .<sup>-۱۰۳-</sup>  
امام زمان علیه السلام نیز چنان است که خداوند به وجود او جمعی از کافرین را با باد سیاهی نابود می کند.<sup>-۱۰۴-</sup>

- ۵ شباهت به حضرت ابراهیم علیه السلام:

حضرت ابراهیم علیه السلام ، دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود. امام زمان علیه السلام نیز حمل و ولادتش مخفی بود.

حضرت ابراهیم دو غیبت داشته است.

امام زمان نیز دو غیبت داشته است.

حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامی که در آتش افکنده شد جبرئیل برایش جامه ای از بهشت آورد.  
امام زمان علیه السلام نیز همان جامه را - هنگامی که قیام کرد - خواهد پوشید .<sup>-۱۰۵-</sup>

- ۶ شباهت به اسماعیل علیه السلام:

خداوند متعال به ولادت حضرت اسماعیل علیه السلام بشارت داد: فبشرناه بغلام حلیم .<sup>-۱۰۶-</sup>

خداوند به ولادت امام زمان علیه السلام و قیام آن حضرت نیز بشارت داده است.

- ۷ شباهت به لوط علیه السلام:

حضرت لوط علیه السلام فرشتگان برای یاریش آمدند.

قالوا یا لوط انا رسل ربك .<sup>-۱۰۷-</sup>

ما فرستادگان خداوند هستیم ، هرگز دست آزار آنان به تو نمی رسد.

امام زمان علیه السلام نیز فرشتگان برای یاریش فرود خواهند آمد.<sup>-۱۰۸-</sup>

- ۸ شباهت به یعقوب علیه السلام:

حضرت یعقوب علیه السلام برای یوسف علیه السلام آنقدر گریست تا اینکه چشمانش از اندوه سفید

شد، در حالی که خشم خود را فرو می برد .<sup>-۱۰۹-</sup>

امام زمان علیه السلام برای جدش امام حسین علیه السلام گریست و در زیارت ناحیه فرمود :- و لابیکن

علیک بدل الدموع دما- . به جای اشک خون بر تو می گریم .<sup>-۱۱۰-</sup>

یعقوب علیه السلام منتظر فرج بود.

امام زمان علیه السلام نیز منتظر فرج است.

- ۹ شباهت یوسف علیه السلام:

حضرت یوسف علیه السلام زیباترین اهل زمان خود بود.

امام زمان علیه السلام نیز زیباترین اهل زمان خود می باشد.

حضرت یوسف علیه السلام را خداوند امرش را یک شبه اصلاح فرمود که پادشاه مصر آن خواب را

دید.

امام زمان علیه السلام نیز خداوند امرش را یک شبه اصلاح می فرماید .<sup>-۱۱۱-</sup>

- ۱۰ شباهت به خضر علیه السلام:

حضرت خضر علیه السلام خداوند متعال عمرش را طولانی نموده و این موضوع نزد شیعه و سنی مسلم است.

امام زمان علیه السلام نیز خداوند عمرش را طولانی قرار داده . حکمت اینکه عمر خضر علیه السلام طولانی شده دلیلی بر طول عمر امام زمان علیه السلام باشد. حضرت خضر علیه السلام هر سال در مراسم حج شرکت می کند، امام زمان علیه السلام نیز هر سال در مراسم حج شرکت می کند و مناسک را بجای می آورد .<sup>-۱۱۲-</sup>

- ۱۱ شباهت به شعیب علیه السلام:

حضرت شعیب علیه السلام در قوم خود گفت : بقیه الله خیر لکم ان کتتم مومنین .<sup>-۱۱۳-</sup>  
امام زمان علیه السلام نیز هنگامی که خروج کند به کعبه تکیه می زند و ۳۱۳ مرد به نزدش حاضر می شوند.

پس اولین سخنی که به زبان می آورد این آیه است : بقیه الله خیر لکم ان کتتم مومنین ، من بقیه الله در زمین و خلیفه خدا و حجت او بر شما هستم ، پس هیچ مسلمانی بر او سلام نمی کند، مگر اینکه چنین می گوید: السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه .<sup>-۱۱۴-</sup>

- ۱۲ شباهت به موسی علیه السلام:

حضرت موسی علیه السلام دوران حملش مخفی بود. امام زمان علیه السلام نیز همینطور.  
حضرت موسی علیه السلام ولادتش مخفیانه صورت گرفت ، امام زمان علیه السلام نیز ولادتش مخفیانه انجام شد.

موسی علیه السلام از سنگ برایش دوازده چشمه جوشید.

امام زمان علیه السلام هرگاه ظهور نماید با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و انگشتری سلیمان و سنگ و عصای موسی قیام خواهد کرد. تا آخر حدیث .<sup>-۱۱۵-</sup>

- ۱۳ شباهت به یوشع علیه السلام:

حضرت یوشع علیه السلام پس از وفات حضرت موسی علیه السلام منافقان امت آن حضرت با او جنگ کردند.

امام زمان علیه السلام منافقان این امت با او جنگ خواهند کرد.

- ۱۴ شباهت به داود علیه السلام:

حضرت داود علیه السلام را خداوند متعال در زمین خلیفه ساخت و فرمود : یا داود انا جعلناک خلیفه

فی الارض . -۱۱۶-

امام زمان علیه السلام را نیز خداوند خلیفه در زمین نموده و فرمود : امن یجیب المضطر اذا دعا و یکشف السوء -۱۱۷-

داود علیه السلام جالوت را کشت .

امام زمان علیه السلام دجال را - که از جالوت بدتر است - می کشد .

- ۱۵ شباهت به سلیمان علیه السلام :

حضرت سلیمان علیه السلام ، داود را جانشین و خلیفه خود قرار داد ، در حالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود . -۱۱۸-

امام زمان علیه السلام را نیز خداوند خلیفه قرار داد و حال آنکه کودکی تقریباً پنج ساله بود .

سلیمان علیه السلام خداوند باد را تسخیر او قرار داده بود ، قرآن مجید می فرماید : فسخرنا له الريح . -۱۱۹-

امام زمان علیه السلام نیز خداوند باد را در خدمتش قرار می دهد . -۱۲۰-

- ۱۶ شباهت به عزیر علیه السلام :

حضرت عزیر علیه السلام وقتی به سوی قومش بازگشت و در میان آنها ظاهر شد تورات را آنطور که بر موسی بن عمران علیه السلام نازل شده بود خواند .

امام زمان نیز قرآن را برای اهل زمین آنچنان که بر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده خواهد خواند .

- ۱۷ شباهت حضرت ایوب علیه السلام :

ایوب علیه السلام هفت سال بر با صبر کرد . -۱۲۱-

امام زمان علیه السلام از هنگامی وفات پدرش تاکنون صبر کرده . -۱۲۲-

- ۱۸ شباهت به زکریا علیه السلام :

زکریا علیه السلام در مصیبت امام حسین علیه السلام سه روز گریه کرد .

امام زمان علیه السلام نیز تمام عمر و در همه زمانش بر آن حضرت می گرید .

- ۱۹ شباهت به یحیی علیه السلام :

حضرت یحیی علیه السلام پیش از ولادت به او بشارت و مژده داده شد .

امام زمان علیه السلام نیز بشارت و مژده اش پیش از ولادت داده شد .

حضرت یحیی علیه السلام در شکم مادر سخن گفت .

امام زمان علیه السلام نیز در شکم مادر سخن گفت ، سوره قدر را قرائت کرد .

یحیی علیه السلام زاهدترین و عابدترین مردم زمانش بود .

امام زمان علیه السلام نیز زاهدترین و عابدترین مردم زمانش می باشد .<sup>-۱۲۳-</sup>  
- ۲۰ شباهت عیسی علیه السلام:

حضرت عیسی علیه السلام در کودکی در گهواره سخن گفت.

امام زمان علیه السلام نیز در کودکی در گهواره سخن گفت.

حضرت عیسی علیه السلام را خداوند به سوی خود بالا برد.

امام زمان علیه السلام را نیز خداوند به سوی خود بالا برد .<sup>-۱۲۴-</sup>

- ۲۱ شباهت به حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از فرزندان من است ، اسم او اسم من ، و کنیه اش کنیه

من ، از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به من است .

صاحب الزمان با شما سخن می گوید

قال علیه السلام : انا خاتم الاوصیاء و بی يدفع الله البلاء عن اهلی و شیعتی<sup>-۱۲۵-</sup>

امام زمان علیه السلام فرمود: من خاتم اوصیاء هستم و به وسیله من خدا بلا را از اهل من و شیعیانم دور

می گرداند .

من بقیه الله هستم

قال علیه السلام : انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه .<sup>-۱۲۶-</sup>

امام زمان فرمود: بقیه خداوند در زمینش و انتقام گیرنده از دشمنانش من هستم .

هیچ چیز از شما بر ما پوشیده نیست

قال علیه السلام : فانا یحیط علمنا بانباتکم و لایعزب عنا شی من اخبارکم .<sup>-۱۲۷-</sup>

امام زمان علیه السلام فرمود: قطعاً دانش ما بر -اوضاع و- خبرهای شما احاطه دارد و چیزی از -احوال

و- گزارشهای شما بر ما پوشیده و پنهان نیست .

من قائم آل محمد هستم

قال علیه السلام : انا القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله ، انا الذي اخرج في اخر الزمان بهذا السيف

- و اشار اليه - فاملا الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما .<sup>-۱۲۸-</sup>

امام زمان علیه السلام فرمود: من قائم از دودمان محمد صلی الله علیه و آله هستم سپس به شمشیرشان

اشاره نموده و فرمودند: من همانم که در آخر الزمان با این شمشیر خروج می کنم ، آنگاه زمین را از

عدالت و انصاف سرشار می سازم ، چنانکه مملو از ظلم و ستم شده باشد .

من امام اهل زمینم

قال علیه السلام : و انی امان لاهل الارض .<sup>-۱۲۹-</sup>

امام زمان علیه السلام فرمود: و من برای اهل زمین امان از عذابم .

حق با ما است

امام زمان علیه السلام فرمود: باید بدانید که حق با ما و در دست ماست ، بجز ما که این داعیه را بر زبان آورد دروغگو و افترا زننده و گمراه و گمگشته است.

بخش هفتم : عریضه و دعاها یی درباره امام زمان -ع -

-طریقه نامه نوشتن و عریضه دادن به امام زمان علیه السلام -

مرحوم محدث قمی در کتاب منتهی الامال به نقل از تحفه الزائر علامه مجلسی و مفاتیح النجاه سبزواری می نویسد:

هر کس حاجتی دارد آنچه که ذکر می شود در وقعه ای بنویسد و در -ضریح - یکی از قبور ائمه علیه السلام بیندازد، یا رقعه را ببندد مهر کند و خاک پاکي را گل سازد، و آن را در میان گل گذارد و در نهري یا چاهي عمیق یا غدیر آبی اندازد، که به حضرت صاحب الزمان صلوات الله و سلامه علیه می رسد و آن بزرگوار عهده دار برآوردن حاجت می شود. رقعه این چنین نوشته می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

-کتبت يا مولاي صلوات الله عليك مستغيثا و شكوت ما نزل بي مستجيرا بالله عزوجل ثم بك من امر قد دهمني و اشغل قلبي و اطال فكري و سلبني بعض لبي و غير خطير نعمه الله عندي اسلمني عند تخيل وروده الخليل و تبرء مني عند ترائي اقباله الي الحميم و عجزت عن دفاعه حيلتي و خانني في تحمله صبري و قوتي فلجات فيه اليك و توكلت في المسئلة لله جل ثناوه عليه و عليك في دفاعه عني علما بمكانك من الله رب العالمين ولي التدبير و مالک الامور و اثقا بك في المسارعه في الشفاعة اليه جل ثنائه في امري متيقنا لاجابته تبارك و تعالي اياك باعطائي سولي و انت يا مولاي جدير بتحقيق ظني و تصديق املي فيك في امر كذا و كذا -و بجاي كذا و كذا حاجات خود را نام ببرد- فيما لا طاقه لي بحمله و لاصبر لي عليه و ان كنت مستحقا له و لضعافه بقبیح افعالي و تفریطي في الواجبات التي لله عزوجل فاغثني يا مولاي صلوات الله عليك عند اللهف و قدم المسئلة لله عزوجل في امري قبل از حلول التلف و شماته الاعداء فبك بسطت النعمه علي و اسئل الله جل جلاله لي نصرا عزيزا و فتحا قريبا فيه بلوغ الامال و خير المبادي و خواتيم الاعمال و الامن من المخاوف كلها في كل حال انه جل ثنائه لما يشاء فعال و هو حسبي و نعم الوكيل في المبدء و المال -.

آنگاه در کنار آن نهر یا چاه عمیق یا غدیر بایستد و اعتماد بر یکی از وکلای آن حضرت نموده و او را در نظر آورد -یا عثمان سعید العمروي ، یا پسر او محمد عثمان ، یا حسین بن روح یا علی بن محمد السمري - و یکی از آنها را بر زبان آورده و صدا نماید و بگوید:

-یا فلان بن فلان سلم عليك اشهد ان وفاتك في سبيل الله و انك حي عندالله مرزوق و قد خاطبتك في حياتك التي لك عندالله عزوجل و هذه رقعتي و حاجتي الي مولانا عليه السلام فسلمها اليه و انت

الثقه الامين .-

سپس نوشته را در نهر یا در چاه یا در غدیر اندازد که ان شاء الله حاجت او برآورده خواهد شد .  
السلام عليك يا صاحب الزمان و يا خليفه الرحمن و يا شريك القران المستغاث بك يا امام الانس و  
الجان و يا ابا القاسم يا حجه بن الحسن العسكري ايها القائم المنتظر المهدي يابن رسول الله يابن  
اميرالمومنين يا امام المسلمين يا حجه الله علي الخلائق اجمعين يا سيدنا و مولينا انا توجهننا و استشفعنا و  
توسلنا بك الي الله و قدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا و الاخره يا وحيها عندالله اشفع لنا عندالله .  
دعای توسل

علامه مجلسي فرموده که در بعضي از کتب معتبره نقل کرده اند از محمد بن بابويه که اين دعا، توسل  
را از ائمه عليهم السلام روايت کرده است و گفته است در هيچ امري نخواندم مگر آنکه اثر اجابت را  
به زودي يافتم . -۱۳۰-

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا  
أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا  
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْ اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا  
وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا  
عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا  
تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْ اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ  
حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا  
بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا أَنَا تَوَجَّهْنَا  
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْ اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا  
وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ  
أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا  
وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْ اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ  
يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا  
حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ  
يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْ اللَّهِ  
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا  
أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا  
حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ  
 اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ  
 رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلِّقْهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا  
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا  
 وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ  
 أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلِّقْهُ يَا سَيِّدَنَا  
 وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ  
 يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا  
 مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ  
 خَلِّقْهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ  
 وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا  
 أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ  
 اللَّهِ عَلَيَّ خَلِّقْهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ  
 إِلَيَّ اللَّهُ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ  
 اللَّهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ  
 يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلِّقْهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا  
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ  
 اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ  
 يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلِّقْهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا  
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا  
 وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا  
 الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلِّقْهُ يَا سَيِّدَنَا  
 وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ  
 يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ  
 وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُتَنْظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا  
 حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلِّقْهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا  
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ  
 اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ أَنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ  
 أُمَّتِي وَعُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي إِلَيَّ اللَّهُ وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ

وَأَسْتَشْفَعُ بِكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ وَأَسْتَقْدُونِي مِنْ  
 دُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّكُمْ وَسِيلَتِي إِلَيَّ اللَّهُ وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو  
 نَجَاةً مِنَ اللَّهِ فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ صَلَّى  
 اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَكَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ  
 وَالْآخِرِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

ترجمه دعای توسل : خدایا از تو می خواهم و توجه می کنم به سوی تو به وسیله پیامبرت ، پیامبر  
 رحمت محمد صلی الله علیه و آله ، ای ابا القاسم ، ای رسول خدا، ای پیشوای رحمت ، ای آقا و  
 مولای ما، همانا رو آوردم و شفیع گرفتم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا و مقدم داریم در  
 برابر حاجتهای خود، ای آبرومند در نزد خدا، شفاعت کن از برای ما نزد خدا، ای ابالحسن ، ای  
 امیرالمومنین ای علی بن ابیطالب ای حجت خدا بر خلق او، ای سید ما و سرور ما، براستی ما رو آوردم  
 و شفیع گرفتم و توسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داریم تو را در جلو حاجتهای خودمان ای  
 آبرومند نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای فاطمه زهرا ای دختر محمد ای روشنی چشم رسول  
 ای بانوی ما و خانم ما براستی ما رو آوردم و شفیع قرار دادیم و توسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش  
 داشتیم ترا در پیش حاجتهای خودمان آی آبرومند نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدای ای ابو  
 محمد ای حسن بن علی ای پسند شده ، ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق او ای آقای ما و  
 مولای ما بدرستی ما رو کردیم و شفیع قرار دادیم و توسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا  
 در پیش حاجتهای خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا ای اباعبدالله ای حسین  
 بن علی ای شهید ای پسر رسول خدا ای حجت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای ما به درستی ما رو  
 کردیم و شفیع قرار دادیم و توسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش حاجتهای  
 خودمان آی آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای ابوالحسن ای علی بن الحسین ای  
 زینت عبادت کنندگان ای پسر رسول خدا ای حجت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای ما بدرستی ما  
 رو کردیم و شفیع قرار دادیم و توسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش حاجتهای  
 خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای ابا جعفر ای محمد بن علی ای باقر  
 ای پسر رسول خدا ای حجت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای ما بدرستی ما رو کردیم و شفیع قرار  
 دادیم و توسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش حاجتهای خودمان ای آبرومند در  
 نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای اباعبدالله ای جعفر بن علی ای صادق ای پسر رسول خدا ای  
 حجت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای ما بدرستی ما رو کردیم و شفیع قرار دادیم و توسل نمودیم  
 به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش حاجتهای خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما  
 را در نزد خدا ای ابالحسن ای موسی بن جعفر ای کاظم ای پسر رسول خدا ای حجت خدا بر خلق او

اي آقاي ما و مولاي ما بدرستي ما رو كرديم و شفيع قرار داديم و توسل نموديم به تو بسوي خدا و  
پيش داشتيم ترا در پيش حاجتهاي خودمان اي آبرومند در نزد خدا شفاعت كن ما را در نزد خدا اي  
ابوالحسن اي علي بن موسي اي رضا اي پسر رسول خدا اي حجت خدا بر خلق او اي آقاي ما و مولاي  
ما بدرستي ما رو كرديم و شفيع قرار داديم و توسل نموديم به تو بسوي خدا و پيش داشتيم ترا در پيش  
حاجتهاي خودمان اي آبرومند در نزد خدا شفاعت كن ما را در نزد خدا اي ابا جعفر اي محمد بن علي  
اي تقى جواد اي فرزند رسول خدا اي حجت خدا بر خلق او اي آقاي ما و مولاي ما بدرستي ما رو  
كرديم و شفيع قرار داديم و توسل نموديم به تو بسوي خدا و پيش داشتيم ترا در پيش حاجتهاي  
خودمان اي آبرومند در نزد خدا شفاعت كن ما را در نزد خدا اي ابوالحسن اي علي بن محمد اي  
هادي نقى اي پسر رسول خدا اي حجت خدا بر خلق او اي آقاي ما و مولاي ما بدرستي ما رو كرديم و  
شفيع قرار داديم و توسل نموديم به تو بسوي خدا و پيش داشتيم ترا در پيش حاجتهاي خودمان اي  
آبرومند در نزد خدا شفاعت كن ما را در نزد خدا اي ابو محمد اي حسن بن علي اي زكي العسكري  
اي پسر رسول خدا اي حجت خدا بر خلق او اي آقاي ما و مولاي ما بدرستي ما رو كرديم و شفيع قرار  
داديم و توسل نموديم به تو بسوي خدا و پيش داشتيم ترا در پيش حاجتهاي خودمان اي آبرومند در  
نزد خدا شفاعت كن ما را در نزد خدا اي نائى حسن و خلفت حجت اي قائم منتظر مهدي اي پسر  
رسول خدا اي حجت خدا بر خلق او اي آقاي ما و مولاي ما بدرستي ما رو كرديم و شفيع قرار داديم و  
توسل نموديم به تو بسوي خدا و پيش داريم ترا در پيش حاجتهاي خودمان اي با آبرو در نزد خدا  
شفاعت كن ما را در نزد خدا .- پس حاجات خود را بطلبد كه بر آورده مي شود انشاء الله تعالى .- و در  
روايت ديگر وارد شده كه بعد از اين بگويد: اي آقاهاي من و مواليان من بدرستي من رو كردم به شما  
كه امامان و ذخيره من هستيد براي روز نياز و حاجتم بسوي خدا و توسل نمودم به شما بسوي خدا و  
شفيع قرار دادم شما را بسوي خدا پس شفاعت كنيد به من در نزد خدا و خلاصي دهيد مرا از گناهانم  
نزد خدا پس بدرستي شماها وسيله من هستيد بسوي خدا و به دوستي شماها و به نزديكي شماها اميد  
رستگاري دارم از خدا پس باشيد در نزد خدا اميدم اي آقاهاي من اي دوستداران خدا رحمت كند خدا  
بر ايشان همه و لعنت كند. خدا دشمنان خدا را كه ستمكاران ايشان اند از اولين و آخرين آمين  
پروردگار جهانيان .

فضيلت دعاي حضرت حجت عليه السلام

كفعمي در بلد الامين فرموده اين دعا، حضرت صاحب الامر عليه السلام است كه تعليم فرمود آن را به  
شخصي كه محبوس بود، پس خلاص شد.

الهي عَظْمَ الْبَلَاءِ وَبَرِحَ الْخَفِّ أُمَّ وَأُنْكَشَفَ الْغَطِّ أُمَّ وَأَنْقَطَعَ الرَّجْ أُمَّ  
وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْيَكِّ

الْمُشْتَكِي وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ  
 مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ  
 وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلَّمَحِ  
 الْبَصَرَ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي  
 فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ  
 الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِ كُنِي أَدْرِ كُنِي أَدْرِ كُنِي السَّاعَةَ  
 السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ -۱۳۱-

ترجمه دعای فرج حضرت حجت علیه السلام

خدایا بزرگ شد گرفتاری و ریش شد درون برداشته شد پرده و بریده شد امید و تنگ شد پنهانی زمین  
 و دریغ کرد آسمان و تو کمک بخشی و شکایت پذیر و مورد اعتماد در سختی و همواری خدایا  
 رحمت فرست بر محمد و آل محمد توده هایی که فرض کردی بر ما اطاعت آنها را و شناسانندی بدین  
 مقام آنها را پس گشایش بده بر ما بحق آنها گشایش نزدیکی چون به هم زدن یا نزدیکتر ای محمد ای  
 علی ای علی ای محمد کفایت کنید مرا شما کافی منید و یاریم کنید زیرا شما یاوران منید ای مولای ما  
 ای صاحب الزمان به فریاد رس به فریاد رس به فریاد رس مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب هم اکنون  
 هم اکنون هم اکنون بشتاب بشتاب بشتاب ای ارحم الراحمین بحق محمد-ص - و خاندان پاکش .

دعای عهد

امام صادق علیه السلام فرموده ، هر کس چهل صباح دعای عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد، و  
 اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند متعال او را برای یاری آن حضرت زنده کند و به هر کلمه  
 هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ  
 الْمَسْجُورِ وَمُنزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ  
 وَمُنزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْإِنْبِيَاءِ  
 وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ  
 الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ  
 بِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ  
 وَالْآخِرُونَ يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا حِينَ لَا  
 حَيَّ يَا مُحْيِي الْمَوْتِ وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ  
 بَلِّغْ مَوْلَانَا الْأَمَامَ الْهَادِيَّ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ

عَلِيَّ ابْنِهِ الطَّاهِرِينَ عَنِ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ  
 الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ  
 وَالِدِيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ زَنَّهُ عَرْشُ اللَّهِ وَمَدَادُ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ  
 عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَجَدُّ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا  
 وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبَعَهُ لَهُ فِي عُقْبِي لَا أَحُولُ  
 عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّالِّينَ  
 عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَمَتِّلِينَ لِأَمْرِهِ  
 وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَيْهِ ارَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ  
 اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْتِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَكَ حَتْمًا  
 مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سِنْفِي مُجَرَّدًا  
 قَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللَّهُمَّ أَرْنِي  
 الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَالْكُحْلَ نَاطِرِي بِنُظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ  
 وَعَجَّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مِنْهَجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ  
 وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَأَشْدُدْ أَزْرَهُ وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ  
 فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ  
 أَيْدِي النَّاسِ فَاطْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمِّي بِاسْمِ  
 رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ وَيُحَقِّقَ الْحَقَّ  
 وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ  
 لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشِيدًا لِمَا  
 وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ  
 اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَيَّ دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ  
 اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ  
 وَعَجَّلْ لَنَا ظُهُورَهُ أَنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرِيهِ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا  
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ -

ترجمه دعای عهد : خداوندا، ای پروردگار پرتو جهان افروز و ای پروردگار کرسی بلند پایه ، و ای  
 پروردگار دریای بی پایان و فرود آورنده تورات و انجیل و زبور و ای پروردگار سایه و گرمای سخت  
 و فرود آورنده قرآن بزرگ ، ای پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و فرستادگان ، خداوندا من از  
 تو می خواهم به ذات بزرگوار و به نور وجود تابنده و فرمانروائی دیرینه ات ، ای زنده پاینده ، از تو می

خواهم به نامی که آسمانها و زمین ها را بدان وجود بخشیدی و به نامی که اولین و آخرین عالم را بدان اصلاح کردی ، ای زنده بیش از هر زنده و زنده پس از هر زنده ، و ای زنده هنگامی که احدی زنده نبود، ای زندگی بخش مردگان و میراننده زندگان ، ای زنده ای که جز تو خدایی نیست ، خداوندا بر سرور ما امام و راهبر هدایت شده و قیام کننده به فرمان تو که درود خدا بر او و بر پدران پاکش باد و بر همگی مردان و زنان مومن در شرق و غرب عالم و در کوه و دشت و خشکی و دریا و از سوی من و پدر و مادرم ، از درودهایی که معادل عرش خدا و در شمار کلمات اوست و آنچه علمش و کتاب آفرینش او بر آن احاطه دارد، خداوندا من در این روز و در همگی روزها پیمانم را با او تجدید می کنم و هرگز از عهد و بیعت او که بر گردن منست باز نخواهم گشت و پیوسته بر آن پا بر جا خواهم بود. خداوندا مرا از یاران و هواخواهان او و از کسانی که مدافع او خواهند بود قرار ده ، آنانکه او امر او را به سرعت انجام می دهند و از او حمایت می کنند و مشتاقا بر دلبستگی به او پیشی می گیرند و در کنار او شهید می گردند. خداوندا اگر میان من و او مرگ که برای همه بندگان قرار داده ای جدایی افکنده پس مرا از گورم در حالی که کفنم را برگردن افکنده و شمشیرم را از نیام برکشیده و نیزه ام را در دست گرفته و دعوت او را در همه جا اجابت کرده ام ، برانگیز، خداوندا مرا آن چهره زیبای رشید راهنمای و از پرده غیب آشکارا کن و دیده ام را روشن ساز و فرج آن حضرت را نزدیک و خروجش را آسان فرما، مرا در سالک رهروان او قرار ده و فرمانش را نافذ گردان و سپاهش را پشتیبان باش ، خداوندا سرزمینهای خود را به وسیله او آباد گردان و بندگان را بخاطر او زنده ساز زیرا تو گفته ای و سخت حق است . -خشکی و دریا را فساد قرار گرفته به سبب کارهایی که مردمان کرده اند،- پس خداوندا ولی خود و پسر دختر پیامبرت را که همانم رسول توست بر ما آشکار ساز، تا آنکه بر فساد پیروزی یابد و آن را نابود سازد و حق را ثابت گرداند. پس خداوندا او را پناه بندگان ستم دیده ات و یاری دهنده کسی که جز تو یآوری ندارد قرار بده و به وسیله او احکام قرآن را که تعطیل گردیده است برقرار ساز و او را بر پا دارنده آنچه از نشانه های دینت و سنت های پیامبرت که درود خدا بر او و خاندانش باد قرار ده ، خداوندا او را از هجوم و فتنه تجاوزکاران محفوظ بدار، خداوندا پیامبرت محمد را که درود خدا بر او و خاندانش باد و آنها را که دعوتش را پذیرفته اند به دیدار او خشنود فرما و بر پریشانی ما رحمت آور. خداوندا این غم جانکاه را با ظهور آن حضرت از دل این امت برطرف ساز و به ظهورش تعجیل فرما، زیرا گروهی ظهور او را بعید دانند در حالی که ما آن را قریب و حتمی می دانیم ای خدای مهربان و مهربانترین مهربانان به رحمت خود دعای ما را مستجاب فرما. پس سه مرتبه دست بر آن راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی : شتاب فرما، شتاب فرما ای مولای من ای صاحب الزمان.

زیارت مبارک آل یاسین

یکی از زیاراتی که از ناحیه مقدس امام عصر ارواحنا فداه به افتخار محمد حمیری در پاسخ مسائلی که از آن حضرت سوال کرده بودند، رسیده است - زیارت آل یاسین - می باشد که علاقمندان به حضرت بقیه الله فی الارضین ، طبق دستور حضرتش در شداید و گرفتاریها آن را می خوانند و به آن حضرت توسل می جویند، و نتیجه آن قطعی است و آنچه نگارنده در ارتباط با این زیارت می توانم عرض کنم این است که این زیارت کلید سعادت دو جهان و گشاینده هر مشکل و رساننده هر مشتاقی به آرزوی دیرینه خود است .

سخن سر بسته گفتم با حریفان

خدایا زین معما پرده بردار

اکنون با هم به سخنان حضرت ولی الله الاعظم حجه بن الحسن العسكري رومی لثراب مقدمه الفداء، گوش فرا می دهیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَهُ بِالْغَةِ فَمَا  
تُغْنِي النُّذْرُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلِي عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ - سَلَامٌ عَلِي آلِ يَسَّ - أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبِّ  
أَنِي آيَاتِهِ

أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ  
وَنَاصِرَ حَقِّهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ أَرَادَتِهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ  
يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ  
نَهَارِكَ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ  
اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمَّنَهُ  
أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْعَوْتُ  
وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرِ مَكْدُوبِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ  
أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ أَسْلَامٌ  
عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنَتُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ  
أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ  
وَتَسْتَغْفِرُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي أَسْلَامٌ عَلَيْكَ فِي  
اللَّيْلِ إِذَا يَعْشِي وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ  
الْمَأْمُورُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ  
السَّلَامِ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ  
 وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ  
 وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ  
 وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى  
 حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ  
 عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ  
 حَقًّا لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ  
 أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ  
 وَأَشْهَدُ أَنَّ الشَّرَّ حَقٌّ وَالْبُعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمَرْصَادَ حَقٌّ  
 وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشَرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ  
 وَالْوَعْدَ وَالْوَعْدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكُمْ وَسَعِدَ مَنْ  
 أَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلِيٍّ مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيٍّ مَنْ  
 عَدُوُّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا  
 أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَفَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ  
 لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ  
 وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ

ترجمه زیارت مبارکه آل یس:

بنام خداوند بخشاینده مهربان ، اینان در امر خداوند تعقل -فکر- نمی کنند و از اولیای او هم نمی  
 پذیرند . حکمتی رساست . سلام بر ما و بر بندگان صالح خداوند باد .  
 هرگاه خواستید به سوی خداوند تبارک و تعالی به وسیله ما توجه کنید و به سوی خود ما روی آورید ،  
 پس بگوئید چنانچه خداوند بزرگ فرموده است :

-سلام و درود بر خاندان جلیل عصمت و طهارت -سلام الله عليهم اجمعین -

سلام بر او ای دعوت کننده به سوی خداوند و پرورش دهنده عالم وجود و تکامل بخش همه  
 موجودات ، ای حجه بن الحسن !

سلام بر تو ای باب رحمت الهی و ای کسی که تنها راه ارتباط با خداوند و بندگی او هستی و وصول به  
 این هدف فقط در سایه لطف و راهنمایی تو عملی خواهد بود .

سلام بر تو ای حافظ و نگهبان دین خداوند متعال .

سلام بر تو ای جانشین خداوند در روی زمین .

سلام بر تو ای بزرگمردی که یاری کننده حق خداوند، یعنی نصرت بخش دین خدایی .

سلام بر تو ای حجت خداوند و ای راهنمای همه مردم به آنچه او از بندگانش - چون اطاعت اوامر و ترک نواهی - خواسته است.

سلام ما بر تو ای مهدی! ای تلاوت کننده قرآن و ای بیان کننده حقایق و معارف حیاتبخش آن.  
سلام بر تو ای ولی عصر و امام زمان در تمام لحظات شب و روز.

سلام و درود بر تو، ای آخرین حجت و فرستاده خداوند که دیگر پس از وجود عزیزت از طرف خداوند کسی به نام پیامبر و امام نخواهد آمد.

سلام بر تو ای فرمانروای جهان هستی که خداوند از همه بندگان در مورد حکومت و امامت تو پیمان موکد گرفته است.

سلام بر تو ای مصلح جهانی که خداوند به تو وعده و تضمین فرموده است که سلطنت و حکومت عالمگیر شده، جهان پس از گسترده شدن ظلم و جور و ستم بر سراسر گیتی، در سایه حکومت عدالت پرور، مشحون و پر از عدل گردد.

سلام بر تو ای پرچم افراشته عدل الهی و حکمت موهوب حق و پناه خلق و رحمت بی نهایت خداوند تبارک و تعالی بر همه جهانیان - و این وعده ای است که قطعاً عملی خواهد شد و هرگز در آن خلافتی نیست. -

سلام بر تو ای برپادارنده حق، آنگاه که بدین منظور قیام کنی - و یا در همه حالاتی که به پا خواسته ای. -

سلام بر تو هنگامی که می نشینی.

سلام بر تو زمانی که به تلاوت و قرائت کتاب خدا و تفسیر و بیان حقایق آن - چه در زمان غیبت و چه هنگام ظهور - مشغولی.

سلام بر تو در آن هنگام که در نماز و قنوت و نیایشی.

سلام بر تو در آن هنگام که رکوع و سجده می کنی.

سلام بر تو - ای امام عصر! - هنگامی که خداوند را به یگانگی یاد می کنی و کلمه مقدس - لا اله الا الله - را بر زبان مبارکت جاری می فرمائی.

سلام بر تو - ای منجی بشریت! - زمانی که به حمد و ثنا و ستایش الهی و استغفار مشغولی.

سلام بر تو آنگاه که صبح و شام می کنی.

سلام بر تو در تمام ساعات و لحظات شب و روز.

سلام بر درود ما بر تو - ای امام آسمانی و عزیز ما! - که در پناه قدرت بی نهایت خداوند محفوظ خواهی بود.

سلام بر تو ای کسی که مقدم بر تمام عالم و برتر از همه آرزوهای.

سلام همه جانبه ما بر تو ای حجت منتظر!

ای مولای من! شاهد باش که من گواهی می دهم به خدای یکتا و اینکه خداوندی جز او نیست و برای او شریکی وجود ندارد. و شهادت می دهم که وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنده و رسول و فرستاده اوست و اینکه تنها او و خاندانش دوست و محبوب خداوند -تبارک و تعالی- هستند. و گواهی می دهم که وجود مقدس حضرت امیرالمومنین، حجت و نماینده خداوند است بر روی زمین و پس از آن حضرت، فرزندش حضرت امام حسن علیه السلام و نیز امام حسین علیه السلام و پس از آن حضرت، فرزندش حضرت علی بن الحسین علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت محمد بن علی علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت صادق علیه السلام و پس از آن حضرت فرزند عزیزش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و پس از آن بزرگوار فرزند گرامی وی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و بعد از آن حضرت فرزند عزیزش حضرت جواد علیه السلام و بعد از آن امام عزیز فرزندش حضرت هادی علیه السلام و پس از آن سرور وجود عزیزت تنها حجت و سفیر خداوند متعال در روی زمین هستید.

و گواهی می دهم که رجعت و بازگشت شما خاندان عصمت و طهارت -سلام الله علیهم اجمعین- متعاقب امر فرج و ظهور شما حق است و جای هیچ گونه تردید و شکی نیست. آن هم در روزی که اگر کسی قبلاً ایمان نیاورده باشد، دیگر در آن روز ایمان وی نفعی برایش نخواهد داشت. و گواهی می دهم که روز قیامت و برانگیخته شدن مردگان و حضور در صحرائی قیامت برای رسیدگی به اعمال همگان و آنچه که مردم در دنیا انجام داده اند، حق است.

و گواهی می دهم که صراط و عبور از آن و نیز میزان در قیامت برای سنجش اعمال مردم حق است. و شهادت می دهم که بهشت و نعمتهای آن و جهنم و عذابهایی آن، همگی حق است -و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به دوزخ خواهند رفت. -

ای مولای من، ای صاحب الزمان! شقاوتمند و بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند و سعادت‌مند آن فردی است که از شما فرمان برد. ای -مولای من!- آنچه را بر آن شاهد و گواه گرفتم، در نزد خداوند برای من گواهی بده. آری، من دوست شما هستم و از دشمنان شما بیزار می جویم. -ای مولای من!- آنچه شما بدان راضی باشید، حق است و آنچه شما نپسندید، باطل و معروف آن چیزی است که شما به آن امر کرده و منکر و ناپسند آن کاری است که شما آن را رد فرموده اید. پس من به خداوند یکتا و بی شریک و به جد شما رسول خدا صلی الله علیه و آله و به جد دیگران حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام و به ائمه پس از آن حضرت تا وجود مقدس و عزیز شما ایمان و اعتقاد دارم. -ای مولای من و ای مهدی عزیز- من خودم را برای اینکه در خدمت شما با دشمنانتان نبرد کنم آماده

مي بينم و علاقه و محبت من مخصوص به شما خاندان رسالت است . خداوند اين سعادت را به من  
ارزاني فرما .